

## نفس اماره، دشمن درونی انسان

### آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. شناخت نفس اماره در جایگاه دشمن درونی و خطرناک‌ترین دشمن انسان؛
۲. آشنایی با معانی لغوی و اصطلاحی نفس و مراتب آن؛
۳. چگونگی مراتب نفس از دیدگاه آیات و روایات؛
۴. آشنایی با ویژگی‌ها و تمایلات نفس اماره در پرتو آیات و روایات؛
۵. شناخت اصول کلی مبارزه با نفس اماره؛
۶. راهکارهای عملی مبارزه با انحراف غریزه شهوت از مسیر اعتدال؛
۷. داستان‌ها و حکایت‌هایی زیبا درباره نفس اماره.

### مقدمه

قبل از ورود به موضوع لازم است مطالب مورد بررسی در این فصل را کاملاً روشن نماییم. ما انسان‌ها وقتی در زندگی دچار انحراف از مسیر می‌شویم، همیشه دشمنانی سایه‌وار در کمین‌مان نشسته‌اند که ما را در مسیر انحرافی تقویت کنند تا دچار گناه شده و از صراط مستقیم انسانیت خارج شویم. در رویارویی با دشمنان و چالش‌هایی که فراروی انسان قرار دارد، به طور کلی ما با دو دسته دشمن در مصاف هستیم:

۱. دشمن درونی
۲. دشمن بیرونی

به لحاظ اهمیت، دشمن درونی مهم‌تر و پیچیده‌تر از دشمن بیرونی است؛ بنابراین در اولین درس این فصل برآئیم تا دشمن درونی خود (نفس اماره) را شناسایی کرده و مبحث دشمن بیرونی (شیطان، یاران و ابزارهایش) را به درس‌های آتی موکول می‌کنیم.

## نفس انسان

### تعريف نفس

#### ۱. تعریف لغوی:

- \* به معنی جان، روح، روان و نشان‌دهنده زندگی‌بودن است.<sup>۱</sup>
- \* ۱. تن، جسم؛ ۲. شخص، ذات؛ ۳. جان، خون؛ ۴. حقیقت هر چیز؛ ۵. روح، روان؛ ۶. نفوس، انسان.<sup>۲</sup>

#### ۲. تعریف اصطلاحی

##### اصطلاح عامه مردم:

عامه مردم آن را در معنای خمیره و طینت به کار می‌برند. آن‌گاه که گفته می‌شود: «فلانی دارای نفس زکیه‌ای است»، یا گفته می‌شود «فلانی خبیث‌النفس» است، این معنا مراد است.

##### اصطلاح روان‌شناسان:

در علم النفس و روان‌شناسی «نفس» را به معنای «خود» گرفته و گفته‌اند: خود هر کس همان است که هر یک از ما با کلمه «من» به آن اشاره می‌کنیم.

##### اصطلاح فیلسفه‌دان:

فیلسفه‌دان «نفس» را در معنای «روح» به کار می‌برند.<sup>۳</sup>

##### اصطلاح علم اخلاق:

در علم اخلاق این کلمه در دو معنا به کار برده شده است:

۱. به معنای مقابله خدا؛ هرگاه کسی برای خود در برابر خداوند متعال جایگاه و شخصیتی قائل باشد و برای خود صرف نظر از خواست خدا چیزی بخواهد، علمای اخلاق می‌گویند: «او گرفتار نفس یا گرفتار هوای نفس است و باید نفس و هوای نفس را از میان بردارد تا بتواند به قرب پروردگار نایل آید».

۱. لغت نامه دهخدا؛ ذیل لغت نفس.

۲. لغت نامه معین؛ ذیل لغت نفس.

۳. علامه طباطبائی؛ تفسیرالمیزان؛ ج ۱۷، ص ۲۶۹.

۲. شاخه‌ای (جلوه‌ای) از روح آدمی که او را به سوی بدی‌ها فرا می‌خواند. «نفس» در معنای اخیر که به آن «نفس اماره» نیز گفته می‌شود، از آن رو که نه تنها بازدارنده انسان از گرایش به خوبی‌هاست، سوق‌دهنده او به بدی‌ها نیز می‌باشد و چنانچه زمینه را مساعد ببیند، تا صاحب خود را به پایین‌ترین نقطه پستی نرساند، دست‌بردار نیست، دشمن بلکه دشمن‌ترین دشمنان انسان دانسته شده است.

### أنواع نفس و تعاريف آنها:

یکی از نعمت‌هایی که خداوند متعال در اختیار انسان قرار داده است، نفس می‌باشد. چنان‌که می‌دانیم انسان دارای دو بُعد می‌باشد:

- بُعد اول: جسمانی است که همان بدن او و غرایز طبیعی و حیوانی آن است.
- بُعد دوم: روحانی و غیر جسمانی که مجرد است و آن نفس است که از عالم غیب و ملکوت می‌باشد.

نفس انسان دارای درجات و مراتبی می‌باشد که هر یک از این درجات نیز برای خود دارای یاورانی هستند.

#### یاوران نفس:<sup>۱</sup>

##### ۱. یاوران عقلانی و رحمانی

اینها انسان را به سعادت و خوشبختی می‌رسانند و وی را در مسیر کمال و قرب إلى الله قرار می‌دهند.

##### ۲. یاوران شیطانی و جهلانی

اینها انسان را به شقاوت، بدبخشی و جهنم می‌رسانند و وی را در مسیر حضیض ذلت و سقوط در حیوانیت قرار می‌دهند.

در همه حال بین این دو گروه جنگ و جدال است، اگر یاوران رحمانی و عقلانی پیروز شوند، انسان سعادتمد شده و به بهشت می‌رود، در غیر این صورت انسان جهنمی خواهد شد.

#### انسان دارای دو بعد حیوانی و الهی است:

بعد حیوانی آن نفس اماره است و بعد الهی دارای مراتبی می‌باشد که ابتدا نفس لوامه و بعد مطمئنه نام دارد. بعد از این مقدمه کوتاه مراتب و انواع نفس را بهتر خواهیم شناخت.

۱. حدیث زیبایی از امام صادق علیه السلام وجود دارد که در آن ۷۸ مورد از جنود از جنود عقل را همراه با أضداد آنها می‌شمارند. (اصول کافی؛ ترجمه مصطفوی؛ ج ۱، ص ۲۴). برای مطالعه شرح حدیث ر.ک: چهل حدیث؛ امام خمینی ره؛ ص ۶.

### اولین مرتبه نفس (پایین‌ترین مرتبه نفس):

نفس اماره بالسوء است که مربوط به حالت نقص نفس است و مرحله‌ای است که انسان از درون، میل به کجرویی، افراط و تغیری در امور زندگی دارد. گرایش نفس اماره همان خود طبیعی است که تحت تاثیر غرایز قرار گرفته و بدون تسلیم شدن به روح ملکوتی طالب اشیاع بدون قید و شرط می‌باشد.

### دومین مرتبه نفس:

مرربوط به نفوس در حال کمال و خود ساخته است و آن نفس لواحه است. نفس لواحه همان وجودان اخلاقی است و کار آن قبل از انجام عمل خیر و نیک، تشویق؛ در حین عمل، ترغیب و بعد از آن تحسین است؛ اما نقش نفس لواحه قبل از انجام کار بد و شر، تهدید؛ در زمان عمل، جلوگیری و بعد از آن سرزنش است.

### مرتبه سوم نفس (مرتبه کمال نفس آدمی):

این مرتبه نفس مطمئنه است. انسان با رسیدن به نفس مطمئنه کمال، سعادت و آرامش حقیقی زندگی خود را پیدا می‌کند و صاحب نفس راضیه و مرضیه می‌شود. مولای متقيان حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «المؤمن... مخالف لهواء، لا يغلظ على من دونه، ولا يخوض في مالا يعنيه»<sup>۱</sup>؛ از نشانه‌های مؤمن مخالفت با هوای نفس و کنترل آن است.

### نفس با توجه به آیات و روایات

#### الف) نفس از دیدگاه آیات:

از قرآن کریم به خوبی استفاده می‌شود که روح و نفس انسانی دارای سه مرحله است که آیات هر مرحله را بیان می‌کنیم.

#### ۱. آیات مربوط به نفس اماره

روح سرکش که پیوسته انسان را به زشتی‌ها و بدی‌ها دعوت می‌کند و شهوت و فجور را در برابر او زینت می‌بخشد، این همان چیزی است که خداوند در سوره یوسف از زبان او مطرح کرده و می‌فرماید: «وَمَا أَبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَآمَارَةٌ بِالسُّوءِ»<sup>۲</sup>؛ من هرگز نفس خود را تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس سرکش همواره به بدی‌ها فرمان می‌دهد.

۱. نهج البلاغه؛ خطبة علی بن ابيطالب فی صفات المؤمن و كليني؛كافى؛ج ۲، ص ۲۲۶.  
۲. یوسف: ۵۳.

## ۲. آیات مربوط به نفس لوامه

در آیات سوره قیامت به آن اشاره شده، روحی است بیدار و نسبتاً آگاه، هر چند هنوز در برابر گناه مصونیت نیافته و گاه لغزش پیدا می‌کند و در دامان گناه می‌افتد؛ اما کمی بعد بیدار شده، توبه می‌کند و به مسیر سعادت باز می‌گردد. انحراف درباره او کاملاً ممکن است؛ ولی موقعی است نه دائم، گناه از او سر می‌زند، اما زمانی نمی‌گذرد که جای خود را به ملامت، سرزنش و توبه می‌دهد. این همان چیزی است که از آن به وجودان اخلاقی یاد می‌کنند. در بعضی از انسان‌ها بسیار قوی و نیرومند است و بعضی بسیار ضعیف و ناتوان؛ ولی به هر حال در هر انسانی وجود دارد، مگر آنکه با کثرت گناه آن را به کلی از کار بیندازد. خداوند می‌فرماید: «لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ وَ لَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ الْلَّوَامَةِ»<sup>۱</sup> سوگند به روز قیامت و سوگند به نفس لوامه، وجودان بیدار و ملامت‌گر [که رستاخیز حق است].

## ۳. آیات مربوط به نفس مطمئنه

روح تکامل یافته‌ای که به مرحله اطمینان رسیده، نفس سرکش را رام کرده و به مقام تقوای کامل و احساس مسئولیت رسیده که دیگر به آسانی لغزش برای او امکان‌پذیر نیست. این همان است که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِ إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»<sup>۲</sup>؛ ای نفس مطمئنه! به سوی پروردگارت باز گرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو.

## واکنش نفس لوامه

نفس لوامه رستاخیز کوچکی است در درون جان هر انسان که بعد از انجام یک کار نیک یا بد، بلاfaciale محکمه آن در درون جان تشکیل می‌گردد و به حساب و کتاب او می‌رسد؛ از همین رو گاه در برابر یک کار نیک و مهم، چنان احساس آرامش درونی می‌کند و روح او لبریز از شادی و نشاط می‌شود که لذت، شکوه و زیبایی آن با هیچ بیان و قلمی قابل توصیف نیست و به عکس گاهی به دنبال یک خلاف و جنایت بزرگ، چنان گرفتار کابوس وحشتناک و طوفانی از غم و اندوه می‌گردد و از درون می‌سوزد که از زندگی به کلی سیر می‌شود و حتی گاه برای رهایی از چنگال این ناراحتی خود را آگاهانه به مقامات قضائی معرفی و به چوبه دار تسلیم می‌کند.

۱. قیامت: آیه ۱ - ۲.  
۲. فجر: ۲۷ - ۲۸.

### قرآن از دو نفس دیگر نیز نام می‌برد:

۱. نفس مُلَهِّمه: نفسی که خداوند شر و خیرش را به او الهام کرده: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْهَا» فَالَّهُمَّ هَا فُجُورُهَا وَتَقْوِيهَا».<sup>۱</sup>
۲. نفس مُسَوَّله: نفسی که به وسوسه نیروهای شیطانی دچار می‌شود: «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا»؛ هوس‌های نفسانی شما این کار را برای شما آراسته است.<sup>۲</sup>

### ب) نفس از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم السلام:

#### ۱. نفس اماره، منافقی تمام عیار

امام علی علیهم السلام می‌فرماید: «النَّفْسُ الْأَمَارَةُ الْمُسَوَّلَةُ تَتَلَقَّ تَمَلُّقَ الْمُنَافِقِ، وَتَتَصَنَّعُ بِشَيْءَةِ الصَّدِيقِ الْمُوَافِقِ، حَتَّى إِذَا خَدَعَتْ وَتَمَكَّنَتْ تَسَلَّطَ تَسَلُّطَ الْعَدُوِّ، وَتَحَكَّمَ تَحْكِمَ الْعُتُوِّ، فَأَوْرَدَتْ مَوَارِدَ السُّوءِ»؛ نفس بدفرمان ظاهرآرا، همچون منافق، چاپلوسی می‌کند و خود را چون دوستی سازگار و دلسوز جلوه می‌دهد و همین که فریب داد و [بر انسان] دست یافت؛ مثل دشمن مسلط می‌شود و با خودخواهی و قدری فرمان می‌راند و [شخص را] به جایگاه‌های بدی و هلاکت می‌کشاند.

#### ۲. اوصاف نفس از زبان امام سجاد علیهم السلام:

امام سجاد علیهم السلام در مناجات می‌فرماید: «إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَارَةً، وَإِلَيْكَ الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً، وَبِمَعَاصِيكَ مُولَعَةً، ... كَثِيرَةُ الْعَلَلِ، طَوِيلَةُ الْأَمْلِ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعُ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنَّعُ، مَيَالَةُ إِلَيِّ الْلَّعِبِ وَاللَّهُو، مَمْلُوَّةُ بِالْغَفَلَةِ وَالسَّهُوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْيَةِ، وَتُسَوْفُنِي بِالْتَّوْيِةِ»؛ خدای من به تو شکایت می‌کنم از نفسی که همواره به بدی فرمان می‌دهد و به سوی گناه می‌شتابد و به معاصی تو حریص است ... پُر عذر و بهانه است و آرزوی دراز دارد، اگر به او گزندی رسد، بی‌تابی می‌کند و اگر خیر و برکتی رسدش، بخل می‌ورزد. شیفته بازی و سرگرمی است، آکنده از غفلت و بی‌خبری است. مرا به سوی گناه می‌شتاباند و در کار توبه امروز و فردا می‌کند.

#### ۳. نفس ملامتگر یا وجودان بیدار

پیامبر اکرم علیهم السلام در سفارش به ابن مسعود می‌فرماید: «يابن مسعود، أكثُرُ مِن الصالحاتِ والبَرِّ؛ فَإِنَّ الْمُحْسِنَ وَالْمُسِيءَ يَنْدَمِنُ، يَقُولُ الْمُحْسِنُ: يَا لَيْتَنِي ازدَادْتُ مِنَ الْحَسَنَاتِ! وَ يَقُولُ

۱. شمس: ۸ - ۷.

۲. یوسف: ۸۳.

۳. صحیفه سجادیه؛ دومین مناجات خمسه عشر، مناجات الشاکین و شیخ عباس قمی؛ مفاتیح الجنان.

الْمُسِيءُ: قَصَرٌ، وَ تَصْدِيقٌ ذلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ الْلَّوَامَةَ»<sup>۱</sup>; ای پسر مسعود کارهای شایسته و نیک بسیار به جای آر؛ زیرا نیکوکار و بدکار هر دو پشمیمان می‌شوند. نیکوکار می‌گوید: کاش خوبی‌های بیشتری انجام می‌دادم و بدکار می‌گوید: کوتاهی کردم. گواه این مطلب سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: «وَ سُوْگَنْدَ بِهِ نَفْسٌ مَلَامِتَگَرٌ».

### ویژگی‌ها و تمایلات نفس اماره

#### ۱. راحت‌طلبی و سختی گریزی:

یکی از تمایلات نفس اماره، راحت‌طلبی و گریز از سختی‌هاست. مثلاً زمانی که برای ادای نماز شب از رختخواب بیرون می‌آییم نفس اماره است که به ما می‌گوید: کمی هم استراحت کن بعد. نفس اماره همیشه انسان را ترغیب و تشویق به تنپروری و راحت‌طلبی کرده و در نتیجه باعث می‌شود که انسان بعضی کمالات را از دست بدهد.

#### ۲. لذت‌خواه بودن:

از دیگر صفات نفس اماره، لذت‌خواه بودن است. نفس اماره همیشه به دنبال لذت‌ها و خوشی‌های زود گذر دنیاست. همیشه به دنبال این است که از هر چیزی لذت آن را به دست بیاورد؛ مثلاً در مورد لذت عبادت‌کردن و لذت خوابیدن، لذت خوابیدن را ترجیح می‌دهد.

#### ۳. سیری ناپذیری:

از دیگر صفات نفس اماره سیری ناپذیر بودن است؛ یعنی از انجام کاری که مطابق و موافق می‌لش باشد (کار رشت) سیر نمی‌شود و همیشه به دنبال آن است؛ مثلاً زمانی که از آزاردادن مردم لذت می‌برد، به انجام یکباره و دوباره آن راضی نشده و باز می‌خواهد آن را انجام دهد.

#### ۴. حیله‌گری و نیرنگ‌بازی:

حیله‌گربودن و نیرنگ‌بازی از دیگر صفات نفس اماره است. نفس اماره همواره در کمین انسان نشسته تا فرصتی به دست آورده و او را از حق به در کند.

#### ۵. توجیه‌گربودن:

زمانی که نفس اماره بالسوء انسان را به انجام کاری زشت تشویق می‌کند و فرد بعد از

۱. مکارم الاخلاق: ج ۲، ص ۳۵۳

انجام کار زشت، پی به کار بد خود برد و عذاب و جدان پیدا می‌کند، نفس اماره در صدد توجیه کردن کار بد برای انسان است و سعی می‌کند زشتی و قباحت کار را نزد فرد از بین ببرد.

#### ۶. تنبیل و کسل بودن:

همان طور که از نام نفس اماره بالسوء بر می‌آید، دعوت کننده انسان به سوی کارهای زشت است و در هنگام مواجهه با کارهای خوب، روحیه تنبیلی و کسلی به فرد می‌دهد؛ مثلاً زمانی که انسان می‌خواهد کارش را زود شروع کند، به او می‌گوید الان زود است، بعداً شروع کن.

#### ۷. تسویف:

اصلاح نفس و توبه کردن و انجام اعمال خوب و صالح را به تأخیر انداختن و امروز و فردا کردن را گویند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بر حذر باش از تسویف؛ زیرا آن دریایی است که انسان غوطه‌زنان در آن هلاک می‌شود».<sup>۱</sup>

### نفس اماره و ویژگی‌های آن در قرآن کریم

#### ۱. مطیع هوی و هوس:

شیطان عمل بدش را برای او زینت داده و بر قلب او پرده‌ای کشیده که خیر و شر را تشخیص نمی‌دهد و همیشه مانند انسان‌های جاهم و نادان فکر می‌کند: «إِنْ يَتَبَعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ»<sup>۲</sup>؛ آنان جز از گمان‌های بی‌اساس و از هوای نفس پیروی نمی‌کنند. گاهی آنچنان مطیع نفس اماره هستند که عقل هیچ‌کاره می‌شود و تمام امور به دست هوی و هوس و نفس اماره است. بنابراین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «كُمِّ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٌ تَحْتَ هُوَيَّ امِيرٌ»<sup>۳</sup>؛ پس بسیار عقل‌ها و خردها که شهوات بر آنها حکومت می‌کند.

گاهی اطاعت انسان از نفس اماره از این هم بالاتر می‌رفته و تابع خواستهای نفس افسار گسیخته می‌شود که هوی و هوس او معبدش می‌شود. «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهًا هَوَاءً»<sup>۴</sup>؛ آیا دیدی کسی را که هوس‌های خود را خدای خود قرار داده است.

۱. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۸، ص ۱۶۴. قال علی علیه السلام: «لَا دِينَ لِمُسَوْفٍ بَتُّوِيهٍ»؛ آنکس که توبه را به آینده مپوکل می‌کند، دین ندارد. (نهج البلاغه؛ حکمت ۱۵۰). مولا علی علیه السلام می‌فرماید: «الْفُرُصَةُ تُمْرُ مَرَ السَّحَابِ فَاتَّهَزُوا فَرَصَ الخَيْرِ» (نهج البلاغه؛ حکمت ۲۱).

۲. نجم: ۲۳.

۳. نهج البلاغه؛ کلمات قصار، ۲۱۱.

۴. جانیه: ۲۳.

### پیام‌های آیه:

۱. هواپرستی نوعی شرك و هواپرست سزاوار توبیخ است: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؟»
۲. با اینکه هوس‌ها در درون است؛ ولی بازتاب هواپرستی در اعمال انسان هویداست: «أَفَرَأَيْتَ؟
۳. انسان ذاتاً موجودی پرستش‌گر است؛ اما در انتخاب معبد منحرف می‌شود و به جای خدا به سراغ هوس‌ها می‌رود: «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؟»
۴. کیفر کسی که خدا را رها کرده و به دنبال تمایلات نفسانی خود باشد، آن است که خداوند او را گمراه نماید: «أَضَلَّهُ اللَّهُ»؛
۵. اگر هواپرستی حاکم شد، علم از کارآیی می‌افتد. هواپرستی حتی دانشمندان را منحرف می‌کند: «وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ»؛
۶. گمراهی و کوردلی، کیفر الهی برای هواپرستان است: «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ... أَضَلَّهُ اللَّهُ... حَتَّمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ؟»
۷. هواپرستی، سبب مسدودشدن درهای هدایت به روی انسان است: «مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ... فَمَنْ يَهْدِيهِ». <sup>۱</sup>

### ۲. کینه‌توزی و دشمنی:

در جریان قتل هاییل به دست قabil، خداوند می‌فرماید: «فَطَوَعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتَلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ»؛<sup>۲</sup> نفس سرکش کم کم او را به کشن برادرش ترغیب کرد و [سرانجام] او را کشت.

### ۳. تشییه فرمان بر نفس به سگ:

«... وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَنَّهُ كَمَلَ الْكَلْبُ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهُثْ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهُث...»<sup>۳</sup> او از هوان نفس پیروی نمود، سرگذشت او همانند داستان سگ است که اگر به آن حمله کنی، زبان از دهان بیرون می‌آورد و اگر رهایش نمایی، باز زبانش را خارج می‌سازد. اگر انسان دنبال هوی و هوس و نفس اماره برود و از خدا غفلت کند، از اوج تکامل الهی سقوط می‌کند؛ چنان‌که بلعم باعورا - این آیه درباره او نازل شده است - گرفتار هوای نفس شد و از آن مقام والا تنزل کرد. به طوری که خداوند او را به سگ تشییه نموده است. او به جای اینکه از علوم و دانش خویش برای رشد استفاده کند، به پستی گرایید

۱. محسن قائیتی؛ تفسیر نور؛ ذیل آیه.  
۲. مائده: ۳۰.  
۳. اعراف: ۱۷۶.

و بر اثر پیروی هوی و هوس مراحل سقوط را طی کرد. خداوند هم او را به سگ تشبیه می‌کند که اگر به او حمله کنی، دهانش باز و زبانش بیرون است و اگر او را به حال خود واگذاری، باز چنین است. او بر اثر شدت هواپرستی یک حالت عطش نامحدود به خود گرفته که همواره به دنبال دنیا پرستی می‌رود.<sup>۱</sup>

پیامبر درباره تشبیه نفس اماره می‌فرماید: «ومثل النفس كمثل النعامة تأكل الكثير وإذا حمل عليها لا نظير و مثل الدفلة لونه حسن و طعمه مر»<sup>۲</sup>: مثل نفس، مثل شترمرغ است که زیاد می‌خورد؛ ولی وقتی که چیزی روی او گذاشتی، پرواز نمی‌کند و مثل نفس، مثل خر زهره است که رنگش زیبا است؛ اماً طعمش تلخ است.

### أصول کلی مبارزه با نفس<sup>۳</sup>

در این مقام چند اصل علمی و عملی برای درمان این بیماری روحی وجود دارد که به برخی اشاره می‌شود.

#### الف) اصل اخلاقی مقابله به ضد

مهم‌ترین اصل عمومی که علمای اخلاق برای درمان مرض روحی پیشنهاد می‌کنند، اصل مقابله به ضد است؛ یعنی به‌کاربردن ضد هر عمل و صفتی که قصد ترک آن را دارد.

#### ب) علم درمانی

اصلی‌ترین روشی که اسلام در مورد ساخت و ساز انسان و تهذیب نفسانی و اعتقادی و عملی او پیشنهاد نموده است، استفاده از روش علم درمانی است. اگر در اسلام علم و دانش فریضه شمرده شده است و آیات و روايات واردہ در فضیلت علم و عالم افزون از هر باب دیگری است، به دلیل همین است که راه اصلی معالجه امراض آدمی به وسیله علم و آگاهی میسر است؛ همان‌گونه که ریشه شقاوت‌مندی انسان در جهل و بی‌خبری او می‌باشد. اگر انسان واقف شود دین برنامه سعادت و کمال اوست و راهی است که مستقیماً او را به قرب و لقاء پروردگار عالم می‌رساند و حیات جاودان آخرتی را برایش

۱. مکارم شیرازی؛ *تفسیر نمونه*؛ ج ۷، ص ۱۴.

۲. ری شهری؛ *میزان الحکمه*؛ ج ۹، ص ۶۰.

۳. قال رسول الله ﷺ: «مرحباً بقوم قضوا الجهاد الأصغر وبقي عليهم الجهاد الأكبر، قيل: يا رسول الله و ما الجهاد الأكبر؟ قال: جهاد النفس»؛ افرين بر کروهی که جهاد اصغر را پشت سر گذاشتند و جهاد اکبر را در پیش دارند. گفته شد: ای رسول خدا، بهاد اکبر چیست؟ حضرت فرمود: پیکار با نفس. (بخار الانوار؛ ج ۷۰، ح ۱، ص ۶۴). مهم‌ترین راه مبارزه با نفس که در مباحث اخلاقی تعبیر به جهاد نفس شده است، همان‌طور که رسول خدا ﷺ فرمودند: به طور اجمالی بهترین راه جهاد با نفس طبق فرموده امام خمینی (ره)؛ ۱. تفکر؛ ۲. عزم؛ ۳. مشارطه، مراقبه، محاسبه؛ ۴. تذکر می‌باشد. (جهل حدیث؛ امام خمینی ره؛ ص ۶). برای مطالعه بیشتر ر.ک: درس راههای مبارزه با شیطان.

به ارمغان می‌آورد، حاضر نمی‌شود با گناه و سرپیچی و خروج از این مسیر زمینه شقاوت و هلاکت خویش را فراهم نماید؛ زندگی جاودان آخرتی و لقاء پروردگار را از دست بدهد و خود را دچار سرنوشتی شوم و عذابی دردنگ نماید. اگر انسان بداند آنچه می‌کند، می‌شنود و می‌گوید همان است که در ظرف آخرت به صورت جهنم یا بهشت ظهور خواهد نمود، حساسیت بیشتری نسبت به گناه و عمل و صفت زشت و پلید اهل دنیا و عقاید باطل ایشان خواهد داشت.

### ج) عمل درمانی

مرحله بعدی این است که برای خود برنامه عملی خودسازی داشته باشیم و با انجام واجبات و ترک گناه لذت بندگی خدا را بچشیم. اگر کسی لذت قرب به خدا و بندگی خداوند را بچشد، هرگز از گناه و لذت‌های مادی راضی نخواهد شد و حاضر نمی‌شود لذت مناجات با خدا و رابطه با اهل بیت علی‌آل‌الله را بالذت مثلاً موسیقی و نگاه به نامحرم و مانند آن عوض کند.

دوست گرامی! هوس و هوسرانی مسئله‌ای است فراگیر و در همه زمینه‌های زندگی ما ساری و جاری است. برای ارائه راهنمایی دقیق‌تر، بهتر بود نوع معضل را مشخص می‌کردیم؛ ولی از آنجا که بیشترین مصدق هوس و مشهورترین فرد آن مربوط به غریزه شهوت می‌باشد، در این باره کمی توضیح می‌دهیم.

برای هزاره با انحراف غریزه شهوت لز مسیر اعتدال، چند راهکار علی پیشنهاد هی کنند:

### ۱. ترک زمینه گناه

خود این زیرمجموعه‌ای دارد که مهم‌ترین آن عبارت است از:

\* کنترل چشم<sup>۱</sup>

\* کنترل گوش

باید از شنیدنی‌هایی که ممکن است به حرام منجر شوند و زمینه‌ساز حرام هستند، پرهیز شود؛ مانند نوار موسیقی، صدای شهوت‌انگیز نامحرم و... .

\* ترک مصاحبت با دوستان ناباب<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: درس چشم‌چرانی.

۲. ر.ک: درس دوستان و همنشیان بد.

## ۲. ترک فکر گناه

ترک زمینه گناه سهم بسزایی در ترک فکر گناه دارد؛ از این‌رو هرچه بیشتر و دقیق‌تر زمینه گناه ترک شود، فکر گناه کمتر به سراغ انسان می‌آید. این فکر گناه است که شوق در انسان ایجاد می‌نماید و بعد از شوق اراده عمل، سپس خود گناه محقق می‌شود. مسلم‌تا اراده، شوق و میل نسبت به کاری نباشد، انسان مرتکب آن کار نمی‌گردد؛ بنابراین افکار جنسی را که به ذهن‌تان خطور می‌کند، بلافاصله با ذکر خدا و یاد آسیب‌های معنوی گناه از ذهن خود دور سازید.

## ۳. دوری از محیط‌های آلوده و ناسالم

یکی از علل و عوامل انحرافات جنسی و به طور کلی انحرافات اخلاقی، محیط آلوده و محرک‌های شهوانی است. محیط به وسیله واردکردن عناصر محرک در گرایش‌های انحرافی، منجر به طغیان غریزه جنسی در جوان می‌شود.<sup>۱</sup>

### داستان‌هایی از نفس‌amarه

#### ۱. میرداماد چگونه میرداماد شد؟

شاه عباس صفوی در شهر اصفهان از همسر خود سخت عصبانی شده و خشمگین می‌شود. در پی غضب او دخترش از خانه خارج شده و شب بر نمی‌گردد. خبر بازنگشتن دختر که به شاه می‌رسد، بر ناموس خود که از زیبایی خیره‌کننده‌ای بهره داشت، سخت به وحشت می‌افتد. مأموران تجسس در تمام شهر به تکاپو افتاده؛ ولی او را نمی‌یابند. دختر به وقت خواب وارد مدرسه طلاب می‌شود و اتفاقاً به در حجره محمدباقر استرآبادی که طلباء‌ی جوان و فاضل بود، می‌رود. در حجره را می‌زند، محمدباقر در را باز می‌کند، دختر بدون مقدمه وارد حجره شده و به او می‌گوید: از بزرگزادگان شهرم و خانواده‌ام صاحب قدرت، اگر در برابر بودنم مقاومت کنی، تو را به سیاست سختی دچار می‌کنم.

طلبه جوان از ترس او را جا می‌دهد. دختر غذا می‌طلبد، طلبه می‌گوید: جز تان خشک و ماست چیزی ندارم. می‌گوید: بیاور. غذا می‌خورد و می‌خوابد. وسوسه به طلبه جوان حمله می‌کند؛ ولی او با پناه‌بردن به حق دفع وسوسه می‌کند، آتش غریزه شعله می‌کشد، او آتش غریزه را با گرفتن تک‌تک انگشتانش به روی آتش چراغ خاموش می‌کند. مأموران تجسس به وقت صبح گذرشان به مدرسه می‌افتد، احتمال بودن دختر را در آنجا

۱. ر.ک: درس کنترل و هدایت غریزه جنسی.

نمی‌دادند؛ ولی دختر از حجره بیرون آمد. چون او را یافتند، با صاحب حجره به عالی قاپو منتقل کردند.

عباس صفوی از محمدباقر می‌پرسد دیشب در برخورد با این چهره زیبا چه کرد؟<sup>۱</sup> وی انگشتان سوخته را نشان می‌دهد، از طرفی خبر سلامت دختر را از اهل حرم می‌گیرد. چون از سلامت فرزندش مطلع می‌شود، بسیار خوشحال می‌شود. به دختر پیشنهاد ازدواج با آن طبله را می‌دهد، دختر نیز که از شدت پاکی آن جوانمرد بهت زده بود، قبول می‌کند. بزرگان را می‌خوانند و عقد دختر را برای طبله فقیر مازندرانی می‌بنندند و از آن به بعد است که او مشهور به میرداماد می‌شود و چیزی نمی‌گذرد که اعلم علمای عصر گشته و شاگردانی بس بزرگ هم‌چون ملا صدرای شیرازی صاحب اسفار و کتب علمی دیگر تربیت می‌کند.<sup>۲</sup>

## ۲. مبارزه با نفس شیطانی

ابن‌ابی‌یعفور به دردی مبتلا بود که درمان آن برایش سخت‌تر از خود درد بود؛ زیرا پزشکان معالج برای تسکین مرض وی شراب تجویز کرده بودند. وی برای حل این مشکل از کوفه به مدینه شتافت و از محضر مولای خویش کسب تکلیف کرد. حضرت صادق علیه السلام فرمود: از آن مایع ننوش! عبدالله وقتی به کوفه برگشت، درد به سراغش آمد. بستگانش با اصرار و اجبار اندکی شراب به او نوشاندند. درد آرام شد. او از این حادثه تلخ و ناگوار خیلی ناراحت شد. دوباره به مدینه منوره مسافرت کرد و موضوع واقعه را با امام علیه السلام در میان نهاد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

ای فرزند ابی‌یعفور! از آن ننوش، حرام است! این ناراحتی از شیطان است که بر تو مسلط شده است.

اگر او از تو نامید شود، تو را رها خواهد کرد و دیگر به سراغت نخواهد آمد. عبدالله به کوفه برگشت. درد شدید شد. بیش از همیشه او را آزار می‌داد. بستگانش وقتی ناراحتی او را دیدند، به او گفتند: تو برای تسکین ناچاری مقدار کمی از شراب بنوشی! عبدالله گفت: به خدا قسم! هرگز یک قطره هم نخواهم نوشید. (هرچند بمیرم) ناراحتی وی مدتی ادامه داشت، تا اینکه خداوند او را شفا داد و تازنده بود، آن ناراحتی را احساس نکرد.

این چنین بود که پیش‌بینی امام صادق علیه السلام تحقق یافت.

۱. حسین انصاریان؛ عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقيقة)، ج ۸.

### ۳. علی ﷺ و مرد قصاب

روزی حضرت علی ﷺ از درب دکان قصابی می‌گذشت. قصاب به آن حضرت

عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! گوشت‌های بسیار خوبی آورده‌ام، اگر می‌خواهید، ببرید.

فرمودند: الان پول ندارم، بخرم.

عرض کرد: من صبر می‌کنم. پولش را بعداً بدهید.

گفت: من به شکم خود می‌گوییم صبر کند. اگر نمی‌توانستم به شکم خود بگوییم، از تو

می‌خواستم صبر کنم؛ ولی حالا که می‌توانم به شکم خود می‌گوییم که صبر کند.

آری خاصیت نفس اماره این است که اگر تو او را وادار و مطیع نکنی، او تو را مشغول

و مطیع خواهد ساخت؛ ولی علی ﷺ که در میدان جنگ مغلوب عمروین عبدودها و

مرحب‌ها نمی‌شود، به طریق اولی و صد چندان بیشتر هرگز برخود نمی‌پسندید که مغلوب

میل و هوای نفس گردد.

#### پیام‌ها:

۱- نگاه انسان به خویش در زندگی نگاهی کاملاً ظاهری و سطحی‌نگر می‌باشد و بنابراین چون خویشتن را خوب نمی‌شناسد، متوجه نمی‌شود دشمنی در درون خویش دارد که او را از شناخت یگانه معبدش باز داشته است و این امر سبب می‌شود به جای پیروی از خدا، پیرو نفس اماره خویش باشد. همان‌طور که امام علی ﷺ فرمودند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه».

۲- با شناخت نفس اماره متوجه می‌شویم که ریشه بسیاری از مشکلاتی که برایمان در زندگی اجتماعی و خانوادگی پیش می‌آید به خودمان برگشته و در صدد اصلاح این رذائل نفسانی برخواهیم آمد.

۳- بسیار اتفاق می‌افتد انسان به زبان از نفس سرکش خویش گلایه و شکایت می‌کند، بدون اینکه لحظه‌ای در مورد این دشمن بزرگ تحقیق و تفحص کند یا در مجلس موعظه‌ای بنشینند؛ بنابراین پس از گلایه‌کردن‌ها مجددًا گناهان گذشته را تکرار می‌کند. این درس تا حدودی این مشکل را مرتفع خواهد کرد.

۴- گاهی اوقات دشمن بیرونی آنقدر به انسان تنگ می‌گیرد که متوجه نمی‌شود دشمن درونی در کمال آرامش به عداوت و انحرافش ادامه می‌دهد تا اینکه بالاخره او را از مسیر منحرف می‌کند. وی زمانی متوجه می‌شود که کار از کار گذشته و گناهان برایش ملکه شده است. با طرح این مبحث نفس اماره شناسایی و در نطفه خفه می‌شود.

۵- با شناسایی راههای مبارزه با نفس اماره در جایگاه دشمن ترین دشمنان، انسان وارد مرحله عمل شده و از مرحله علم فراتر خواهیم رفت؛ زیرا گفته‌اند: به عمل کار برآید، به سخن‌دانی نیست.

۶- نفس اماره و شیطان گاهی با آماده‌کردن زمینه‌های گناه برای انسان، او را در میدان مبارزه سختی قرار می‌دهند. اگر انسان مقاومت کرد، آنها از وی نالمید شده و دست از او بر می‌دارند؛ ولی اگر انسان در برابر گناه مقاومت نکرد، هر روز او را آلوده‌تر می‌کنند تا بتوانند به طور کلی ایمان را از او سلب نمایند.

#### معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. گناه‌شناسی؛ محسن فرائتی؛ ناشر: پیام آزادی، ۱۳۶۹.
۲. گناهان کبیره؛ سید عبدالحسین دستغیب شیرازی؛ ناشر: جهان.
۳. قیامت و قرآن (تفسیر سوره طور)؛ سید عبدالحسین دستغیب شیرازی؛ ناشر: کانون تربیت، ۱۳۶۲.
۴. جامع السعادات؛ ملا مهدی نراقی؛ ناشر: آوینا، ۱۳۸۵.
۵. نقطه‌های آغاز در اخلاق اسلامی؛ محمد رضا مهدوی کنی؛ ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۶. عوامل کنترل غراییز در زندگی انسان؛ حسین مظاہری؛ ناشر: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۷. خطوط کلی اخلاق در قرآن؛ مصطفی پاینده؛ ناشر: اسوه، ۱۳۸۸.

#### سؤالات:

- ۱- چه گروههایی یاوران نفس را تشکیل می‌دهند؟
- ۲- طبق فرموده رسول خدا(ص) بزرگ‌ترین جهاد در راه خدا چیست؟
- ۳- چه راه‌کارهایی برای کنترل غریزه شهوت وجود دارد؟
- ۴- طبق آیه ۱۷۶ سوره مبارکه اعراف، نفس به چه حیوانی تشبیه شده است؟
- ۵- یکی از ویژگی‌های خطرناک نفس اماره تسویف می‌باشد، آن را توضیح دهید.



## شناشنامه شیطان

### آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. چگونگی تبیین شخصیت شیطان در دیدگاه ادیان مختلف؛
۲. آشنایی با آیات و روایات درباره شیطان‌شناسی؛
۳. اهمیت و ضرورت شناختن شیطان، این دشمن دیرینه از دیدگاه اسلام؛
۴. تاریخچه آفرینش شیطان و دلیل گناه‌کردن شیطان در آیات؛
۵. فلسفه وجود شیطان در جایگاه اغواگر و فریب‌دهنده بندگان مؤمن خدا؛
۶. فرق بین فرشته و ملک با جن و شیطان با توجه به آیات و روایات؛
۷. ضرب المثل‌هایی کوتاه درباره شیطان.

### مقدمه

در درس قبل درباره دشمن درونی (نفس اماره) مطالبی را بررسی نمودیم. در دروس آینده درباره دشمن بیرونی (شیطان) نکاتی را خواهیم گفت که در این دو درس به ویژگی‌های شناشنامه‌ای و شناخت شیطان بسنده کرده و مابقی مطالب را در درس‌های آینده بحث خواهیم کرد.

### شیطان کیست؟

## تعريف شیطان

### ۱. تعريف لغوی

\* هر سرکش و نافرمان از مردم و پری و ستور و جز آن. ج: شیاطین.<sup>۱</sup>

\* نافرمان و متمرد.<sup>۲</sup>

### ۲. تعريف اصطلاحی

شیطان یکی از مخلوقات الهی بود که شش هزار سال در درگاه خداوند مشغول عبادت بود و جایگاه ویژه‌ای نزد خدا داشت. بعد از آفرینش حضرت آدم، خدا به تمامی فرشتگان دستور داد تا در مقابل آدم سجده کنند؛ ولی شیطان از این امر سرپیچی کرد و خود را برتر از آدم دانست؛ چون آدم از خاک آفریده شده و او از آتش؛ به همین دلیل مورد غضب خدا قرار گرفته و از آن روز شیطان، دشمنی انسان را آغاز کرده و سعی در به انحراف کشیدن انسان‌ها داشته است.

## شیطان در ادیان مختلف

### ۱. شیطان در اسلام

کلمه شیطان در عربی "الشیطان" و به معنای خطاکار، متباور و دشمن است. صفت شیطان معمولاً به موجودی به نام ابليس داده می‌شود. ابليس یک جن بوده که خدا را نافرمانی کرده است؛ بنابراین توسط خدا محکوم شده است که منبعی برای گمراهی انس و جن باشد و ایمان آنها را برای خدا بسنجد. شیطان در دین اسلام وسیله و عاملی برای آزمایش انسان است. بر اساس آیات قرآن شیاطین به دو دسته انسی و جنی تقسیم می‌شوند. همچنین می‌فرماید: «آیا او و نسلش را به جای من دوست خود می‌گیرید؟»<sup>۳</sup> در جای دیگری می‌فرماید: «به درستی که شیطان دشمن شماست؛ پس شما او را دشمن خود در نظر آورید». <sup>۴</sup>

شیطان یا ابليس یکی از مخلوقات خداوند است که قبل از خلقت آدم در صفووف ملائک و در گروه فرمابندهای عبادت‌کنندگان بوده و از اوامر خدای متعال سر باز زده و

۱. لغت نامه دهخدا؛ ذیل لغت شیطان.

۲. لغت نامه معین؛ ذیل لغت شیطان.

۳. ر.ک: درس «شگردها و روش‌های شیطان دیگر دادن انسان‌ها».

۴. «وَإِذْ قُلْنَا لِلملائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفْتَخَرَدُونَهُ وَدُرِّيَّتْهُ أُولَيَاءِ مِنْ دُونِي وَهُنْ لَكُمْ عَدُوٌّ يُبَشِّرُ لِلظَّالِمِينَ بَدْلًا». (کهف: ۵۰).

۵. «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعْيِ». (فاطر: ۶)

به نافرمانی و عصيان گراییده و از صحنه و عالم وسیع ملأ اعلا و فرشتگان مقام بالا اخراج شده است. ابليس اولین فردی بود که این گناه عظیم را مرتکب شد و نتوانست نورانیت و روحانیت آدم را با نورانیت آتش (جنس خودش) تشخیص دهد و تفاوت آن دو را دریابد. آدم تنها از خاک نبود؛ بلکه از آن روح الهی بود که در آن دمیده شد و گرنه خاک کجا و این همه استعداد و تکامل کجا!<sup>۱</sup>

## ۲. شیطان در یهود

در لغت به معنای دشمن یا «تهمت‌زننده» است. همچنین نام فرشته‌ای است که مؤمنان را محک می‌زند. در یهودیت شیطان، ابليس نامیده می‌شود. شیطان در یهود دشمن خدا شناخته نشده است؛ بلکه یک خادم خداست که وظیفه دارد ایمان بشریت را آزمایش کند.<sup>۲</sup>

## ۳. شیطان در مسیحیت

در بسیاری از شاخه‌های مسیحیت، شیطان (در اصل لوسیفر) قبل از آنکه از درگاه خدا طرد شود، یک موجود روحانی یا فرشته بوده که در خدمت خداوندگار بوده است. گفته می‌شود شیطان از درگاه خداوند به دلیل غرور بیش از حد و خودپرستی طرد شده است. همچنین گفته شده شیطان کسی بوده که به انسان گفت: می‌تواند خدا شود؛ به همین دلیل موجب معصیت اصلی انسان در درگاه خدا شده و در نتیجه از بهشت عدن اخراج شده است.

کلمه شیطان در انجیل، اسم خصم یا مانع بشر است. در قسمت دیگر از کتاب انجیل، شیطان برای تمردکردن در برابر خدا تلاش می‌کرد؛ اما در نافرمانی ناکام شد و خدا او را به جهنم تبعید کرد. شیطان اختراع کلیسا بود تا همه بدی‌ها را به او نسبت دهند. البته مقامات کلیسا می‌دانستند شیطان ساخته و پرداخته دست خود آنها است؛ ولی متعصبان مذهبی که دنباله‌رو آنها شده بودند، واقعاً تصور می‌کردند با نسبت‌دادن همه بدی‌ها به شیطان، به مذهب و کلیسا خدمت می‌کنند.

در عهد جدید شیطان وسوسه‌گر حضرت مسیح است که در نهایت او فریب وسوسه‌های شیطان را نخورد؛ همچنین تأکید شده باید بیدار و هوشیار بود و به وسیله ایمان جلوی تیرهای او را گرفت و در مقابل او مقاومت نمود.<sup>۳</sup>

با توجه به اینکه مسیحیان هر دو عهد را قبول دارند، به نظر می‌آید تأثیرپذیری آنان از

۱. برگفته از پندارهایی از شیطان؛ اثر گوستاو دور در کتاب بهشت گمشده؛ نوشته جان میلتون.

۲. همان.

۳. همان.

آموزه‌های عهد قدیم درباره شیطان در زندگی سیاسی و اجتماعی بهویژه پس از رنسانس بیش از عهد جدید بوده است؛ زیرا طبق برداشت تورات، شیطان وسوسه‌گر، همان عقل است و شجره ممنوعه، همان درخت آگاهی است که انسان با تمرد از دستورات خدا به آگاهی و معرفت می‌رسد و به همین دلیل از بهشت خدا رانده می‌شود.

#### ۴. شیطان در زرتشت

دین در زرتشت، تنها دینی است که از یک اعتقاد دینی مشخص وام گرفته شده و در کتاب مقدس از آن یاد شده است. از آغاز صحیفه‌های عهد عتیق تا صحیفه اشعیای نبی همواره منشأ غایی همه چیز و از جمله شر یهود معرفی گردیده است؛ اما پس از اسارت و تبعید یهود، تغییر مشخصی صورت پذیرفت. اگر دو روایت مشابه مربوط به تجربه خاصی از حضرت داود - پادشاه قوم اسرائیل - را در نظر بگیریم، خواهیم دید در سندي که مربوط به دوران پس از تبعید است، در مطلب مشابهی که مربوط به دوران قبل از تبعید قوم یهود بوده، واژه شیطان جایگزین قوم یهود گردیده است. بنابراین شیطان از اجزای اصلی کتاب مقدس نبود، بلکه بعدها به وسیله دین زرتشتی وارد آن شده است. هنگامی که یهودیان به بابل تبعید شده بودند، در تماس مستقیم با دین زرتشتی قرار گرفتند و ایده‌های دقیق و استادانه‌ای از آن دین وام گرفتند؛ از قبیل مبحث فرشتگان و شیطان. اولی اهورامزدا نام دارد که نور است و حیات آفریدگار خوبی و پاکی؛ دومی که اهریمن است، ظلمت است و پلیدی و خالق امور مضر و اشیای زشت و دروغ. شیطان در بسیاری از ادیان مظهر شر و ناپاکی است که این مفاهیم در تعالیم بنیانگذار دین زرتشت و همه متون بعدی این دین بوده است. از ویژگی‌های اصلی شیطان دروغ و فریب است و حداقل ۶۰ بار در گاته‌ها مورد سرزنش قرار گرفته است. اسم خاص انگره مینو مختص‌ترین روح، فقط یکبار در تعالیم زرتشت به چشم می‌خورد. وجود خداوند نیک و شیطان که با یکدیگر مبارزه می‌کنند، از مشخصات اصلی دین زرتشتی است. انگره مینو و شداد شنوتی جهانی (دوگانه پرستی) در میان سایر ادیان شهرت یافته است. انگره مینو و شداد بی‌شماری از شیاطین وجود دارند که به طور منظم در مقابل فرشتگان خیر و اهورا مزدا (خدای حکیم - ذات متعال) قرار می‌گیرند. نام این شیاطین عبارتند از: گرسنگی، تشنگی، خشم، نفرت، حسد، دروغ، خشکسالی، زمستان و بدکاری، نام این ارواح شرور، دیو می‌باشد که در زبان پارسی به صورت diu و در زبان انگلیسی به نام devil تغییر یافت.<sup>۱</sup>

۱. برگرفته از جان باپر ناس؛ تاریخ جامع ادیان؛ ترجمه علی اصغر حکمت؛ ص ۴۴۷ تا ۴۸۳ و پندره‌ایی از شیطان؛ اثر گوستاو دور در کتاب بهشت گمشده؛ نوشه جان میلتون.

## شیطان در نگاه قرآن و روایات

### الف) شیطان در تعبیر قرآنی:

قرآن کریم جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب مقدس، به صورت کاملاً جدی و گسترده در مورد شیطان سخن به میان آورده و این امر دلیل بر اهمیت این موضوع و شناخت این دشمن سرسخت انسان‌ها گردیده است.

۱. شیطان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بود: «وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً»؛<sup>۱</sup>

۲. شیطان نسبت به پروردگارش نافرمان بود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِرَحْمَنِ عَصِيًّا»؛<sup>۲</sup>

۳. شیطان دشمن آشکار انسان است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِإِنْسَانٍ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛<sup>۳</sup>

۴. شیطان بسیار شکست‌دهنده و خوارکننده است: «وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِإِنْسَانٍ خَذُولاً»؛<sup>۴</sup>  
«فَأَزَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ»؛<sup>۵</sup>

۵. شیطان تصمیم دارد بنی آدم را به سرنوشت پدر و مادرشان مبتلا کند؛ پس باید از فتنه او بر حذر باشید: «يَا بَنِي آدَمْ لَا يُقْتَنِنُكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبْوَيْكُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ».<sup>۶</sup>

### پیام‌های آیه‌ای:<sup>۷</sup>

۱. از تاریخ و سرنوشت دیگران عبرت بگیریم: «كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ»؛

۲. خود را بیمه شده و به دور از انحراف ندانیم. حضرت آدم که مسجد فرشتگان بود، با فریب شیطان از جایگاه خود دور شد: «أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ...»؛

۳. بر亨گی و کشف حجاب، عامل خروج از جایگاه قرب الهی است: «أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ... يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا»؛

۴. هرگونه برنامه و تبلیغاتی که به بر亨گی بینجامد، شیطانی است: «لَا يُقْتَنِنُكُمُ الشَّيْطَانُ... يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا»؛

۵. هدف شیطان، بر亨گی زن و مرد در برابر یکدیگر است: «لِيُرِيهُمَا سَوَاءٌ تِّهْمَآ»؛

۱. اسراء: ۲۷.

۲. مریم: ۴۴.

۳. یوسف: ۵.

۴. فرقان: ۲۹.

۵. بقره: ۳۶.

۶. اعراف: ۲۷.

۷. محسن قرائتی؛ تفسیر نور؛ ذیل آیه.

۶. شیطان تنها نیست، بلکه گروه و ایادی دارد: «إِنَّهُ يَرِيْكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ»: چنان‌که در جای دیگر می‌خوانیم: «وَجُنُودُ إِبْلِيسَ»؛<sup>۱</sup>
۷. چون شیطان را نمی‌بینیم، از او غافل نباشیم و همیشه آماده باشیم: «لَا يَتَتَّنَّكُمْ... لَا تَرَوْهُمْ»؛ زیرا فریبندگی شیطان به دلیل ناپیدایی اوست.
۸. برهنگی، نشانه ایمان‌نداشت و سلطه شیطان است: «يَنْزَعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا... أَوْلِيَاءَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»؛
۹. سلطه شیطان به دلیل اعمال خود انسان است: «أَوْلِيَاءَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»؛
۱۰. سنت خداوند آن است که شیطان بر کافران و منکران حاکم شود: «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»؛
۱۱. ایمان به خداوند، مانع ولایت و حاکمیت شیطان بر انسان می‌شود: «أَوْلِيَاءَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ».

آنچه بیان شد نمونه‌ای بود از آنچه در قرآن مجید درباره شیطان آمده است و همین مقدار هم به وضوح ضرورت تحقیق از موضوع شیطان را نشان می‌دهد؛ زیرا طبق آیات قرآن شیطان دشمن آشکار انسان است و شناخت دشمن به حکم عقل و شرع از ضروریات است.

شیطان به حقیقت مانع و سد تکامل انسان به سوی تقرب خدا است. شیطان از خداوند مهلت خواسته تا روز قیامت در انسان‌ها، القای و سوسه کند.<sup>۲</sup> شیطان قسم یاد کرده همه انسان‌ها را به جز مخلصین به گمراهی بکشاند.<sup>۳</sup> همه انسان‌ها حتی اولیاء و متقيان از شر او ایمن و مصون نیستند و در قرآن کریم شیطان مظهر فساد و منشأ بدی‌ها معرفی شده که انسان را از روشنایی ایمان به تاریکی کفر و شرک دعوت می‌کند و در احادیث مبارزه با این دشمن درونی که همان نفس اماره<sup>۴</sup> می‌باشد، جهاد اکبر<sup>۵</sup> معرفی شده است.

## ۶. آمادگی شیطان برای تحويل پست گمراه‌کردن:

اصل وجود شیطان به دلیل اینکه آفریده خداست و هر آفریده الهی خیر است، خیر می‌باشد و بر همین اساس هزاران سال در درگاه خدا عبادت کرد؛ ولی شیطان چون خود بدی را انتخاب کرد، از درگاه الهی رانده شد و خدا هرگز او را بد نیافرید؛ بنابراین

۱. شعراء: ۹۵.

۲. «فَلَمَّا أَتَى الْأَوَّلَيْنَ وَالآخِرَيْنَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَيْهِ مِيقَاتٍ يَوْمَ مَعْلُومٍ» (واقعه: ۵۰).

۳. «قَالَ فَيَعْرِتُكَ لِأَغْوِيَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عَيَّدَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (ص ۸۲ و ۸۳).

۴. ر.ک: درس نفس اماره، دشمن درونی انسان‌ها.

۵. همان - بخاران‌نویار، علامه مجلسی ج ۶۷ ص ۶۵ ح ۷ - ثقة الاسلام کلینی؛ الکافی؛ ج ۵ ص ۱۳ .

شیطنت و اضلال او نیز مبنی بر حکمت و مصلحتی می‌باشد که به موجب همان حکمت و مصلحت، شیطان شر نسبی است نه شر حقیقی و واقعی و مطلق. از همه شگفت‌تر این است که بر حسب منطق قرآن، شیطان به اختیار خود راه ضلالت و گمراهی را انتخاب کرد و سپس در مقابل فرمان حق سرکشی نمود...<sup>۱</sup>

قسم خورد انسان‌ها را فریب دهد<sup>۲</sup> و پس از آن وسیله سنجش و آزمایش انسان‌ها قرار گرفت و خداوند به او فرمود: «وَاسْتَفْزِرْ زَ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِيلَ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأُمُولَ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعْدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»<sup>۳</sup>: هر که را از فرزندان آدم می‌توانی بلغزان، با سواره نظام و پیاده نظمت بر آنان بتاز، در ثروت و فرزند شریکشان شو و نویدشان ده و شیطان جز دروغ و فریب نویدشان نمی‌دهد.

### ب) شیطان در روایات

#### ۱. شیطان خود را معرفی می‌کند:

در حدیثی طولانی از علی بن محمد صوفی که به ابلیس برخورد و از او پرسید: تو کیستی؟ گفت: از آدمیزاده‌ها. او گفت: لا اله الا الله، تو از مردمی هستی که پندارند خدا را دوست دارند و نافرمانیش کنند و ابلیس را دشمن دارند و فرمانش برند. گفتش اکنون بگو تو کیستی؟ گفت: منم صاحب داغکن و نام بزرگ و طبل بزرگ، منم کشنه هاییل، منم سوار بر کشتی به همراه نوح، پیکن ناقه صالح، صاحب آتش ابراهیم، زمینه‌ساز کشتار یحیی، فراهم‌کننده قوم فرعون در نیل، جادوساز و جادوپرداز با موسی، گو dalle ساز بنی اسرائیل، ارده‌کش بر زکریا، همسفر ابرهه برای ویرانی کعبه با فیل، سردار لشکر ضد محمد در احد و حنین، حسدانگیز در دل منافقانی در سقیفه، صاحب هودج<sup>۴</sup> در جنگ بصره و شتردار. آن منم که در سپاه صفین ایستادم، منم که در کربلا مؤمنان را سرزنش کردم، منم امام منافقان، منم نایبد کن پیشینیان، گمراه کن بعدیان، منم شیخ ناکثین پیمان‌شکن، منم رکن قاسطان، منم ظل مارقان، منم ابومره آفریده از آتش نه از گل؛ من آنم که پروردگار جهانیان بد خشم کرده. صوفی گفت: تو را به خدا مرا به کاری ره‌نمایم که بدان به خدا نزدیک شوم و به راه پیشامدهای بد روزگارم یاری جویم. گفت:

۱. «قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَا تَسْجُدَ إِذْ أَمْرُتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْ تَارَ وَخَلْقَتُهُ مِنْ طِينٍ»؛ (اعراف: ۱۲).

۲. «قَالَ فَعَرَّتْكِ لِأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»؛ (بس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به دریم برم؛ (ص: ۸۲)؛ «قَالَ فَمَمَا أَغْوَيْتِي لِأَغْدِنَ لَهُمْ صِرَاطِكِ الْمُسْتَقِيمِ \* ثُمَّ لَآتَيْنَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ»؛ به این سبب که مرآ حراه ساختی، بر سر راه ایشان خواهم نشست. ان گاه از پیش رو و از پشت سر شان و از راست و چپ شان خواهم امد و بیشتر آنان را سپاسگذار نخواهی یافت. (اعراف: ۱۶ - ۱۷).

۳. اسراء: ۶۴

۴. مقصود از هودج آن است که عایشه روز جنگ جمل بر آن سوار بود.

از دنیای خود به همان پارسایی و کفایت زندگی قناعت کن و بر آخرت خود به دوستی علی بن ابی طالب (علیه السلام) یاری جو و دشمنی با دشمنانش؛ زیرا من خدا را در هفت آسمان عبادت کردم و در هفت سرزمین نافرمانی کردم و نیافتم فرشته مقرب و نه پیغمبر مرسلی جز آنکه به دوستی او تقرب می‌جستند. گوید سپس از چشمم نهان شد و آمدم حضور ابو جعفر و به او گزارش دادم. فرمود: آن ملعون به زبانش ایمان آرد و به دلش کافر باشد.<sup>۱</sup>

## ۲. هر پلیدی از شیطان برمی خیزد:

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (صلی الله عليه و آله) فرمود: ابلیس به پروردگارش گفت: پروردگارا آدم به زمین فرو آورده شد و من می‌دانم. البته کتب و رسائل خواهند بود، کتب و رسائل آنها چیستند و کیستند؟ فرمود: رسولانشان فرشته و پیغمبرانند و کتاب‌هایشان تورات، انجیل، زبور و فرقان. گفت: پس کتاب من چیست؟ فرمود: کتاب تو خالکوبی، خواندن شعر و رسولانت کاهنان، خوراکت آنچه نام خدا بر آن خوانده نشود، نوشابهات هر مسکر و گفتارت دروغ، خانهات حمام و دامهایت زنان، جارکشت نی و مسجدت بازارها.<sup>۲</sup>

## ضرورت شناخت شیطان:

«در حقیقت شیطان دشمن شماست، شما نیز او را دشمن گیرید».<sup>۳</sup>

فطرت انسانی طوری پایه‌ریزی شده که مانند بسیاری از رذائل به واژه دشمن حساس می‌باشد و به محض شنیدن چنین واژه‌ای به دنبال مصاديق آن گشته و در صدد از بین بردن و دوری از آن مصاديق برمی‌آید. با خروج آدم از بهشت توسط شیطان، نطفه دشمنی در این عالم گذاشته شد و شیطان نقطه اوج دشمنی‌ها در عالم لقب گرفت.

## ۱. دشمنی دیرینه

انسان هرگز از دشمنی سخت کینه‌توz که گمراهیش را آرزو داشته، جدا نیست. دشمنی که تنها برای بی‌آبروکردن آدمی مطابق بیان قرآن که می‌فرماید: «پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می‌برم».<sup>۴</sup> از خدا مهلت زندگانی گرفته تا بر بیچارگی

۱. آسمان و جهان؛ ترجمه کتاب السماء و العالم بحار؛ ج ۷، ص: ۱۹۷.

۲. همان؛ ص: ۲۱۹.

۳. «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌ فَاتَّخُذُوهُ عَدُوًا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيُكُوْنُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعْيِ»؛ (فاطر: ۶).

۴. «فَأَلْفَلَ فَيَعْرِّتُكَ لِأَغْوِيَّنَهُمْ أَجْمَعِينَ». (ص: ۸۲)

وی بشورد؛ بر این اساس او بسیار خطرناک بوده و برای رسیدن تنها هدفش به انواع حیله‌ها مبنی بر فریب و گمراه کردن آدمیان دست می‌زند.

### ۲. غفلت ما، انگیزه بیداری او

امام سجاد علیه السلام فرمودند: اگر ما از او غافل شویم، او از ما بی‌خبر نیست و اگر ما او را فراموش کنیم، او ما را از یاد نمی‌برد.<sup>۱</sup>  
علامه طباطبائی نیز در این زمینه فرمودند:

«موضوع ابلیس نزد ما پیش پا افتاده شده؛ بنابراین به آن عنایتی نداریم، جز اینکه روزی چند بار او را لعنت کرده و از شرّش به خدا پناه می‌بریم؛ اما این موضوع، موضوعی بسیار قابل تأمل، دقت و بحث است و متاسفانه تاکنون در صدد برنیامده‌ایم ببینیم قرآن درباره این موجود عجیب که در عین اینکه از حواس ما غایب است؛ اما تصرفات عجیبی در عالم انسانیت دارد، چه می‌گوید؟<sup>۲</sup>

چرا باید در صدد شناختن این دشمن درونی و خانگی خود برا آیم؟ چرا به این امر بی‌اعتناییم؟ دشمنی که از روز پیدایش بشر تا مرگ و حتی پس از مردنش نیز دست از سر او بر نمی‌دارد و تا آدمی را در عذاب جاودانه دوزخ نیندازد، آرام نمی‌گیرد.<sup>۳</sup>

### ۳. یک نکته فراموش‌نشدنی

عارفی می‌گفت: شیطان لعین برای پدر و مادرت (آدم و حوا) قسم یاد کرد که خیرخواه ایشان است و دیدی که با آن دو چه کرد؟ اما شیطان به گمراهی تو کمر همت بسته است.

چنان‌که خدای تعالی در قرآن کریم از زبان او می‌فرماید: «قَالَ فَيَعْزِّتُكَ لَا غَوِيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ».<sup>۴</sup>

حال می‌پنداری با تو چه کند؟!

### تاریخچه شیطان در آفرینش

#### ۱. چرا شیطان در بهشت به گناه افتاد؟

۱. صحیفه سجادیه: مناجات‌های امام سجاد علیه السلام؛ دعای ۲۵.  
۲. سید محمدباقر همدانی؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ج ۸، ص ۴۲.  
۳. ص: ۸۲.  
۴. ص: ۸۲.

شیطان از جنس جن<sup>۱</sup> و مانند انسان موجودی مختار است.<sup>۲</sup>

و هر موجود مختار می‌تواند راه‌های خوب و بد برگزیند<sup>۳</sup> و نتیجه آن را دریافت کند.<sup>۴</sup> خداوند جن و انس را اساساً برای سعادت و رسیدن به کمال آفریده<sup>۵</sup> و آن دو را به راه سعادت هدایت فرموده است؛ ولی برخی از انسان‌ها و جنی‌ها راه هدایت را پذیرفته<sup>۶</sup> و برخی آن را رها ساخته و خود و دیگران را به بدی‌ها دعوت می‌کنند<sup>۷</sup>؛ شیطان نیز یکی از همین‌ها است. قرآن مجید هر انسان یا جن بدکار و دعوت‌کننده به بدی‌ها را شیطان نامیده است و یکی از این شیاطین همان «ابليس» است که از سجاده بر آدم سر برتابفت و راه انحراف و دعوت به انحراف پیش گرفت.<sup>۸</sup> البته او بر هیچ‌کس سلطه ندارد و فقط وسوسه‌گر است<sup>۹</sup> و خداوند خطر وسوسه‌گری‌های او را گوشزد کرده، به مقاومت در برابر آن پاداش بسیاری می‌دهد.<sup>۱۰</sup>

بنابراین شیطان از آنجا که جن بوده است، موجودی انتخاب‌گر و صاحب اراده بوده و توان سریچی از فرمان خداوند را داشته است. بله، در اثر کثرت عبادت شیطان در ردیف ملاک‌که به شمار می‌آمد؛ ولی اصلتاً از جنیان بود. در مقابل انسان که از خاک خلق شده است، شیطان از آتش خلق شده است.

۱. «إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ سَجَدُوا إِلَيْنِسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ...». (کهف: ۵۰)
۲. «فَوَمَنْدَ لَكَ يُسْأَلُ عَنْ ذَيْهِ إِنْ شِئْ وَلَا جَانِ» (الرحمن: ۳۹)؛ «وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقْفُوا عَلَى رِبِّهِمْ قَالَ اللَّهُمَّ هَذَا بِالْحَقِّ فَالْأُولَا يَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذَوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كَنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (العام: ۳۰)؛ «أَوْلَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقُولُ فِي أَمْ قَدْ خَلَتْ مِنْ قِبَلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسَانِ لَهُمْ كَانُوا حَاسِبِينَ» (احقاف: ۱۸)؛ «لَقَنَتْهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذَكْرِ رَبِّهِ سَلَكَهُ عَذَابًا صَدِراً» (جن: ۱۷).
۳. «وَقَصَّنَا لَهُمْ قُرْنَاءَ فَرَيَوْا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَحْقَ عَلَيْهِمُ الْقُولُ فِي أَمْ قَدْ خَلَتْ مِنْ قِبَلِهِمْ لَهُمْ كَانُوا حَاسِبِينَ \* وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبِّنَا أَرْبَعَةُ الَّذِينَ أَخْسَلَنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسَانِ إِلَيْنَا لَكُونَا مِنَ الْأَنْفَلِينَ» (فصلت: ۲۵-۲۹)؛ «وَإِذْ صَرَّفَ إِلَيْكَ مِنَ الْجِنِّ سَتْنَتِهِنَّ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصُنُوا لَنَا قَضِيَ وَلَوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُتَدَرِّبِينَ» (احقاف: ۲۹).
۴. «وَلَقَدْ ذَرَانَا لَهُمْ كَبِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسَانِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْهَمُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يَسْعُونَ بِهَا أَوْلَئِكَ كَالْأَغْنَامِ بِلَهُمْ أَضَلُّ أَنْتَكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (اعراف: ۷۹)؛ «وَأَمَّا الْقَاطِنُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطِيلًا \* وَأَنَّ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مِاءً غَدِيقًا» (جن: ۱۵-۱۶).
۵. «وَمَا خَلَقْنَا الْجِنِّ وَالْإِنْسَانَ إِلَّا لِيَعْدُونَ» (ذاريات: ۵۶).
۶. «هَدَى إِلَى الرُّشْدِ فَأَتَاهُمْ وَلَنِ تُشْرِكُ بِرَبِّهِ مَلَائِكَةَ بَخْشًا وَلَا رَهْقًا \* وَأَنَّا مِنَ الْمُهَديِّ اتَّمَّا بَهْ فَنِيَ الْمُؤْمِنُ بِرَبِّهِ مَلَائِكَةَ بَخْشًا وَلَا رَهْقًا \* وَأَنَّا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَ الْقَاطِنِينَ فَمِنْ أَنْتُمْ فَأَوْلَئِكَ تَحْرُوا رَسِيدًا» (جن: ۱۳، ۱، ۲ و ۳).
۷. «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ \* الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ الْإِنْسَانِ \* مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس: ۴-۶)؛ «وَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفهُنَا عَلَى اللَّهِ نَشَطَّأَ \* وَلَهُمْ ظَنْوَا كَمَا ظَنَّنَتْ إِنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا \* وَأَنَّا مِنَ الْمُصَالِحُونَ وَمِنَ دُونَ ذَلِكَ كَنَا طَرَائِقَ قَدَداً \* وَأَنَّا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَ الْقَاطِنِينَ فَمِنْ أَنْتُمْ فَأَوْلَئِكَ تَحْرُوا رَسِيدًا» (جن: ۴، ۷ و ۱۱ و ۱۴).
۸. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لَكُلَّ نَبِيٍّ عَدَوًا شَيَاطِينَ الْإِبْرِيزِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَيْهِ بَعْضٌ زُخْرُفُ الْقُولُ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلَهُ فَقَرَرْهُمْ وَمَا يَقْرَرُونَ» (اعراف: ۱۲)؛ «إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ سَجَدُوا إِلَيْنِسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْ رَبِّهِ أَفْسَخَهُ وَدَرَتْهُ أَوْلَاهِهِ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بَسْ لِلظَّالِمِينَ بَدَّ» (کهف: ۵).
۹. «مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس: ۶).
۱۰. «وَالْجِنَّ حَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلِ مِنْ تَارِ السَّمُومِ \* قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِتَشَرِّخَ حَلَقْنَاهُ مِنْ حَلَصَالٍ مِنْ حَمَاءِ مَسْنَوْنِ» (حجر: ۲۷ و ۳۳)؛ «وَخَلَقَ الْجِنَّ مِنْ مَارِجِ مِنْ تَارِ» (الرحمن: ۱۵)؛ «قَالَ مَا مَعَكَ إِلَّا سَجَدْتَ إِذْ أَمْرَتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ حَلَقْنَاهُ مِنْ تَارِ وَخَلَقْنَاهُ مِنْ طَينِ» (اعراف: ۱۲)؛ «قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ حَلَقْنَاهُ مِنْ تَارِ وَخَلَقْنَاهُ مِنْ طَينِ» (ص: ۷۶).

خداؤند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكَبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup>; و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنند، همه سجده کردند، مگر شیطان که ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران بود.

از صدر این آیه به دست می‌آید که ابليس نیز از نوع جن است؛ ولی به دلیل عبادت‌های فراوان در کنار ملائکه قرار داشت؛ بنابراین وقتی خدا ملائکه را به سجده فرمان داد، ابليس را نیز در برگرفته است.

## ۲. شیطان از نقطه بلند سقوط کرد!

عموماً دیده شده است هر چه یک موجود مقام بالاتری در نگاه زیردستان و هم‌کیشانش داشته باشد، چنانچه پایش بلغزد و گناه و کج روی از او سر بزند، درصد آسیب‌هایی که به او از ناحیه آن کج روی می‌رسد، بیشتر است. بنابراین شاید سؤالی با ذهن ما بازی کند که این همه عبادت از ناحیه شیطان چگونه با یک گناه موجب رانده شدنش از درگاه پروردگار شد؟

حضرت علی علیله می‌فرمایند: «فَاعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فَعْلِ اللهِ يَأْبِلِيسِ إِذَا حَطَ عَمَلُهُ الطَّوِيلُ وَجَهَدَهُ الْجَهِيدُ وَكَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّهُ آلَافَ...»<sup>۲</sup>: پند و عبرت گیرید به آنچه خداوند با ابليس رفتار کرد، در آن هنگام که اعمال و عبادات طولانی و تلاش و کوشش‌های او را که شش هزار سال بندگی خدا کرده بود... به ساعتی تکبر ورزیدن بر باد داد... .

اولاً: ابليس با تمرد و عصیان خود نشان داده بندگی ندارد. اگر بندگی داشت، در برابر امر خدا خضوع می‌کرد و اطاعت و انقیاد خود را نشان می‌داد. ثانیاً: شیطان زیاد عبادت داشت. شش هزار سال؛ اما امتناع از سجده کردن برای آدم علیله، امتناعی معمولی و ساده نبود و گناه عادی محسوب نمی‌شد، بلکه سرکشی و آمیخته به اعتراض و انکار مقام پروردگار بود. از این‌رو مخالفت او از کفر و انکار علم و حکمت خدا سر در آورد و به همین دلیل می‌باشد تمام مقام‌ها و موقعیت‌های خویش را در درگاه الهی از دست بدهد.<sup>۳</sup>

دیگر اینکه کفر موجب حبظ عمل است، تکبری که موجب کفر شیطان شد، همانند جرقه‌ای بود که انبار باروت را به خاکستر تبدیل کند؛ بنابراین عبادت طولانی ابليس را تکبر و عصیان و عدم تسليم یک‌جا از بین برد. به همین دلیل خدای سبحان در قرآن

۱. بقره: ۳۴.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲.

۳. گریده تفسیر نمونه: ج ۱ و ۲.

مجید می فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمُلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»؛<sup>۱</sup> ابليس در اثر استکبار و نافرمانی از کافران شد. ابليس طبق صریح آیات قرآن از جنس فرشتگان نبود، بلکه در صف آنها قرار داشت و او از طایفه جن بود که مخلوقی جسمانی است. انگیزه او در این مخالفت، کبر و غرور و تعصّب خاصی بود که بر او چیره شد. او پنداشت که از آدم برتر است و دلیل کفر او نیز همین بود که فرمان حکیمانه پروردگار را نادرست شمرد.<sup>۲</sup>

علامه طباطبایی در المیزان احتمال داده که ابليس قبل از قضیه امتناع از سجدہ بر آدم، کافر بوده و امتناع از سجدہ با کفر ضمیرش ارتباط داشته است. البته منظور از این کفر، بی اعتقادی به خدا نبود، بلکه همان رذیله خودخواهی و خودپرستی است که به صورت خفی و نا آشکارا در درونش بوده و سبب طغیان و سرکشی اش در برابر پروردگار شد.<sup>۳</sup> این نشان می دهد ابليس به دلیل کثرت عبادت از مقام و منزلت بزرگی برخوردار بوده است؛ از سوی دیگر در ذیل آیه مذکور آمده است: «وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»؛ چنان که علامه طباطبایی در تفسیر این آیه گفته است.

این تعبیر نشان می دهد که شیطان از قبل در ضمیر خود این رذیله نفسانی را داشت؛ اما تا زمان وجوب سجده، مجالی برای آشکار کردن آن پیدا نشده بود. روایاتی نیز مؤید این مطلب وجود دارد که علامه طباطبایی ذیل همین آیه ذکر کرده است. از مجموع صدر و ذیل آیه می توان دریافت که وجود رذائل نفسانی در او باعث شد که در مجال مناسب، واقعیت رذائل خود را نشان دهد و ضمیر پنهان خود را با کفر آشکار کند و این همان معنای هشدار علی علیکم السلام و عبرت گیری از شیطان است.

## چرا خداوند شیطان را آفرید؟

### انسان باید آزمایش شود

با بررسی ساختار و نیروهای وجود خود و ابعاد روحی و علمی و معنوی خویش درمی یابیم که استعدادهایی شکفت در وجود ما نهفته است؛ ولی رشد و بالندگی آنها در مصاف برخورد با رقیب است. در جبهه کارزار با حریف استعدادهایمان شکوفا می شود و اگر حریف و میدانی نباشد، ممکن است جوانه آن قوا خشک شود یا به صورت دفینه ای برای همیشه راکد بماند و تحلیل برود. به طور نمونه می توان گفت: هیچ قهرمانی و

۱. بقره: ۳۴.

۲. گریده تفسیر نمونه؛ ج ۱، ص ۶۲ - ۶۳.

۳. علامه طباطبایی؛ المیزان؛ ج ۱، ص ۱۱۹.

رکورددار و یا فرد ممتاز مسابقات علمی جهان در آغاز کار حتی خودش نیز باور ندارد که چنین نیرویی در اختیار دارد و شکوفایی تو ان و استعدادش تا اندازه‌ای مرهون وجود حریف قوی در میدان و درگیری و رقابت با اوست. چون اگر فرضًا حریفی نبود، او نیز به کار نمی‌افتد و ورزیده و آبدیده نمی‌شد و مجبور نبود پیوسته و بی‌وقفه تلاش کند و بنابراین هیچ‌گاه به اوج نمی‌رسید و ورزیده و پیشتاز نمی‌شد. روی این حساب وجود حریفی بسان شیطان لازم است تا با درگیری با او توانایی‌های عظیم معنوی انسان که گاهی حتی برای خودمان ناشناخته است، رخ نماید و خود را نشان دهد. اصولاً از دیدگاه قرآن کریم دوره در دنیا زیستن و قرار گرفتن در کاروان سالکان سفر تکاملی و پیدایش مرگ و حیات، برای ورزیدگی و آزمون و شناسایی و اثبات بهترین‌هاست. «الذی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُنَلُّوْكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً...»<sup>۱</sup>؛ آن‌که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام‌tan نیکوکار‌ترید.

این مرحله دنیا نوعی آزمایشگاه و گزینش برای ماست؛ همان‌گونه که در سخنان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمده است: «فَيَهَا اخْتِرُّتُمْ وَلَغَيْرُهَا حُلِقْتُمْ».<sup>۲</sup>

هر کس در اینجا باید خودسازی کند و سرمایه‌ای فراهم سازد و با کوشش و تلاش سرنوشت خویش را رقم زند. «وَأَنَّ لَيْسَ لِلنَّاسَ إِلَّا مَا سَعَى \* وَأَنَّ سَعْيَهُ سُوْفَ يُرَى»<sup>۳</sup>؛ و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده، هیچ نصیب و بهره‌ای نیست \* و اینکه تلاش او به زودی دیده خواهد شد. با این توضیح روشن است که بدون وجود حریف و رقیب، شکوفایی و رشد و بالندگی پیدا نمی‌شود و انسان به مجاهدت و خودسازی و درک مقامات و منازل انسانی نمی‌رسد و در همان مرحله اولیه الفبای استعداد می‌ماند. اگر میدان‌های جهاد و یا شاهکارهایی چون کربلا نبود، آیا اوج عظمت و انسانیت و بندگی رهبران آزادی و انسانیت، زمینه‌ای برای جلوه و ظهور می‌یافتد؟ و در آن صورت فرشتگان حق نداشتند انسان را که می‌تواند اشرف موجودات باشد، در چهره مفسد و خون‌ریز و امثال آن ملاحظه کنند؟

ابلیس حریفی است که با وسوسه‌هایش زمینه کارزار را فراهم می‌کند و در این صحنه است که بندگان حق با درگیری و مبارزه توان فرسا با او به مقابله برمی‌خیزند و مشتی به سینه دشمن و دست نیازی به درگاه خدا دارند و بر اثر مجاهدت و کوشش و به کارگیری تقوی به درجات و مдал‌های انسانیت نایل می‌گردند. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «صَافُوا

۱. ملک: ۲.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۱۹۴.

۳. نجم: ۳۹ و ۴۰.

الشَّيْطَانَ بِالْمُجَاهَدَةِ وَأَغْلَبُوهُ بِالْمُخَالَفَةِ تُزَكُّوا أَنفُسَكُمْ وَتَعْلُوَا عِنْدَ اللَّهِ دَرَجَاتِكُمْ»<sup>۱</sup>: با کوشش مثبت در برابر شیطان صفت‌بندی کنید و با نافرمانی از او بر او چیره شوید تا وجودتان رشد یابد و درجات‌تان نزد خدا بالا رود.

### شیطان محک ارزش‌ها:

مردان خدا که به مقام قرب و درجه لقا و جنت وصال رسیدند، به سبب مجاهدت مدام با وسوسه‌های دشمن درونی و بیرونی و کسب پیروزی در میدان جهاد اکبر بوده است؛ از این رو این فاتحان را قهرمان واقعی نام نهاده‌اند و پیکار با شیطان و نفس سرکش را جهاد اکبر نامیده‌اند.

پیامبر اسلام ﷺ به یارانشان که با پیروزی از ججه نبرد برگشته بودند، تبریک گفت و هشدار داد: «مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوُا الْجَهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقَى عَلَيْهِمُ الْجَهَادُ الْأَكْبَرُ»<sup>۲</sup>: آفرین به گروهی که جهاد کوچک‌تر را گذشتند و جهاد بزرگ‌تر بر عهده آنان باقی است. جلال الدین رومی این روایت را چنین به نظم کشیده است:

ما ند خصمی زو بترا اندر درون	***	ای شهان کُشتم ما خصم برون
شیر باطن سخره خرگوش نیست	***	کشتن این کار عقل و هوش نیست
با نبی اندر جهاد اکبریم	***	قد رجعنا مِنْ جهاد الاصغریم
تا به ناخن بر کنم این کوه قاف	***	قوّتی خواهم ز حق دریا شکاف
شیر آن را دان که خود را بشکند <sup>۳</sup>	***	سهول شیری دان که صفحه‌ها بشکند

زیبایی‌های معنوی نیز همانند زیبایی‌های ظاهری هنگامی جلوه می‌کنند که در کنار زشتی‌ها باشد و اگر هیچ مزاحم و منافی نباشد، زیبایی‌ها جلوه نمی‌کنند. از این رو گفته‌اند: زشتی‌ها حق بزرگی بر گردن زیبایی و جمال دارند؛ بنابراین وجود حریفی چون شیطان لازم است تا توانایی‌های عظیم معنوی ما که حتی برای خود ما هم نامعلوم است، رخ نماید.<sup>۴</sup>

### فرق بین فرشته و ملک با جن و شیطان

قرآن کریم از حقیقتی به نام ملک و فرشته، و از حقیقت دیگری به نام شیطان و جن یاد کرده است و فرموده است: «وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِّنْ نَارٍ»<sup>۵</sup>: و جن را از شعله‌های

۱. آمدی؛ *تصنیف غرر الحكم و درالکلام*؛ ذیل عنوان تهذیب النفس.

۲. مجلسی؛ *بحار الانوار*؛ ج ۶۷؛ ص ۶۵ و کلبی؛ *الکافی*؛ ج ۵ ص ۱۳.

۳. مثنوی معنوی؛ دفتر اول، بیت ۱۳۷۳ - ۱۳۷۷.

۴. برگرفته از کتاب جلوه‌های رحمت الهی؛ استاد حسین انصاریان.

۵. الرحمن: ۱۵.

مختلط و متحرک آتش خلق کرد.

قرآن همه مأمورانی را که در نظام خلقت از طرف پروردگار دخالت دارند "ملک" می‌نامد؛ ولی در مقابل به "جن" هم قائل است. جن در ردیف ملاشکه نیست، در ردیف انسان است؛ یعنی در عالم جزء مخلوقاتی است که مثل انسان مکلف و موظف‌اند؛ جن مخلوقی است که درجه‌اش از انسان پایین‌تر است. قرآن می‌گوید: ما انسان را از خاک، گل و این‌طور چیزها آفریدیم و جن را از شعله‌ای از آتش آفریدیم. جنس او آتشین است، این یک جنس است و او جنس دیگری، مبدأ مادی این یک چیز است و مبدأ مادی او چیز دیگری. شیطان هم درباره آدم اول همین حرف را زد، گفت: «خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»<sup>۱</sup>: مرا از آتش آفریدی و او را از گل. معروف است که جن، جسم آتشین است که به شکل‌های گوناگون حتی به شکل سگ و خوک درمی‌آید و فرشته جسم نورانی است که به شکل‌های گوناگون به جز سگ و خوک در می‌آید. جن واقعاً وجود دارد؛ حتی تکلیف دارند و مانند انسان‌ها عبادت می‌کنند. شیطان از جنیان بود و از فرمان الهی مبني بر سجده در پیشگاه آدم سرپیچی نمود. معمولاً ارتباط ملک با انسان را به شکل القاء خاطرات خوب در روح انسان بیان می‌کنند. حدیث هم هست که در قلب انسان دو گوش است، از یک گوش ملک و از گوش دیگر شیطان القائات تلقین می‌کنند.<sup>۲</sup>

در قرآن آمده است که ملک یا فرشته تمثیل پیدا می‌کند؛ یعنی ذات و جنسش جسم نیست؛ ولی می‌تواند مثال جسمانی پیدا کند و در نظر انسان و در جلوی چشم انسان مجسم بشود. درباره روح القدس و مریم می‌گوید: «فَتَمَلَّ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا»<sup>۳</sup>: در این هنگام ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص بر مریم ظاهر شد. شیطان هم همین طور است، گاهی بشر را صرفاً به وسیله وساوسی که در دل او القاء می‌کند، اغوا می‌نماید و گاهی در جلوی چشم بشر تمثیل پیدا می‌کند. فرشتگان پاک و معصومند و قرآن هم به پاکی و عصمت آنها اعتراف کرده، آنجا که می‌گوید: «بِلْ عِبَادُ مُكْرَمُونَ \* لَا يَسِيقُونَهُ بِالْقُولِ وَهُمْ يَأْمُرُهُ يَعْمَلُونَ»<sup>۴</sup>: آنها بندگان گرامی خدا هستند، در هیچ سخنی بر او پیشی نمی‌گیرند و فرمان‌های او را گردن می‌نهند. اصولاً از آنجا که در جوهر آنها عقل است و نه شهوت؛ بنابراین کبر، غرور و خودخواهی و به طور کلی انگیزه‌های

۱. اعراف: ۱۲.

۲. «بِابُ أَنَّ اللَّقَبَيْنِ أَذْنِينِ يَنْفُثُ فِيهِمَا الْمَلَكُ وَالشَّيْطَانُ - ۱ - عَلَيُّ يُنْ شُنْ إِنْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَمِيرَ عَنْ حَمَادَ عَنْ أَبِيهِ عَنْدَ اللَّهِ عَ قَالَ مَا مِنْ قَلْبٍ إِلَّا وَلَهُ أَذْنَانٌ عَلَيِ إِحْدَاهُمَا مَلِكُهُ مُرِشدٌ وَعَلَى الْأَخْرَى شَيْطَانٌ مُفْنِنٌ هَذَا يَأْمُرُهُ وَهَذَا يَرْجِعُهُ الشَّيْطَانُ يَأْمُرُهُ بِالْمَعْاصِي وَالْمَلَكُ يَرْجُرُهُ عَنْهَا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَ عَنِ الْمِنْ يِنْ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَهُ رَقِيبٌ عَنِيدٌ» (أصول کافی؛ ج ۳، ص ۳۶۶).

۳. مریم: ۱۷.

۴. انبیاء: ۲۶ - ۲۷.

گناه در آنها وجود ندارد.

### آیا شیطان فرشته بود؟

استثناء ابليس در بعضی آیات قرآن از جمع ملائک، این تصور را به وجود می‌آورد که ابليس از فرشتگان بوده و با توجه به عصيان و سرکشی او این اشکال به نظر می‌رسد که چگونه از فرشته‌ای، این گناهان کبیره ممکن است سر بزند؟ آیات قرآن این مشکل را حل کرده و می‌گوید: کان من الجن؛ آنها موجوداتی هستند از چشم ما پنهان و دارای عقل و شعور و خشم و شهوت.

قرآن از یک سو می‌گوید: «جن را از شعله های مختلط آتش آفرید».<sup>۱</sup>

و از سوی دیگر هنگامی که ابليس از سجده بر آدم سریچید، منطقش این بود: مرا از آتش آفریدی و او را از خاک و آتش برتر از خاک است.<sup>۲</sup> از این گذشته آیات قرآن برای ابليس، ذریه (فرزندان) قائل شده است، در حالی که می‌دانیم فرشتگان ذریه ندارند. ساختمان جوهره فرشتگان به خوبی گواهی می‌دهد که ابليس هرگز فرشته نبوده؛ ولی از آنجا که در صف آنها قرار داشت و آنقدر پرستش خدا کرده بود که به مقام فرشتگان مقرب خدا تکیه زده بود، مشمول خطاب آنها در مسئله سجده بر آدم شده و سریچی او به صورت یک استثناء در آیات قرآن بیان گردیده است.

در کتاب عيون الاخبار از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم: فرشتگان همگی معصومند و محفوظ از کفر و زشتی‌ها به لطف پروردگار، راوی حدیث می‌گوید: به امام عرض کردم: مگر ابليس فرشته نبود؟ فرمود: نه، او از جن بود، آیا سخن خدا را نشنیده‌اید که می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ»<sup>۳</sup> و آن‌گاه که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند، جز ابليس که از جنیان بود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «الملائكة لَا يَأْكُلونَ وَ لَا يَسْرِيُونَ وَ لَا يَنْكِحُونَ، وَ إِنَّمَا يَعِيشُونَ بِنَسِيمِ الْعَرْشِ»<sup>۴</sup> فرشتگان نه غذا می‌خورند و نه آب می‌نوشند و نه ازدواج می‌کنند، آنها تنها با نسیم عرش زنده‌اند؟

آنها نه خواب دارند، نه سستی و غفلت؛ چنان‌که علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «لَيْسَ فِيهِمْ فَتَرَةٌ، وَ لَا عِنْدَهُمْ غَفَلَةٌ، وَ لَا فِيهِمْ مَعْصِيَةٌ... لَا يَغْشَاهُمْ نَوْمُ الْعَيْنِ وَ لَا سَهُوُ الْعُقُولِ، وَ لَا

۱. الرحمن: ۱۵.

۲. اعراف: ۱۲.

۳. کهف: ۵۰.

۴. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۵۶، باب ۲۳، ص ۱۴۴.

فَتَرَّأَ الْأَبْدَانِ، لَمْ يَسْكُنُوا الْأَصْلَابَ وَلَمْ تَضْمُمُهُمُ الْأَرْحَامُ<sup>۱</sup>: در آنها نه سستی است و نه غفلت و نه عصیان ... خواب بر آنها چیره نمی‌گردد و عقل آنها گرفتار سهو و نسیان نمی‌شود، بدن آنها به سستی نمی‌گراید و در صلب پدران و رحم مادران قرار نمی‌گیرند. آنها مقامات مختلف و مراتب متفاوت دارند، بعضی همیشه در رکوعند و بعضی همیشه در سجودند. «مَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ<sup>۲</sup>\* وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ<sup>\*</sup> وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمَسَبِّحُونَ»<sup>۲</sup>: هر یک از ما مقام معلومی دارد، ما همواره صف کشیده، منتظر فرمان او هستیم و پیوسته تسبیح او می‌گوییم.

### شیطان در ضربالمثل‌ها

ضربالمثل‌های هر جامعه دایره‌المعارفی از اعتقادات و فرهنگ و باورهای آن است. شیطان رجیم در جایگاه یک موجود موذی، جایگاه ویژه‌ای در ضربالمثل‌های جوامع مختلف به خود اختصاص داده است که تعدادی از آنها را بیان می‌کنیم:

۱. عجله کار شیطان است: این ضربالمثل برای این است که توصیه کند مردم کارهایشان را با فکر و تأمل انجام دهند تا بعد از انجام آن پشیمان نشوند.
۲. دست شیطان را از پشت بسته: این ضربالمثل برای کسی است که اصرار بر گناهی دارد و خود به شیطانی دیگر تبدیل گشته است.
۳. فلانی مادر شیطان را شوهر می‌دهد: اشاره به کسی است که بدی‌ها را خوب و خوبی‌ها بد جلوه می‌دهد.

۴. فلانی استاد شیطان است: اشاره به شخصی است که زیاد مکار و حیله‌گر است.

۵. گوش شیطان کر، چشم شیطان کور: این ضربالمثل زمانی گفته می‌شود که شخص کار غیرمنتظره‌ای که مردم از او توقع ندارند، انجام دهد.

۶. فلانی شیطان را در شیشه کرده: در افسانه‌های ایرانی شیاطین و جادوها شیشه‌ای دارند که هرگاه کسی آن را بشکند، شیطان می‌میرد. کنایه از غالب‌آمدن بر کسی یا چیزی است، گاهی نیز به این معنی است که فلانی کاری را انجام داده که دیگران قدرت انجام‌دادن آن را ندارند.

۷. از خر شیطان پایین آمدن: کوتاه‌آمدن، دست از یکدندگی و لجاجت‌برداشتن و به اصطلاح شیطان را از خود دور کردن.

۸. فلانی شیطان‌شکن است: یعنی فلانی اعمالی را انجام می‌دهد که مورد نفرت و انزجار شیطان است.

---

۱. همان.  
۲. صافت: ۱۶۴ - ۱۶۶.

۹. طمع شیر و جوان باز چو شیطان رجیم: هنگامی که شخصی بر مال دیگران طمع بندد، این ضربالمثل در موردش به کار می‌رود.

۱۰. شیطان پیش او لُنگ می‌اندازد: او به شیطان درس مکاری و حیله می‌دهد.

۱۱. گوش شیطان کر: به هیچ وجه دلم نمی‌خواهد این را که می‌گوییم خدای ناکرده روزی اتفاق بیافتد.

#### پیام‌ها:

۱. شناسایی دشمن مقدمه‌ای برای دانستن فون و ابزارهای جنگی وی و راههای نفوذ او می‌باشد؛ بنابراین شناخت شیطان در جایگاه دشمن جانی ما انسان‌ها مقدمه‌ای برای درک بهتر اغواگری‌ها و راههای نفوذش می‌باشد که این راهها در دروس آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. حل بسیاری از شباهت در مورد شناخت شیطان؛ مانند اینکه چرا شیطان با انجام فقط یک نافرمانی تمام اعمال گذشته‌اش نادیده گرفته شد و از درگاه الهی رانده شد.

۳. امروزه با به وجودآمدن فرقه‌های شیطانی؛ چون شیطان‌پرستی بحث‌های گوناگون علمی در مورد این موجود منحرف و اغواگر به وجود آمده است که بسیاری از آنها ناشی از عدم شناخت شیطان می‌باشد که در این درس تقدیم حضور شما گردیده است.

۴. بسیاری از ما انسان‌ها به دلیل نشناختن شیطان و دشمن، راههای نفوذ وی را فراموش کرده و یا خوب از نظر نگذرانده‌ایم به همین دلیل چون نمی‌دانیم که شیطان برای فریب بندگان قسم یاد کرده است؛ بنابراین او را دست کم می‌گیریم و گاهی خود صفات این موجود رجیم را در وجودمان نهادینه می‌کنیم. برای دوری از این رذایل اخلاقی، شناخت شیطان امری ضروری است.

۵. اگر بفهمیم شیطان به واسطه صفت رذیله تکبر به دشمنی با ما برخاسته و تمام عاقبت خود را به شریت و رذالت کشانده است، بسیاری از روابط اجتماعی ما سامان خواهد گرفت و با ترک این رذیله بزرگ، صفات ناپسندی مانند مراء، تفرقه افکنی و... را از خود دور خواهیم کرد.

#### سؤالات:

۱- دلیل اصلی طغیان و سرکشی شیطان در مقابل خداوند چیست؟

۲- با توجه به آیه دوم سوره مبارکه "ملک" چرا خداوند ما انسان‌ها را آزمایش می‌کند؟

- ۳- آیا شیطان در دین یهود، دشمن خدا شناخته شده است؟
- ۴- طبق آیه ۸۳ سوره مبارکه "ص" شیطان چه گروهی از بندگان را نمی‌تواند گمراه کند؟
- ۵- آیا سجده‌نکردن شیطان بر آدم(علیه السلام) گناهی معمولی و قابل چشم‌پوشی بود؟

**معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:**

۱. شیطان را بهتر بشناسیم؛ رضا محمدی تبار؛ ناشر: بحرالعلوم، ۱۳۷۹.
۲. شیطان در کمین‌گاه؛ نعمت‌الله صالحی حاجی‌آبادی؛ ناشر: علامه، ۱۳۸۱.
۳. شناسایی شیطان؛ محبوبه حسینیان‌نائینی؛ ناشر: یار روشن، ۱۳۸۶.
۴. جایگاه شیطان؛ محمد میرسلطانی؛ ناشر: آوینا، ۱۳۸۵.
۵. دنیای شگفت‌انگیز "جن، ابلیس، شیطان"؛ رقیه یعقوبی؛ ناشر: بوستان دانش، ۱۳۸۸.



## شگردها و روش‌های شیطان در فریب دادن انسان‌ها

### آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این دروس بداند:

۱. چگونگی شخصیت انسان در نگاه ابلیس؛
۲. آشنایی با روش‌ها و شگردهای شیطان در فریب دادن انسان؛
۳. بررسی آیات و روایات مختلف درباره شگردهای شیطان؛
۴. شناخت دام‌ها و گام‌های شیطان در فریب دادن با توجه به آیات؛
۵. شناختن اجمالی یاران و نیروهای شیطان در فریب دادن؛
۶. آشنایی با یاران جنی شیطان، به ویژه با توجه به آیات و روایات؛
۷. داستان‌هایی آموزنده و جذاب در مورد شیطان و شگردهای فریب او.

### مقدمه:

در درس قبل نکاتی در مورد ضرورت شناخت شیطان در جایگاه دشمن قسم خورده خویش گفته‌یم و اکنون در نقطه مقابل آن، این مطلب مهم است که ما نیز در جایگاه دشمنان شیطان در دید او چگونه شناخته شده و معرفی شده‌ایم. مسلماً هر چقدر بیشتر بدانیم دشمن به چشم چگونه موجودی به ما نگاه می‌کند، راحت‌تر می‌توانیم راه‌های نفوذ، شگردهای حمله و انحراف‌کننده این دشمن خط‌ناک را به خود و هم نوعانمان بفهمانیم.

### بخش اول: ابلیس ما را چگونه می‌بیند؟

ابلیس موجودی مختار همانند دیگر جنیان است و می‌تواند بر پایه اراده خویش اطاعت و یا عصیان پیشه گیرد.<sup>۱</sup> وی می‌تواند انسان‌ها را با وسوسه و اغواگری از راه به در کند و گمراه نماید.<sup>۲</sup> به نظر ابلیس جنس انسان از ماده بی‌ارزشی آفریده شده (لجن و گل بدبو)؛ بنابراین قابلیت آن را ندارد که مورد اطاعت و سجده قرار گیرد.<sup>۳</sup> این موجود دارای فرزند است و خود و فرزندانش به کینه رانده شدن از درگاه خدا می‌کوشند تا فرزندان آدمی را گمراه و بدیخت سازند. او موجودی عصیان‌گر،<sup>۴</sup> ملعون و رانده شده از درگاه خداوندی است.<sup>۵</sup>

ریشه اخراج وی از جایگاه رفیع در میان فرشتگان، استنکبار او بوده است.<sup>۶</sup> به نظر شیطان آدم قابلیت تکریم، احترام و اطاعت ندارد<sup>۷</sup> و با کینه‌ای که از وی در دل دارد، می‌کوشد او و فرزندانش را گمراه کند. از این رو با توجه به توانایی‌هایی که در اغواگری، فریب و وسوسه دارد، آدمی را به دام می‌اندازد و می‌کوشد تا بر پایه آن، بدیختی و شقاوت ابدی را نصیب انسان کند. وی برای دست‌یابی به این هدف از روش‌هایی بهره می‌برد که در اینجا به برخی از آنها با توجه به آیات قرآنی اشاره می‌شود.

### بخش دوم: شگردها و روش‌های شیطان در فریبدادن:

این روش‌ها به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شوند:

۱. نفوذ از راه درون انسان
  ۲. نفوذ از راه برون انسان
- درباره روش اول که با استفاده از همان وسوسه و تحریک نفس اماره انسان محقق می‌شود، در درس «نفس اماره، دشمن درونی انسان» بحث نمودیم و اما روش دوم به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسُ أَتَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكُفَّارِ» (بقره: ۳۴).
۲. «قَالَ فَيَا أَغْوَيْتِي لَا قَعْدَنِ لَهُمْ صَرَطَكَ السَّتَّقِيمَ \* تَمَّ لَأَتَتْهُمْ مَنْ بَيْنَ أَنْيَهِمْ وَمِنْ جَلَفَهُمْ وَعَنْ أَيْتَهُمْ وَعَنْ شَمَائِلَهُمْ وَلَا يَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَكِيرِينَ» (اعراف: ۱۶ - ۲۷)، «قَالَ رَبِّ يَا أَغْوَيْتِي لَأَرْبِينَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ لَا غُوَيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادُكَ مِنْهُمُ الْمُخَاصِّينَ» (حجر: ۲۹ - ۳۰).
۳. «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لِكَ إِلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ \* قَالَ لَمْ أَكُنْ لَاسْجُدُ لِيَشَرْ خَلْقَهُ مِنْ صَلَالَ مَنْ حَمَّ مَسْتُونَ» (حجر: ۳۲ - ۳۳)، «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسِيَّدُوا إِلَّا إِبْلِيسُ قَالَ إِسْجُدْ لِمَنْ خَلَقَنِ طَبِّنَا» (آل‌آل: ۶۱).
۴. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسِيَّدُوا إِلَّا إِبْلِيسُ أَتَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكُفَّارِ» (بقره: ۳۴).
۵. «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقَتْ بَدِئِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كَنْتَ مِنَ الْعَالَمِينَ \* قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَنِ طَنِنَ \* قَالَ فَأَخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ \* وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ» (ص: ۷۵ - ۷۸).
۶. «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقَتْ بَدِئِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كَنْتَ مِنَ الْعَالَمِينَ \* قَالَ فَأَخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ» (ص: ۷۵ و ۷۷).
۷. «قَالَ أَرْعَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرِمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخْرَجْنِ إِلَى يَوْمِ الْيِقَادِ لَا حَتَّيْكَ ذُرْبَتْهُ إِلَّا قَلِيلًا» (آل‌آل: ۶۲).

### الف) یاران جنی شیطان

ب) یاران انسی شیطان: خود به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. مونسان و همنشینان بد

۲. فرقه‌های شیطانی

### ج) ابزارهای شیطان برای فریبدادن انسان

تبیین دسته‌های «ب و ج» در درس‌های آینده خواهد آمد؛ اما در این درس برآنیم تا در مورد دسته «الف» مباحثی را مطرح نماییم. قبل از ورود به بحث لازم است راهبردهای اساسی و کلی شیطان که در روش‌های فوق اعمال می‌کند را توضیح دهیم.

#### راهبردها و شگردهای شیطان از دیدگاه آیات و روایات:

ابليس برای دست‌یابی به اهداف خود از هر شیوه‌ای استفاده می‌کند و چیزی را فرو نمی‌گذارد؛ از این رو سوگند خورده است که در راه دشمنی با آدم و فرزندانش از همه شگردها استفاده خواهد کرد. در ذیل برخی از این روش‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

#### الف) از دیدگاه آیات:

##### ۱. کارهای شیطان:

۱-۱. وسوسه: بعد از اخراج حضرت آدم علیه السلام از باغ بهشت، خداوند از او سؤال می‌کند: چرا گول شیطان را خوردی؟ آدم علیه السلام عرض می‌کند: چون او قسم به خدا یاد کرد، گمان نمی‌کردم کسی به خدا قسم یاد کند و دروغ بگویید. قرآن می‌فرماید: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدُمْ هَلْ أَذْلُكَ عَلَى شَجَرَةِ الْحُلْدِ وَمُلْكٌ لَا يَبْلِي»<sup>۱</sup>: پس شیطان او را وسوسه کرد [و] گفت: ای آدم! آیا [می‌خواهی که] تو را به درخت جاودانگی و مُلک [و پادشاهی] فناناپذیر راهنمایی کنم؟!

۱-۲. تزیین (زینت‌دادن گناه): همان وسوسه‌های شیطان است که زشت را در نظر زیبا می‌کند یا با استفاده از عوامل گوناگون خارجی، اعمال زشت را زینت می‌دهد؛ همان‌گونه که گاهی مواد کشنده را در پوشش‌هایی از شیرینی قرار می‌دهند و نیز انحرافات بزرگ را در لفافهای مانند تمدن و روشن فکری و آزاد اندیشی و امثال آن می‌پوشانند.<sup>۲</sup> خداوند در

۱. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُدَّيِّ لَهُمَا مَا وُرِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَةٍ تَهْمَا وَقَالَ مَا نَهَكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكِيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (اعراف: ۲۰).

۲. تفسیر نمونه: ج ۱۱، ص ۷۲.

قرآن می فرماید: «لَا زَيْنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا غُيَّنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»<sup>۱</sup>: من هم در زمین [بدی‌ها را] برایشان می آرایم و همه را فریب خواهم داد.

۱-۳. مکر و فریب: هر چند شیطان حیله‌گر و مکار است؛ ولی کید او ضعیف است: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»<sup>۲</sup>: همانا کید و حیله شیطان ضعیف است.

۴-۱. وعده‌دادن به انسان: خداوند متعال می فرماید: [و]چون کار کیفر و پاداش به اتمام رسد] شیطان [از روی ملامت به دوزخیان] گوید: همانا خداوند به شما وعده راست داد و من به شما وعده دادم؛ ولی با شما تخلف کردم. من بر شما تسلطی نداشت، جز آنکه شما را دعوت کردم و شما [به میل خود] استجابت کردید؛ پس مرا ملامت و نکوهش نکنید و خود را سرزنش کنید.<sup>۳</sup>

به چند نمونه از وعده‌های دروغین دشمن بنگرید:

الف) تهدید به فقر:

انسان به طور طبیعی از فقر می‌هراسد و دشمن از همین روحیه بهره می‌جوید و در هنگام انفاق و دستگیری از درماندگان، تهدید به فقر می‌کند تا مبادا چیزی به درماندگان عطا کند. در قرآن می‌خوانیم: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمُ بِالْفُحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمُ الْمَغْفِرَةَ مُّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ»<sup>۴</sup>: شیطان شما را از تهییدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وا می‌دارد و خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد و خداوند گشایش گر داناست.

ب) وعده به بخشش‌های بیجا:

کرانه‌های عفو و کرم حق تعالی هرگز به ذهن کوتاه و ناچیز آدمی نمی‌آید. خدایی که رحمت را بر خود لازم شمرده و دامنه رحمتش در سرتاسر گیتی گسترده است؛ خدایی که رحمت بی‌نهایتش گسترده‌تر از گناهان ماست و چشم امید به بخشش او به مراتب از اعمال شایسته ما امیدوارکننده‌تر است. با این همه اگر انسان تحت تاثیر وسوسه‌های

۱. «وَجَدْتُهُمَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّيْطَانِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» (نمل: ۲۴).

۲. «فَوَسِوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لَيُنَذِّرَ لَهُمَا مَا وُرِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَةٍ نَّهَا وَقَالَ مَا نَهَا كُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكِيَّنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَلَدِينِ \* وَقَاتَهُمَا أَئِي لَكَمَا لَمَنِ النَّصَّاحِينِ ؛ فَذَلِكُمَا بِغَورِ فَلَمَّا دَاقَ الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا بَهْوَةُ نَهَا وَطَقَا يَحْضُفَانِ عَلَيْهَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا إِنَّمَا أَنْهَا كُمَا عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقْلَ لَكَمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكَمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (اعراف: ۲۰ - ۲۲).

۳. «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَنَا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَقْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَنٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُ لِي فَلَا تَلُومُنِي وَلَوْمُوا أَنفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُ بِمُصْرِخِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلِ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ابراهیم: ۲۲).

۴. بقره: ۲۶۸.

شیطان دچار لغزش شود، نباید دست روی دست نهد و با دلخوش‌کردن به پندارهای کودکانه-مانند اینکه گناه من پدر بر گردن فرزندم و یا بالعکس است و...-بخشن خدا و پوشش گناه را آرزو کند؛ بلکه باید دست به کار شود و زمینه بخشش الهی را فراهم کند. این هشدار قرآن است که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَأَخْشُوا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالَّذُونَ وَلَدَهُ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازَ عَنْ وَالِّدِيهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنُكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يُغْرِنَنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ»<sup>۱</sup>: ای مردم! از پروردگاران پروا بدارید و بترسید از روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی‌آید و هیچ فرزندی [نیز] به کار پدرش نخواهد آمد. آری، وعده خدا حق است؛ مبادا این زندگی دنیا شما را بفریبد و مبادا شیطان شما را نسبت به خدا فریب دهد.

#### ج) وعده اصلاح و توبه در آینده:

چاره نجات از لغش‌ها و گناهان، توبه و استغفار است؛ اما دشمن دست به کار شده و با وسوسه‌هایش می‌کوشد تا آدمی آن را به تأخیر اندازد و رفته‌رفته آن را فراموش کند تا در نهایت این آرزو را به گور ببرد؛ امام علی علیه السلام در باره مکاید شیطان می‌فرماید: «وَيَمْنِيَهُ التَّوْبَةُ لِيَسْوَفُهَا إِذَا [هَتَّى] هَجَمَتْ مِنْتَهِهِ عَلَيْهِ اغْفَلَ مَا يَكُونُ عَنْهَا»<sup>۲</sup>: [شیطان] توبه را به صورت آرزویی در می‌آورد تا انسان برای انجام آن امروز و فردا کند تا آن‌گاه که مرگش فرا رسد و به طور کامل از آن غافل شود.

از مکاید بزرگ شیطان و نفس خطرناک‌تر از آن، آن است که به انسان وعده اصلاح در آخر عمر و زمان پیری می‌دهد و تهذیب و توبه الى الله را به تعویق می‌اندازد؛ برای زمانی که درخت فساد و شجره زقوم قوی شده و اراده و قیام به تهذیب، ضعیف بلکه مرده است.

۵-۱. مشارکت در اموال و اولاد: شرکت‌کردن شیطان با آدمی در مال و فرزند، سهم بردن از منفعت است؛ مثل اینکه آدمی را وادار کند به تحصیل مال که خداوند آن را مایه رفع حاجت آدمی قرار داده از راه حرام؛ زیرا در این صورت هم آدمی از آن مال متنفع شده، به غرض طبیعی خود نائل می‌شود و هم شیطان به غرض خود رسیده است و یا آنکه از راه حلال کسب بکند و لیکن در معصیت به کار برند و در اطاعت خدا صرف نکند؛ پس هر دو از آن مال متنفع شده‌اند با اینکه او از رحمت خدا تهی‌دست است. یا آنکه از راه حرام فرزندی برای آدمی به دنیا آید و یا از راه حلال به دنیا آیند؛ ولی به

۱. لقمان: ۳۳.  
۲. نهج البلاغه: خطبة ۶۴.

تریبیت دینی و صالح تربیتش نکند و به آداب خدایی مؤدبش نسازد، در نتیجه سهمی از آن فرزند را برای شیطان قرار داده و سهمی را برای خودش و همچنین چیزهای دیگر.<sup>۱</sup> «وَشَارِكُهُمْ فِي الْأُمَوَالِ وَالْأُلُوَادِ»<sup>۲</sup>.

۱- نجوای شیطان (آهنگ باطل): حواس انسان را به سوی خود جلب می‌کند. بسیاری از افراد روانپریش بر این باورند که شخصی در گوش آنان زمزمه می‌کند و آنان را به گناه و یا کفر دعوت می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا الْجُجُوَيْ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُعْزِّزَ النَّذِينَ آمَنُوا»<sup>۳</sup>: همانا نجوا از سوی شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند، اندوهگین کند.... .

۷-۱. أمر به فحشاء و منكر: خداوند متعال می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعْدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ»<sup>۴</sup>: شیطان به شما و عده فقر می‌دهد و شما را به فحشاء امر می‌کند.

۸-۱. ایجاد آرزوهای موهم و دروغین در انسان: شیطان گفته است: از بندگان تو سهم معینی خواهم گرفت و آنها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنان دستور می‌دهم که [اعمال خرافی انجام دهنده] گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش [پاک] خدایی را تعییر دهند؛ [و فطرت توحید را به شرک بیالایند] و هرکس شیطان را به جای خدا، ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است. شیطان به آنها وعده‌ها [ی دروغین] می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ به آنها وعده نمی‌دهد. آنها [پیروان شیطان] جایگاهشان جهنم است و هیچ راه فراری ندارند.<sup>۵</sup>

۹-۱. بهره‌گیری از سوگندهای دروغین: داستان حضرت آدم علیه السلام<sup>۶</sup>:

۱۰-۱. تسویل: یعنی بد را خوب جلوه‌دادن یا خوب را خوب تر جلوه‌دادن، از فضیلتی مهم یا اهم باز بدارد؛ مثل اینکه انسان را سرگرم کار مستحبی می‌کند تا وی را از واجب باز دارد یا او را سرگرم واجب مهم می‌کند تا او را از واجب اهم محروم کند: «الشَّيْطَانُ

۱. ترجمة الميزان؛ ج ۱۳، ص ۲۰۱.

۲. اسراء: ۶۴.

۳. مجادله: ۱۰.

۴. «يَا أَهْلَهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُو خُطُوطَ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعُ خُطُوطَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا رَضِيلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتِهِ مَا زَكِيَّ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِنَّمَا وَلَكُنَّ اللَّهُ يُنْزِحُ مِنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَيِّعُ عَلَيْهِمْ» (نو: ۲۱)؛ «إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدُوَّ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَبَرِّ وَيُصَدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهُلْ أَنْتُمْ مُمْتَهِنُونَ» (ماائد: ۹۱).

۵. بقره: ۲۶۸.

۶. «عَنْهُ اللَّهِ وَقَالَ لَا تَخْدَنَ مِنْ عِنَادِكَ تَصْبِيَا مَفْرُوضًا \* وَلَا صَلَاهِمْ وَلَا مَنِيمَهُمْ وَلَا مَرْئَهُمْ فَلَيَتَكُنْ إِذَا نَأَيْنَا إِلَيْهِمْ وَلَا مَرْئَهُمْ فَلَيَعْلَمُنَّ حَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذَ الشَّيْطَانَ وَلِيَا مِنْ دُونِ اللَّهِ قَدْ خَسَرَ خَسْرَانًا مُبِينًا \* يَعْدِهِمْ وَيُسَهِّلُهُمْ وَمَا يَعْدِهِمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا \* أَولَئِكَ مَا وَهَمُّهُمْ وَلَا يَعْدُونَ عَنْهَا مُحِيطًا» (نساء: ۱۱۸ - ۲۱).

۷. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُهْدِي لَهُمَا مَا وُرِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَةِ نَهَمَا وَقَالَ مَا نَهَكُمَا بِرِيُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكِيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَلَدِيْنِ \* وَقَالَهُمَا إِنِّي لِكُمَا لِمَنِ التَّصْحِيفِ \* فَلَمَّا بَغَرُورٌ فَلِمَا يَدْأَفِ الشَّجَرَةَ بَدَأَتْ لَهُمَا سُوَءَةُ نَهَمَا وَطَقَا يَحْضُفَانَ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرِقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا اللَّهُ أَنْهَكُمَا عَنِ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقْلَلَ لِكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا أَدْعُو مُبِينًا» (اعراف: ۲۰ - ۲۲).

سَوْلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ»:<sup>۱</sup> شیطان [رفتار بدشان را] برایشان آراسته و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.

۱۱-۱. شیطان باعث فراموشی می‌شود: «فَإِنِّي نَسِيْتُ الْحُوتَ وَ مَا أَنْسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ»:<sup>۲</sup> من ماهی را فراموش کرد و آن را از یاد من نبرد؛ مگر شیطان. «فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ»:<sup>۳</sup> شیطان ذکر خدا را از یاد او برد.

۱۲-۱. دشمنی بین مردم: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاةَ وَ الْبُغْضَاءَ فِي الْخُمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصْدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُمْتَهِنُونَ»:<sup>۴</sup>

با آنکه طبق آماری که ارائه می‌شود، بسیاری از قتل‌ها، جرائم، تصادفات، طلاق‌ها، امراض روانی، کلیوی و... ناشی از شراب است؛ اما قرآن در این آیه با بیان فلسفه تحریم، بر دو نکته تأکید دارد: یکی ضرر اجتماعی؛ یعنی کینه و عداوت و دیگری ضرر معنوی؛ یعنی غفلت از نماز و یاد خدا.

این آیه برجسته‌ترین اثر شراب و قمار را، بازداشت‌نامه از یاد خدا و نماز دانسته است. اکنون جای این سؤال است که اگر کارهای عادی مثل تجارت، ورزش، تحصیل و مطالعه و امثال آن نیز ما را سرگرم کرده و از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا مانند شراب و قمار است؟ آری، هرچه ما را از خدا غافل کند، مانند شراب و قمار ناپسند است؛ گرچه اسلام به دلیل لطف و آسان گرفتن، آن را حرام نکرده باشد.<sup>۵</sup>

۱۳-۱. ایجاد شبهه و شک و تردید در امور اعتقادی و بنیادین دینی و اصول ارزشی جامعه: این امر زمینه‌ساز سلطه ابليس بر انسان است.<sup>۶</sup> البته این سلطه منحصر در پیروان گمراه ابليس است<sup>۷</sup> و از اینکه بتواند بر همگان به خصوص بندگان خاص سلطه یابد، عاجز است. این بندگان خاص همان کسانی هستند که قرآن از آنان به بندگان صالح خدا و در تفاسیر عرفانی به انسان کامل یاد می‌شود: «وَإِنَّهُ لَعُلُمُ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْرُنَّ بِهَا وَأَتَّبِعُونَ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ \* وَلَا يَصْدَنُكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»<sup>۸</sup>: و همانا عیسیٰ [چون مرد زنده می‌کرد] مایه علم و آگاهی به قیامت است. پس در قیامت شک نکنید و از من پیروی

۱. محمد: ۲۵

۲. کهف: ۶۳

۳. یوسف: ۴۲

۴. مائدہ: ۹۱

۵. تفسیر نور؛ ذیل آیه ۹۱ سوره مائدہ.

۶. «وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ طَنَّهُ فَأَتَّهُمْ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ \* وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لَعْنَمْ مَنْ يُؤْمِنُ

بالآخرة مَنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍ وَرَيْكٍ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِظ» (سیا: ۲۰ - ۲۱).

۷. «إِنَّ عَبَادَى لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ إِلَّا مَنْ أَتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (حجر: ۴۲).

۸. زخرف: ۶۱ - ۶۲

کنید که این راه مستقیم است و شیطان شما را [از راه خدا] باز ندارد؛ همانا او دشمن آشکار شماست.

#### پیام آیات:

۱. وجود اولیای خدا، نشانه‌ای از قیامت و یادآور آن است: «الْعِلْمُ لِلَّسَاعَةِ»؛
۲. با دیدن نشانه‌های قدرت الهی، تردید در امکان زنده‌شدن مردگان سزاوار نیست: «فَلَا تَمْتَرُنَّ؟»؛
۳. تردید نابجا، مایه دورافتادن از راه مستقیم است: «فَلَا تَمْتَرُنَ... وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ؟»؛
۴. شیطان در کمین رهروان راه مستقیم است: «هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ - وَلَا يَصِدِّكُمُ الشَّيْطَانُ».۴

۱۵-۱. کمین‌کردن:<sup>۲</sup> در حدیث می‌خوانیم: «شیطان که سوگند خورد از چهار طرف در کمین انسان باشد تا او را منحرف یا متوقف کند، فرشتگان از روی دلسوزی گفتند: پروردگار! این انسان چگونه رها خواهد شد؟ خداوند فرمود: دو راه از بالای سر و پایین باز است و هرگاه انسان دستی به دعا بر دارد، یا صورت بر خاک نهد، گناهان هفتاد ساله‌اش را می‌بخشایم».<sup>۳</sup>

#### ۲. دام‌های شیطان:

امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جنبد هشدار می‌دهد که مواطن شکارگاه‌ها و دام‌های شیطان باشد: «ای پسر جنبد! شیطان، مکان‌هایی برای شکار دارد. مواطن دام‌ها و شکارگاه‌های او باشید! اما ابزار شکار او، ایجاد مانع در نیکی به برادران و دام‌های شیطان خفتن از انجام نماز‌های واجب است».<sup>۴</sup> پس شیطان دام‌هایی نیز دارد از جمله:

۱-۲. شهوت نفسانی: امام صادق علیه السلام برای حفص بن غیاث حکایت فرمودند: روزی ابلیس بر حضرت یحیی ظاهر شد در حالی که ریسمان‌های فراوانی بر گردنش آویخته بود. حضرت یحیی علیه السلام پرسید: این ریسمان‌ها چیست؟ ابلیس گفت: اینها شهوت و خواست‌های نفسانی بنی آدم است که با آنها گرفتارشان می‌کنم. حضرت یحیی علیه السلام از او پرسید: آیا چیزی از این ریسمان‌ها برای من هم هست؟ ابلیس گفت: بعضی اوقات

---

۱. تفسیر نور؛ ذیل آیات ۶۱ و ۶۲ سوره زخرف.  
 ۲. «فَالْفَلَّ فِيمَا أَغْوَيْتَنِي لَا قُعْدَنَ لَهُمْ صَرَاطُكُ الْمُسْتَقِيمُ \* نَمَّ لَأَنْتَنَهُمْ مَنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِيلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَكِيرِينَ» (اعراف: ۱۶ - ۱۷).  
 ۳. تفسیر کبیر؛ گرفته شده از تفسیر نور؛ ذیل آیات ۱۶ و ۱۷ سوره اعراف.  
 ۴. بحار الانوار؛ ج ۷۸، ص ۲۷۹.

پرخوری کرده‌ای و تو را از نماز و یاد خدا غافل کرده‌ام. حضرت یحییٰ علیه السلام: به خدا قسم از این به بعد هیچ‌گاه شکم را از غذا سیر نخواهم کرد. ابلیس گفت: به خدا قسم من هم از این به بعد به هیچ موحدی نصیحت نمی‌کنم.<sup>۱</sup>

۲-۲. لذات دنیوی: پیامبر ﷺ فرمودند: «الَّذِيَا دَارُ بَلَاءً وَ مَنْزُلٌ بُلْغَةً وَ عَنَاءً قَدْ نَزَعَتْ عَنْهَا نُفُوسُ السَّعَدَاءِ وَ انتَرَعَتْ بِالْكُرْهِ مِنْ أَيْدِي الْأَشْقِيَاءِ فَاسْعَدُ النَّاسِ بِهَا أَرْغَبُهُمْ عَنْهَا وَ أَشْقَاهُمْ بِهَا أَرْغَبُهُمْ فِيهَا»<sup>۲</sup>: دنیا سرای بلا و گرفتاری و محل گذران زندگی و زحمت است. خوشبختان از آن دل کنده‌اند و از دست بدختان به زور گرفته می‌شود پس خوشبخت‌ترین مردم، بی‌میل‌ترین آنان به دنیا و بدخت‌ترین مردم، مایل‌ترین آنان به دنیاست. مثلاً خواب را لذید نشان می‌دهد تا نماز فوت شود.

۳-۲. عبادت: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به کمیل فرمودند: «به خدا قسم که از پیامبر گرامی ﷺ شنیدم که فرمودند: شیطان پس از آن که عده‌ای را به زنا و می‌گساري، رباخواری، فحاشی و قمار گرفتار کرد، آنان را به عبادت‌های طاقت فرسا و رکوع و سجود همراه با خضوع و خشوع علاقه‌مند می‌کند. در این حال آنان را به پیروی پیشوایانی می‌کشاند که به جهنم دعوت می‌کنند و در روز واپسین یار و یاوری نخواهند داشت».<sup>۳</sup>

۴-۲. هوای‌پرستی: <sup>۴</sup> امام علی علیه السلام: «نعم عن الشیطان اتباع الهوى»<sup>۵</sup>: پیروی از نفس، چه خوب یاوری برای شیطان است.

۵-۲. زنان (جنسیت و جذابیت‌های زن؛ نه خود وجود زن): امام علی علیه السلام می‌فرماید: «برای شیطان کمندی بزرگ‌تر از خشم و زنان نیست».<sup>۶</sup>

منظور از این سخن، زیر سؤال‌بردن شخصیت زن نیست؛ بلکه منظور آن است که به وسیله اختلاط با زن و ارتباط نامشروع با وی و جذابیتی که جنس مخالف دارد، شیطان مردم را می‌فریبد؛ همان‌گونه که از طریق مال و زینت دنیا که ذاتاً بد نیستند، وارد می‌شود.

۶-۲. دام برای قضاکردن نماز: یکی از کارهای شیطان قبل از انجام هر عبادتی این می‌باشد که آن را برای ما سخت جلوه می‌دهد؛ مانند ذره‌بین که اجسام کوچک را بزرگ

۱. همان: ج ۶۳، ص ۲۱۶.

۲. اعلام الدین: ص ۳۴۲.

۳. قال امیر المؤمنین علیه السلام: «يا كُمُّنِ، أَقْسُمُ يَاهَ لَسْمَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا حَمَلَ قَوْمًا عَلَى الْقَوْمِيْنَ مِثْلَ الرِّبَا وَ شُرُبَ الْحَمْرَ وَ الْرِّبَا وَ مَا أَشْبَهُ ذَلِكَ مِنَ الْخَنْيِ وَ الْإِتْمَ، حَبَّبَ إِلَيْهِمُ الْعَادَةَ الشَّدِيدَةَ وَ الْخُشُوعَ وَ الرُّكُوعَ وَ التَّضَعُّ وَ السُّجُودَ ثُمَّ حَمَلَهُمْ عَلَى لِوَائِيَةِ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ!» (بحار الأنوار؛ ج ۷۷، ص ۲۷۴).

۴. ر.ک: درس نفس اماره، دشمن درونی انسان.

۵. غرر الحكم؛ ج ۶، ص ۱۶۱.

۶. «لیس لا بلیس و هق اعظم من العضب و النساء»(شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحكم؛ ج ۵، ص ۸۳).

نشان می‌دهد و در این صورت است که با بزرگ نشان دادن چیزی، فرد در خود احساس ناتوانی می‌کند؛ مثلاً دعای کمیل را شب دیر وقت می‌خواند که مستحب است و نماز واجب صحبت قضا می‌شود.<sup>۱</sup>

۷-۲. تفرقه: از دیدگاه کتاب آسمانی ما قرآن مجید و نیز احادیث شریف، تفرقه پدیده‌ای شیطانی و غیرخدایی است که در طول تاریخ بشریت همیشه مستکبرین عالم برای رسیدن به اهداف شوم و ننگین خودشان از تفرقه بین جوامع و انسان‌ها استفاده می‌کردن.<sup>۲</sup>

**«تَنْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبِيٍّ مُّوسَى وَفَرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ \* إِنَّ فَرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شَيْعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَيِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ...».**<sup>۳</sup>

خداؤند متعال در این آیه بیان می‌فرماید که فرعون چگونه برای اینکه بهتر بتواند حکومت ضدالله‌ی و استعماری خود را بر مردم مصر ادامه دهد، آنان را به دو گروه تقسیم کرد؛ گروهی به نام قبطیان که همه امکانات در اختیار آنها بوده و گروهی به نام سبطیان که محروم از هر نظر بودند و مردم را به وسیله اختلاف و تفرقه به جان هم می‌انداخت تا بهتر بتواند حکومت جابرانه خود را ادامه دهد و این امری شیطانی و از دام‌های خطرناک شیطان است.

### ۳. گام‌های شیطان(خطوات) :

کلمه «خطوات» جمع خطوه (گام) است و «خطوات شیطان» عبارت است از اموری که نسبتش به غرض شیطان، نسبت گام‌هایی است که یک رونده به سوی مقصد خود برمی‌دارد. «خطوات شیطان» تنها آن گام‌هایی از شیطان است که در طریقه و روش پیروی شود. در قرآن کریم این سیاست گام به گام شیطان به صورت واضح بیان شده است:

**«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَبَعُوا حُطُوطَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌ مُّبِينٌ \* إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفُحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۴</sup>** ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است \* او تنها شما را به بدی و فحشا و گفتن سخنان بی‌دلیل و نسبت دادن آن به خدا و امی دارد.

۱. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَنُ أَنْ يُوقَعَ بِيَنْكُمُ الْعَدَوَةَ وَالْبَغْصَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمُبَرِّسِ وَبَصَدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ هَلْ أَتُمْ مُّتَهَوِّنُ»: همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد؛ پس [با این همه مفاسد] آیا دست برمی‌دارید؟ (مائده: ۹۱).

۲. قصص: ۳ - ۴.  
۳. بقره: ۱۶۸ - ۱۶۹.

در این آیه شریفه خداوند متعال برای اینکه ضابطه‌ای داده باشد که چه چیزهایی پیروی شیطان است، کلمه سوء و فحشا و سخن بدون علم را خاطرنشان کرده و می‌فهماند که پیروی از هر چیزی که بد یا فحشا یا بدون علم حکم‌کردن است، پیروی شیطان است.

با توجه به معانی سوء و فحشا در قرآن و سیاق آیه به نظر می‌رسد که مراد از کلمه «سوء» معصیتی است که از نظر زشتی پایین‌تر از معصیت «فحشاء» باشد؛ مانند معصیت صغیره نسبت به معصیت کبیره.

**بنابراین گام‌های شیطانی در سه امر خلاصه می‌شود:**

\* بدی‌ها و معصیت‌های کوچک؛

\* زشتی‌ها و معصیت‌های بزرگ؛

\* گفتن سخنان ناروا و بی‌مدرک در برابر ذات پاک پروردگار.

می‌بینیم که شیطان گام به گام و مرحله به مرحله پیش می‌آید تا جایی که هیچ نقطه سفیدی در لوح دل انسان باقی نماند.

**پیام‌های آیات:<sup>۱</sup>**

۱. بهره‌گیری از محرمات و چیزهای پلید و ناپاک، پیروی کردن از شیطان است: «كُلُوا... حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَبَعُوا حُطُوطَ الشَّيْطَانِ»؛

۲. نیازهای طبیعی بشر زمینه‌ای برای انحراف و تسلط شیطان است. باید ضمن تأمین نیاز، به لغزش‌های آن توجه داشت: «كُلُوا... وَلَا تَتَبَعُوا حُطُوطَاتِ»؛

۳. شیطان، انسان را قدم به قدم منحرف می‌کند؛ باید از همان قدم اوّل مواظبت کرد: «حُطُوطَاتِ الشَّيْطَانِ»؛

۴. شیطان برای انحراف مردم، از راههای گوناگونی وارد می‌شود: «حُطُوطَاتِ»؛

۵. وادا نمودن مردم به استفاده از حرام‌ها و بازداشت آنان از نعمت‌های حلال، نمودی از دشمنی آشکار شیطان است: «كُلُوا... حَلَالًا طَيِّبًا... إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛

۶. نشانه دشمنی شیطان، وسوسه برای انجام فحشا و افترا به خداوند است: «عَدُوٌّ مُّبِينٌ إِنَّهَا يَأْمُرُكُمْ»؛

۷. شیطان هم دستور به گناه می‌دهد و هم راه توجیه آن را نشان می‌دهد. فرمان به سوء و فحشا، همان دستور به گناه و فرمان افترا بستن به خدا، دستور به توجیه گناه است: «يَأْمُرُكُمْ... وَأَنْ تَقُولُوا»؛

۱. تفسیر نور؛ ذیل آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره بقره.

۸. اظهار نظر درباره احکام دین و فتوی دادن بدون علم، حرام است: «أَنْ تَقُولُواْ عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛

۹. حتی در مقام تردید و شک، باید چیزی را به خداوند نسبت داد، تا چه رسد به مواردی که بدانیم آن حرف و سخن از خدا نیست؛ بنابراین باید در تفسیر قرآن و بیان احکام دقت کرد: «وَأَنْ تَقُولُواْ عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ».

### ب) از دیدگاه روایات:

#### ۱. روایتی از نهج البلاغه:

در بیان نورانی حضرت علی علی‌الله‌ی نیز ضمن مذمت مریدان شیطان، مراحلی برای پیروی از شیطان بیان کرده‌اند:

\* «إِتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مِلَاكًا، وَ اتَّخَذُهُمْ لَهُ أَشْرَاكًا

شیطان را ملاک و پیشوานه زندگی خود گرفتند، او هم از آنان به صورت دام استفاده کرد.

\* فَبَاضَ وَ فَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ، وَ دَبَّ وَ دَرَّجَ فِي حُجُورِهِمْ، فَنَظَرَ يَاعِيْنِهِمْ،

در درونشان لانه کرد و در دامنشان پرورش یافت، چشم‌شان در دیدن، چشم شیطان شد،

\* وَ نَطَقَ بِالسِّتَّهِمْ، فَرَكَبَ بِهِمُ الْزَّلَّ، وَ زَيَّنَ لَهُمُ الْخَطَلَ،

و زبانشان در گفتن، زبان شیطان شد، بر مرکب لغزش‌ها سوارشان کرد و امور فاسد را در دیدگانشان جلوه داد،

\* فَعُلَّ مَنْ قَدْ شَرَكَهُ الشَّيْطَانُ فِي سُلْطَانِهِ، وَ نَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ.

کارشان کار کسی است که شیطان او را شریک سلطنت خود قرار داده و با زبان او به یاوه‌سرایی برخاسته است.<sup>۱</sup>

#### ۲. نزول آیه استغفار و واکنش شیطان:

امام صادق علی‌الله‌ی فرمود: «وقتی آیه‌ای مربوط به استغفار نازل شد، ابلیس بالای کوهی در مکه رفت. با صدای بلند فریاد کشید و سران لشکرش را جمع کرد. گفتند: چه شده است که ما را فرا خواندی؟ ابلیس گفت: فلاں آیه نازل شده که پشت مرا می‌لرزاند و مایه نجات بشر است، چه کسی می‌تواند با آن مقابله کند؟ یکی از شیاطین بزرگ گفت: من می‌توانم. نقشه‌ام چنین است و چنان. ابلیس طرح او را نپسندید، دیگری برخاست و طرح خود را ارائه داد. باز مقبول نیفتاد. در این حال «وسواس خناس» از جا برخاست و گفت: من از عهده آن برمی‌آیم. ابلیس گفت: از چه راه؟ گفت: آدمیان را با وعده‌ها و آرزوها

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، خطبه ۷.

سرگرم می‌کنم تا آلوهه گناه شوند. هنگامی که گناه کردند، توبه را از یادشان می‌برم. ابلیس گفت: تو می‌توانی از عهده این کار برآیی، نقشه بسیار ماهرانه است. این مأموریت را تا دامنه قیامت به او سپرده<sup>۱</sup>.

### ۳. شیطان و موسی:

حضرت موسی علیه السلام به شیطان فرمود:

مرا آگاه کن از گناهی که چون آدمیزاد مرتكب شود، بر او مسلط شوی.

شیطان گفت: هنگامی که او از خودش خوش بیاید و عملش را زیاد شمارد و گناهش در نظرش کوچک افتد.<sup>۲</sup>

یاران جنی شیطان:

شیطان برای رسیدن به مقصد خویش از سواره نظام و پیاده‌نظام گستردۀای برای فریب دادن انسان استفاده می‌کند.<sup>۳</sup> این لشکر با شیوه‌های مختلف به جنگ انسان می‌آیند و از هر ابزاری برای تسلط بر بشر بهره می‌برند؛ بنابراین انسان می‌باشد بسیار هوشیار و آگاه باشد تا از شر و بدی دشمنانی این‌گونه قدرتمند و فراوان در امان بماند. ویژگی مهم ابلیس پنهان‌بودن وی از چشم انسان است. وجود جنی او که ریشه در آتش دارد، این امکان را برایش فراهم کرده است تا انسان را ببیند در حالی که دیده نشود. از این رو لازم است مطالبی را در مورد یاران جنی ابلیس که همنوع و همجنس او هستند، با هم به گفتگو بشینیم.

### الف) نام‌های شیطان و فرزندان او:

به طور کلی می‌توان شش نام برای شیطان گفت:

اول: شیطان (اسم عام)؛ دوم: ابلیس (اسم خاص)؛ سوم: حارث یا حرث؛ چهارم: خناس؛ پنجم: ابامرہ؛ ششم: عزازیل (این نام قبل از طردشدن و رانده شدن از درگاه احادیث جل و علا متعلق به او بوده است).

فرزندان شیطان که هر یک نامی دارند و هر یک گروههای خود را برای گمراهی نوع بشر هدایت و راهنمایی می‌کنند، به ترتیب زیر هستند:

۱. اعور: با تحریک قوا و غریزه شهوانی مرد و زن و با شیوه موذیانه‌اش آن دو را به عمل ناشایست "زن" و امی دارد.

۱ ناصر مکارم، تفسیر نموزه، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۴۷۶.

۲ اصول کافی، ج ۳، ص ۴۲۹.

۳ وَاسْتُفِرْزُ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ يَصُوْتُكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ يَحْيِلُكَ وَرَجِلُكَ ...؛ سوره اسراء آیه ۶۴.

۲. قفتر: هرکس در خانه‌اش به مدت چهل روز "طنبور" نوازد، وی بر تمام اعضاش می‌نشیند و غیرت را از او زایل می‌کند.
۳. رها: مانع بیدارشدن برای نماز شب می‌شود.
۴. متکون: به صورت‌های مختلف برای فریب انسان‌ها ظاهر می‌شود.
۵. مذهب: به هر شکلی در می‌آید جز پیامبران و امامان علیهم السلام.
۶. ولهان: وسوسات هنگام وضو برمی‌انگيزد.
۷. اعوذ: صاحب زنا.
۸. مبسوط: صاحب دروغ.
۹. خناس: وعده می‌دهد و آرزومند می‌کند و استغفار را از یاد می‌برد.
۱۰. زوال: برای شرکت در نکاح و آمیزش حرام.
۱۱. ابیض: مردم را به خشم در می‌آورد.
۱۲. وهار: در خواب مومنین را آزار می‌کند و باعث اندوهشان می‌شود.
۱۳. رکتیبور: موکل بازارهاست و سخن‌های لغو و یهوده، قسم دروغ و ستایش و تعریف‌های بیجا از متعاق را برای مردم زینت می‌دهد.
۱۴. لاقیس: وی موکل است در طهارت و نماز، مردم را به وسوسه اندازد. یعقوب بن جعفر گفت: مردی از حضرت صادق علیه السلام از مساحقه [آمیزش] زن با زن دیگر سؤال کرد و حضرت فرمود: "راکبه و مرکوبه" هر دو ملعونند. پس از آن فرمود: خدا بکشد "لاقیس" دختر ابلیس را که چه عمل زشتی را برای زن‌ها آورد. آن مرد سائل گفت: این عمل از اهل عراق آمده است. حضرت فرمود: سوگند به خدا که این عمل در زمان رسول خدا بود، قبل از آنکه در عراق باشد.
۱۵. هفاف: وی نیز موکل است مردم را در صحراها و بیابان‌ها اذیت رساند و آنها را وسوسه کند.
۱۶. ثبر: مسئولیت گول‌زدن مصیبت‌دیدگان و وادار ساختنشان به لطمه‌زدن، خراشیدن صورت چاک‌زدن گریبان را عهده دارد.
۱۷. داسم: وی موظف است هر وقت مردی که بدون ادائی سلام و جاری نمودن ذکر خدای تعالی وارد خانه می‌شود، به همراهش داخل خانه شود و بین او با خانواده‌اش ایجاد فتنه و نزاع کند و اگر آن مرد بدون گفتن نام خدا به خوردن طعام مشغول شود، با وی غذا خورد.
۱۸. مطرش: مسئولیت جعل اخبار دروغ و خالی از حقیقت و جاری ساختن آن‌گونه اخبار بر سر زبان‌های مردم را به عهده دارد.

۱۹. تمیرح: امام صادق علیه السلام فرمود: برای ابلیس [در گمراه‌ساختن افراد] کمک‌کننده‌ای است به نام "تمیرح" که وی هنگام فرار سیدن شب بین مغرب و مشرق را از وسوسه کردن مردم پر می‌کند.

۲۰. قژح: به معنای شیطانی که اسباب شر را فراهم می‌کند و اسم شیطان است. ابن کوا از امیر المؤمنین علیه السلام از "قوس قژح" سؤال کرد؟ حضرت فرمود: "قوس قژح" مگو؛ زیرا "قژح" نام شیطان است؛ بلکه بگو: "قوس الله" و "قوس الرحمن".

۲۱. خنرب: بین شخص نماز گزار و نمازش حایل می‌شود؛ یعنی توجه قلب را از وی بر طرف می‌کند. در خبر است که عثمان بن ابی العاص بن بشر در خدمت حضرت رسول اکرم علیه السلام عرض کرد: شیطان بین نماز و قرائت من حایل می‌شود. حضرت فرمود: «نام آن شیطان "خنرب" است؛ پس هر زمان از او ترسیدید، به خدا پناه ببرید..».

۲۲. خود ابلیس: اعمال زشت انسان را در نظرش زیبا جلوه می‌دهد.<sup>۱</sup>

قرآن کریم با تعبیر مختلف بیان فرموده است که ابلیس دارای یاران و سپاهیانی از جن و انس است که او را در اغوای آدمیان یاری می‌دهند.<sup>۲</sup> یاران مستقیم ابلیس، شیاطین جنی هستند و ایشان به وسیله وسوسه‌های گوناگون به شیاطین انسی وحی و پیغام‌های پنهانی می‌دهند و به همراهی همدیگر با وسوسه و فریب و شیطنت و فسادانگیزی در پی گمراه‌ساختن مردم هستند.<sup>۳</sup> در نتیجه شیاطین جن آن دسته از یاران و پیروان شیطان هستند که از جمله جنیان بوده و تحت فرمان ابلیس‌اند (چنان‌که می‌دانید جنیان به دلیل لطفتی که در نوع خاص آفرینششان دارند، برای ما قابل مشاهده نیستند؛ ولی می‌توانند در بعضی امور جزئی دخالت کنند). «إِنَّهُ يَرِيْكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ»<sup>۴</sup>: ابلیس و دار و دسته‌اش شما را می‌بینند؛ به طوری که شما آنها را نمی‌بینید.

### جن کافر و مؤمن:

همان‌طور که انسان‌ها مؤمن و کافر دارند؛ جنیان نیز کافر و مؤمن دارند و به تعبیر قرآن کریم برخی از آنها شیطانند و باید از شر آنان به خدا پناه برد. «بگو؛ به پروردگار مردم پناه می‌برم، فرمانروای مردم، خدای مردم، از شر وسوسه وسوسه‌گر نهانی، آن‌که در دل‌های

۱. در ذکر نام‌های فرزندان خاص ابلیس و وظایف آنان از این منابع استفاده شد: تفسیر ابوالفتوح؛ ج ۳، ص ۴۲۹؛ کشف‌الاسرار؛ ج ۵، ص ۷۰۳؛ سفينة البحار؛ ج ۱، ص ۹۹-۱۰۰؛ تلیسیس ابلیس؛ ص ۳۲-۳۳؛ ترجمه عجائب المخلوقات؛ باب العشرين فی الحيوان من الجن؛ حبیبة القلوب؛ ج ۱، ص ۳۷۷؛ لسان‌العرب؛ ص ۳۷۸.

۲. انعام؛ ۱۱۲؛ اعراف؛ ۲۷؛ شعراء؛ ۹۵؛ کهف؛ ۵۰.

۳. تفسیرالمیزان؛ ج ۷، ص ۴۹۱.

۴. اعراف؛ ۲۷.

مردم و سوسه می‌کند، خواه از جنیان باشد یا از آدمیان<sup>۱</sup>. در جای دیگر می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لُكْلَنِي عَدُوًّا شَيْطَنَ الْإِنْسَنِ وَالْجِنِّ»؛ و جنین قرار دادیم برای هر پیامبری، دشمنی از شیطان‌های بشری و جنی<sup>۲</sup>. برای دور شدن از شر جنیان شیطان و موذی، بعضی افراد راه‌هایی را طی می‌کنند که صحّت و سُقُم آن برای ما روشن نیست. از آن جا که کلمه شیطان لفظ عامی است که انسان‌ها و جنیان را در بر می‌گیرد. بهترین راه برای غلبه بر آزار و اذیت جن شیطان، دنبال کردن فرمول‌هایی است که در روایات ارائه شده است<sup>۳</sup>.

### مرگ و زندگی جن:

از آنجا که جن مخلوق است، طبق قاعده مخلوق‌بودن، ابتدایی و انتهایی دارد؛ یعنی عمر مقدار دارد؛ اما عمر آنها از انسان‌ها بیشتر است و این به دلیل نوع خلقت آنهاست و چه بسا موجوداتی هستند که چندین برابر جنیان عمر می‌کنند و آنها نیز بر خلقت خود قرار دارند.

از احادیث این‌گونه دریافت می‌شود که جن عمری چندهزارساله دارد. شاهد مثال این داستان است:

به سند معتبری از ابن عباس روایت شده: در خدمت رسول اکرم ﷺ وارد شدیم. یکی از جنیان درحال سؤال‌کردن مسائل سخت و مشکل از حضرت رسول ﷺ بود. ناگهان حضرت علی علیه السلام از دور ظاهر شدند. جن از دیدن حضرت علی علیه السلام و از ترس، آن‌چنان کوچک شد که به اندازه گنجشگی درآمد و در مقابل آن حضرت عجز و زاری نمود و به پیامبر ﷺ عرض کرد: یا رسول الله مرا در پناه خود بگیر. پیامبر ﷺ فرمود: «از چه کسی می‌ترسی؟» جن عرض کرد: از آن جوان که از دور می‌آید، می‌ترسم. حضرت فرمود: «برای چه از آن جوان می‌ترسی؟» جن گفت: من در زمان طوفان نوح علیه السلام شاهد ماجرا بودم، وقتی که کشتی آن حضرت روى آب‌ها شناور شد و همه جا را آب گرفته بود، من داخل کشتی رفتم تا آن را سوراخ کرده و نوح علیه السلام را با پیروانش غرق کنم. ناگهان دیدم که همین جوان در آن کشتی ظاهر شد و درحالی که نیزه‌های در دست داشت، با سر آن دستم را برید. در این حال جن دست و انگشت بریده خود را به پیامبر ﷺ نشان داد. پیامبر ﷺ فرمودند: «درست دیده‌ای این همان جوان است که دست تو را بریله».⁴

۱. «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» (ناس: ۱ - ۶).

۲. آنعام: ۱۱۲.

۳. ر.ک: درس راههای مبارزه با شیطان.

۴. کشف الیقین؛ ص ۴۸۴؛ بحار الانوار؛ ج ۴۲، ص ۱۱ و سفینه النجاه؛ ج ۱، ص ۶۸۳.

### دانش جن:

جن به امور غیب آگاه استه پا خیر؟

غیب‌بودن امری نسبی است. ممکن است چیزی برای یکی غیب باشد و برای دیگری نباشد. دانش جن فقط و فقط به دلیل طولانی‌بودن عمر آن است و جن در واقع فقط از گذشته‌هایی که در آن بوده یا در حال اتفاق است، با خبر بوده و از آینده هیچ اطلاعی ندارد. این سخن، دلیل عقلی و قرآنی دارد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که ابلیس تا قبل از ظهرور حضرت عیسی علیه السلام تا آسمان هفتمن بالا رفته و اسرار الهی را استراق سمع می‌کرده<sup>۱</sup>; به همین جمله دقت کنید؛ یعنی دلیل دانستن اسرار الهی برای شیطان این بوده که او تا آسمان هفتمن بالا می‌رفت و اسراری را که بین ملائکه گفته می‌شد، مخفیانه می‌شنید و به نزد یارانش بر می‌گشته است تا تدارک مقابله با آن اسرار و وحی الهی را ببیند؛ اما هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام متولد می‌شوند، شیطان از هفت آسمان محروم گشته و تنها تا طبقه چهارم آسمان می‌توانست بالا برود؛ اما باز هم برای استراق سمع اسرار وحی.

به این نکته ظریف دقت کنید که پس از حضرت عیسی علیه السلام از طبقه چهارم بالاتر نمی‌توانست برود و فقط اسراری را که در طبقه چهارم و پایین‌تر از آن بود، می‌توانسته بشنود. این مطلب به آن معنی است که اسرار الهی دارای مرتبه و طبقه‌بندی است؛ پس بسیاری از اطلاعاتی که برای طبقه بالاتر غیب نیست، برای طبقه پایین‌تر آن غیب محسوب می‌شود. بعد از ولادت حضرت رسول ﷺ شیطان از طبقه اول آسمان نتوانست بالاتر برود و در واقع از آن اسرار محروم شد؛ بنابراین خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَحَفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ \* لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيَقْدُسُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ \* دُخُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَّاصِبٌ»<sup>۲</sup> [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم، [به طوری که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند، با شدت به دور رانده می‌شوند و برایشان عذابی دائم است».

### توانمندی و قدرت جن:

یکی از قدرت‌های جن که انسان‌ها از آن استفاده می‌کنند، جایگاکردن اجسام و اشیا است. این جایگایی قدرت خاصی را بین جنیان می‌طلبد؛ یعنی هر نوع از جن نمی‌تواند این کار را انجام دهد و این کار مخصوص نوع خاصی از جن به نام عفریت است.

۱. متنهی الامال؛ ص ۴۶ و ۴۷ و امالی شیخ صدقه؛ ص ۲۸۵.  
۲. صفات: ۷ - ۹.

«قَالَ عَفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ»<sup>۱</sup>؛ عفریتی از جن گفت: من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی، برای تو می‌آورم و برای این [کار] سخت توانا و مورد اعتمادم».

پس این قدرت جابجایی فقط مخصوص جنیان از نوع عفریت است. این جمله به این معنی نیست که عفریت فقط قابلیت جابجایی دارد؛ بلکه به این معنی است که این ویژگی بارز و برجسته این نوع جن است. اما مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیرویی که شیاطین جن از آن استفاده می‌کنند و شیاطین انس به وسیله شیاطین جن این اعمال را انجام می‌دهند، سحر و جادو است.

### سحر و جادو:

سحر و جادو تقریباً هم ردیف و هم تراز هم هستند؛ اما در اینجا به شیوه سحرکردن توسط شیاطین جن با درخواست شیاطین انس می‌پردازیم. برخی از افراد با استفاده از این روش‌ها می‌توانند با اجنه شیطانی ارتباط برقرار کنند و برخی از توانمندی‌های آنها را در رسیدن به اهداف کفرآلود خود به کار گیرند. یادآوری داستان‌هایی از قرآن کریم درباره اعمال ابلیس و کمک او به افراد کافر و مشرکی که سعی در دشمنی آشکار با پیامبران هم عصر خود داشته‌اند، بیانگر نحوه اعمال شیطانی اجنه و به کارگیری آنها توسط افراد کافر و مشرک است. روش‌های ارتباط با شیاطین جن، بسیار متفاوت است؛ به طور مثال در زمان حضرت موسی علیه السلام که سحر و جادوگری قدرت گرفته بود و در واقع روش استفاده از آن را ساحران و جادوگران بهتر آموخته و مسلط‌تر گشته بودند؛ مانند سامری که رئیس ساحران زمان حضرت موسی علیه السلام و به سحر مسلط بود؛ او بعد به موسی علیه السلام ایمان آورد و همراه قوم و حضرت موسی علیه السلام به پای کوه طور رفت. زمانی که حضرت موسی علیه السلام به دعوت خداوند به کوه فرا خوانده شد، او با طلاهای قوم، گوسله‌ای ساخت و هنگامی که دید حضرت جبرئیل علیه السلام به سمت کوه طور برای دیدن حضرت موسی علیه السلام رسپار شده، به دنبال ایشان رفته و از خاکی که زیر پایش بر جای مانده بود، برداشت و آن را به گوسله زد و گوسله شروع به سخن گفتند کرد.<sup>۲</sup>

در این مقطع، ساحران بسیار نیرومند؛ ولی در اقلیت بودند تا زمان حضرت سلیمان علیه السلام فرا رسید و به دستور خداوند تمام جنیان، شیاطین و دیوها تحت امر حضرت قرار گرفتند و هر کس از دستور حضرت سلیمان علیه السلام سرپیچی کرد، مورد عذاب الهی قرار گرفت.<sup>۳</sup>

۱. نمل: ۳۹.

۲. نشریه موعود؛ ویژه جن؛ شماره ۱۲۳ و ۱۲۴.

۳. «ولَسِلَيْمَانَ الرَّبِيعَ غَدُوُّهَا شَهْرٌ وَأَسْلَنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ يَعْنَى يَدِيهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزْغُبْ مِنْهُ عَنْ أَمْرِنَا نَذِفْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ» (سبا: ۱۲).

## داستان‌هایی از شیطان و شگردهایش:

## ۱. اندرز شیطان به نوح علیه السلام

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

چون نوح علیه السلام برای نفرین به قومش خدا را خواند، شیطان نزد او آمد و گفت: ای نوح علیه السلام! تو را نزد من حقی است، می‌خواهم عوض آن را بدهم. نوح علیه السلام گفت: به خدا سوگند که برای من بسیار ناگوار است که حقی بر تو داشته باشم، آن حق چیست؟ گفت: آری، تو نزد خدا به قوم خود نفرین کردی و آنان را غرق ساختی و کسی نماند که من گمراحتش کنم و من در راحتی هستم تا اینکه نسل دیگری به وجود آید و آنها را گمراحت سازم. نوح علیه السلام گفت: چگونه می‌خواهی به من عوض بدھی؟ شیطان گفت: مرا در سه جا یاد کن که در آن سه جا به بنده از هر وقتی نزدیک‌ترم،

۱. هنگامی که غضب کردی، مرا به یادآور؛

۲. هنگامی که میان دو نفر قضاوت می‌کنی، مرا به یادآور؛

۳. هنگامی که با زنی همنشین شدی و کسی با شما نبود، مرا به یاد آور.<sup>۱</sup>

## ۲. انحراف به وسیله عبادت:

علی بن اسیاط به سندی از امام چهارم علیه السلام نقل می‌کند: عابدی در بنی اسرائیل بود؛ ابلیس به سپاهیانش گفت: چه کسی برای او است که مرا غمگین دارد. یکی گفت: من. گفت: از چه راهی؟ گفت: دنیا را در چشم او آرایش می‌دهم. گفت: تو مرد او نیستی. دیگری گفت: من. به او گفت: از چه راه؟ گفت از راه زنان. گفت: تو هم مرد او نیستی. سومی گفت: من. گفت: از چه راه؟ گفت: از راه عبادت خود او. گفت: تو مرد او بی.

چون تاریکی شب عابد را فرا گرفت، آن شیطان در خانه او را کوپید و گفت: مهمان است و او را در خانه آورد و او شب را تا بامداد نماز خواند و آن را تا سه شبانه‌روز دنبال کرد بی‌آنکه چیزی بخورد یا بنشود. عابد به او گفت: ای بنده خدا مانندت را ندیدم. پاسخش داد: تو هیچ گناه نکردی و نیروی عبادت تو سیست است. گفت: چه گناهی کنم؟ گفت: چهار درهم بردار و برو نزد فلان فاحشه، یک درهم برای گوشت، یک درهم برای می، یک درهم برای عطر به او بده و یک درهم مزد خودش و کارت را بکن و نیازت را از او برآور. او فرود آمد و چهار درهم برداشت و به در خانه آن زن آمد و گفت آی فلانی، او بیرون شد، او را دید. گفت: به خدا فریب خورده، به خدا فریب خورده. به او گفت: چه می‌خواهی؟ گفت: این چهار درهم را بگیر و خوراک و نوشابه و عطر فراهم کن، من با تو

۱. خصال؛ ترجمه جعفری؛ ج ۱، ص ۲۰۳.

در آمیزم. رفت و گرداش کرد و یک تکه گوشت خر مرده پیدا کرد و بر گرفت و شاش کهنه‌ای هم در میان تنک کرد و نزد او آمد. گفت: این خوراک تو است؟ آری. گفت: بدان نیازی ندارم، گفت: این هم نوشابه تو است؟ گفت: من بدان نیازی ندارم، برو خود را آماده کن. رفت و تا توانست خود را پلید کرد و آلوده ساخت و چون عابد او را بوبید، نفرت کرد و گفت: مرا به تو نیازی نیست و چون بامداد شد، بر در خانه آن زن نوشته بود: خدا فلان فاحشه را آمرزید به دلیل فلان عابد.<sup>۱</sup>

### ۳. لقمه حرام، زمینه نفوذ شیطان:

می‌گویند شاه ستمگری از یک قاضی دعوت کرد که بیا و قاضی شو. گفت: قاضی طاغوت، گناه است؛ نمی‌شود. گفت: بیا معلم بچه‌ها می‌شو. گفت: گرگزاده عاقبت گرگ شود. گفت: بیا و یک ناهار با هم بخوریم. گفت: طوری نیست. یک ناهار نزد شاه خورد، دید خیلی خوشمزه است؛ گفت: اعلیٰ حضرت اگر اجازه می‌فرمایید، هم قاضی می‌شوم و هم معلم بچه‌ها می‌شوم؛ یعنی لقمه حرام کار خودش را کرد. لقمه حرام، کلیدی است. به بزرگی گفتند: بچه شما بی ادب است. گفت: چه کرده است؟ گفت: سقاوی مشک آبی روی دوشش بود و می‌رفت، بچه شما یک سوزن به مشک آب فرو کرد و این آب‌ها یش خالی شد. خیلی ناراحت شد، رفت به مادرش گفت. مادر شروع کرد به منقلب شدن و گفت: باید این‌طور باشد. گفت: چرا؟ گفت: وقتی حامله بودم، از کنار درخت اناری گذشتم، انار مردم بود. دهنم پر آب شد، یک سوزن در انار فرو کردم و از این سوراخ آب انار را خوردم. آن آب انار خلافی که خوردم، باید... من سوزن به انار زدم، باید بچه‌ام به مشک سوزن بزنند.<sup>۲</sup>

### ۴. حکایت شیطان با برصیصا:

شیطان برصیصاً عابد را که می‌گویند مستجاب الدعوه بود، فریب داد و از اوج ترقی به پست‌ترین مکان حیوانیت تنزل داد. داستان او و دخت سلطان زمانش در حالی که مريضه بود و برای استجابت دعا و طلب شفا به نزدش آوردنده، مشهور است. او در اثر اغوای شیطان فریفته دختر گردید و با او عمل شنیع زنا انجام داد و سپس به دلیل اینکه بستگان دختر نفهمند، با هدایت شیطان، برصیصاً او را خفه کرد و کشت و بدون کفن و دفن و غسل، آن دختر ملک را در گودالی مخفی ساخت هم مرتكب عمل منافی عفت و هم قتل عمد گردید. بالاخره برصیصاً عاقبتیش آن شد که به دار مجازات اعدام کشانده شد.

۱. آسمان و جهان؛ ترجمه السماء والعالم بحار؛ ج ۷، ص ۲۰۹.

۲. برگفته از سخنرانی محسن قرائتی؛ راه‌های نفوذ شیطان؛ تاریخ پخش از تلویزیون: ماه رمضان، ۸۷/۰۷/۰۴.

جالب توجه این است که همان شیطانی که نقشه قتل دختر پادشاه را به عابد روزگار یاد داد، جریان قتل او و محل مدفون ساختن وی را به یکی از نزدیکان سلطان نشان داد. آیا شیطان به همین مقدار در اغوای برصیصاً بسته کرد و از توطئه جدید درباره او دست برداشت؟ نه زیرا آن هنگامی که طناب اعدام گردن عابد را فشار می‌داد و عنقریب داشت می‌مرد. به برصیصاً گفت: اگر بر من سجده کنی، تو را نجات می‌دهم. گفت: در بالای دار امکان سجده نیست. شیطان گفت: با اشاره سجده کن، قبول دارم. بیچاره او هم سجده بر شیطان کرد و دیش را هم فروخت. این نتیجه کارهای دشمن دیرینه و آشکار انسان‌ها است.<sup>۱</sup>

#### ۵. مذاکره شیطان با یحییٰ علی‌الله‌یا

از وهب نقل شده که روزی شیطان لعین برای حضرت یحییٰ علی‌الله‌یا آشکار شد. اظهار داشت: می‌خواهم تو را نصیحت کنم. یحییٰ علی‌الله‌یا گفت: من به نصیحت تو تمایل ندارم؛ ولی از وضع فرزندان آدم اطلاعی بده. شیطان گفت: بنی آدم از نظر ما به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. عده‌ای مانند شما معصومند؛ چون از آنها مأیوس هستیم، از دستشان راحتیم و می‌دانیم نیرنگ و حیله‌های ما در آنها تأثیری ندارد.

۲. دسته‌ای بر عکس در پیش ما شبیه توبی هستند که در دست بچه‌های شما است؛ به هر طرف بخواهیم آنها را می‌بریم و کاملاً در اختیار ما هستند و ما از آنها راحتیم.

۳. اما طایفه سوم:

رنج و ناراحتی ما از این دسته از هر دو گروه قبل بیشتر است؛ زیرا یکی از ایشان را در نظر می‌گیریم، جدیت و تلاش می‌کنیم تا او را فریب دهیم؛ همین که فریب خورد و قدمی به میل ما برداشت، یک مرتبه یادآور می‌شود و از کرده خویش پشیمان می‌گردد؛ بنابراین به توبه و استغفار روی آورده باز می‌گردد. هر چه رنج برای او کشیدیم از بین می‌رود. برای مرتبه دوم در صدد اغوا و گمراهیش برمی‌آییم؛ این بار نیز پس از موقفیت که به گناه او را می‌کشیم، فوراً متوجه شده و مجدداً توبه می‌کند. نه از او نالمید و مأیوسیم و نه می‌توانیم مراد خود را از چنین شخصی بگیریم. پیوسته برای اغوا و فریب دادن این دسته در رنج و زحمت هستیم.<sup>۲</sup>

در داستان‌هایی که در مورد اغوای شیطان و یاران او آمده است می‌بینیم که شیطان به

۱. تفسیر ابوالفتوح رازی؛ ج ۱۱، ص ۱۰۷.

۲. خزانه نراقی؛ ص ۲۶۸ و پند تاریخ؛ ج ۴، ص ۲۳۰.

هیچ عنوان از هلاکت انسان دست نمی‌کشد و خیلی موقع بزرگان عابدی مانند برصیصای عابد که از راه شهوت و زن او را گمراه کرد. قارون عابد بنی اسرائیل که او را از راه توجه به دنیا و جمع مال گمراه نمود و سامری که از راه شهرت و توجه مردم به خود به ضلالت کشاند و یا عابد بنی اسراییل از راه توبه و تقرب بیشتر به حق تعالیٰ او را از راه حق منحرف کرد. همه نمایانگر این مطلب است که همیشه شیطان‌ها راه‌هایی را انتخاب می‌کنند که ضعف انسان در آن است.

#### پیام‌ها:

۱. در صحنه جنگ و جهاد این نکته که دشمن ما را چگونه می‌بیند، بسیار کلیدی و راه‌گشاست. طرز نگاه ابليس دشمن قسم خورده ما انسان‌ها، که آیا ما را قادرمند می‌بیند یا ضعیف، بسیار مهم است و شیطان به دنبال شقاوت ابدی ما انسان‌هاست؛ پس باید مبارزه جدی با وی انجام داد.
۲. توان دفاعی، راه‌های نفوذ به مرز خودی و زمینه‌هایی که به واسطه‌اش دشمن ما را تهدید می‌کند، بسیار زیاد بوده و سرعت عمل وی نیز بالا می‌باشد و هر لحظه برای فریفتن در کمین ما نشسته است و از راه‌هایی چون تزیین، تسویل و... بهره می‌برد.
۳. شیطان به تنها‌یی به مبارزه با انسان برنخواسته است؛ بلکه ذریه (همسر و فرزندان) او در جایگاه یاران جنی و برخی انسان‌ها در جایگاه یاران انسی وی در رکابش مشغول می‌باشند و ابزارهای فریش گوناگون هستند.
۴. یاران اصلی و مستقیم شیطان، یاران جنی وی می‌باشند که با پیامدادن به یاران انسی آنها را نیز در فریبدادن انسان‌ها به کار می‌گیرند و هر یک از شگردهای فریب شیطان توسط یکی از فرزندان و ذریه جنی وی مدیریت می‌شود.
۵. جن و انس در اکثر موارد مشابه هم می‌باشند؛ مانند اختیار، خوردن، آشامیدن و...؛ ولی جن برخلاف آنچه تصور می‌شود بعد از تولد پیامبر اسلام دستش از طبقات آسمان قطع شد و توانایی علم به غیب را ندارد؛ در صورتی که انسان گاهی تا جایی بالا می‌رود که به غیب نیز دسترسی و علم پیدا می‌کند.
۶. از راه‌های نفوذ و شگردهای شیطان در فریب انسان‌ها بر می‌آید که شیطان در حال غفلت و عدم توجه به شیطان دچار انحرافات شیطانی می‌شود.

#### سؤالات :

- ۱- منظور از «خطوات شیطان» که در روایات آمده، چه چیزی می‌باشد؟
- ۲- با توجه به آیه ۹۱ سوره مائدہ، شیطان از چه راه‌هایی بین انسان‌ها عداوت و دشمنی راه می‌اندازد؟

۳- مهم‌ترین شگرد شیطان وسوسه می‌باشد. یک نمونه از آن را بیان کنید؟

۴- دسته یاران اصلی و مستقیم شیطان کدام دسته از یاران او هستند؟

۵- با توجه به آیات قرآن کریم و عده‌های دروغین شیطان را نام ببرید.

**معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:**

۱. شیطان را بهتر بشناسیم؛ رضا محمدی تبار؛ ناشر: بحرالعلوم، ۱۳۷۹.

۲. شیطان در کمین‌گاه؛ نعمت‌الله صالحی حاجی‌آبادی؛ ناشر: علامه، ۱۳۸۱.

۳. شناسایی شیطان؛ محبوبه حسینیان نائینی؛ ناشر: یار روشن، ۱۳۸۶.

۴. جایگاه شیطان؛ محمد میرسلطانی؛ ناشر: آوینا، ۱۳۸۵.

۵. دنیای شگفت‌انگیز "جن، ابلیس، شیطان"؛ رقیه یعقوبی؛ ناشر: بوستان دانش، ۱۳۸۸.



## مونسان و همنشینان بد، یاران انسی شیطان

### آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این دروس بداند:

۱. آشنایی با یاران انسی شیطان در فریب‌دادن انسان‌ها؛
۲. شناخت آیات و روایات درباره دوست و همنشین بد؛
۳. توجه ویژه به «شناخت» در جایگاه عامل مهم در دوست‌یابی؛
۴. بررسی ویژگی‌ها و عملیات منفی از جانب دوست و همنشین بد؛
۵. چگونگی عاقبت دوستان نیک و دوستان بد در آخرت؛
۶. ضرب المثل، جملات بزرگان و شعرهایی درباره همنشین بد؛
۷. داستان‌هایی بسیار جذاب در مورد انتخاب همنشین بد.

### مقدمه:

دوست و همنشین از مهم‌ترین محورهای اثرگذار در زندگی انسان می‌باشد که هم می‌تواند انسان را به قله‌های سعادت برساند و هم او را به حضیض ذلت رساند؛ بنابراین بحث از آن بسیار مهم می‌باشد.

در مباحث گذشته دانستیم شیطان برای منحرف‌کردن انسان‌ها از صراط مستقیم هدایت، متولّل به یاران و همدستانی می‌شود که گروه یاران جنی وی را در درس قبل همراه با انواع روش‌های فریب‌دادنش مطالعه و بررسی نمودیم. حال وقت آن رسیده که

گروه یاران انسی این موجود خیث و رانده شده از درگاه آفریدگار را فراروی خویش قرار داده و طرق انحرافی آنها را شناخته و مورد تحلیل قرار دهیم. این گروه از یاران شیطان نیز خود به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول را مونسان و همنشینان بد و بخش دوم را فرقه‌های شیطانی تشکیل می‌دهد که در درس حاضر به بخش اول آن خواهیم پرداخت.

### دوست و همنشین بد:

یکی از زمینه‌های اجتماعی گناه، همنشین و دوست بد است؛ چنان‌که همنشین و دوست خوب، عامل مهمی برای سوق‌دادن فرد و جامعه به سوی کارهای نیک است. به هر حال از نظر علمی، عملی و تجربه ثابت شده انسان از ناحیه دوست و معاشر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و دوست و معاشر بد عامل ویرانگری برای نابودی شخصیت انسان است؛ چنان‌که دوست و همنشین خوب عامل سازنده شخصیت انسان می‌باشد. انسان‌های بد پسر نوح (علیه السلام) را نیز به سوی گناه می‌کشانند و خاندان نبوت او را از او می‌ربایند؛ ولی سگ اصحاب کهف بر اثر مصاحبتش چند روز با جوانان با ایمان، خوش‌قلب و پاک‌بازی چون اصحاب کهف، خوبی نیک آدمیت پیدا می‌کند. و به راستی این شاعر نکته سنج چقدر پر معنی و زیبا سروده است:

همنشین توبه ز تو باید \*\*\* قاتورا عقل و دین بیفزاید

و شاعر دیگر می‌گوید:

تا توانی می‌گرین از یار بد \*\*\* یار بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها ترا بر جان زند \*\*\* یار بد بر جان و بر ایمان زند

### دوست و همنشین از دیدگاه آیات و روایات:

هشدار آیات و روایات به اندازه‌ای در این زمینه سنگین است که پروردگار مهربان که جز خوشبختی انسان و رشد و کمال او را نمی‌خواهد. در قرآن مجید به صراحة و کنایه هشدار می‌دهد تا از معاشران ناپاک بپرهیزید و با آنان دوستی نکنید و دل از علاقه به آنان حفظ کنید و هیچ نوع ولایتی از آنان را نپذیرید. حضرت حق دامن مومنان را در این زمینه پاک دانسته و حریم زندگی آنان را به روی این معاشران ناجنس بسته می‌داند؛ گرچه آنان از نزدیک‌ترین افراد نسبی و حسبی انسان باشند.

#### الف) از نگاه آیات:

آیه اول: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا

آبائِهُمْ أَوْ أَبْنَاءُهُمْ أَوْ أَخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَةَهُمْ...»<sup>۱</sup>: گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نمی‌یابی که با کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت دارند، دوستی برقرار کنند؛ گرچه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشانشان باشند ... .

#### پیام‌های آیه‌های ۲ و ۳:

۱. یک دل، دو دوستی بر نمی‌دارد. دوستی خداوند با دوستی دشمنان دین خدا جمع شدنی نیست: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ... يُؤَدُّونَ مَنْ حَادَ اللَّهَ»؛

۲. عیب‌ها را از ریشه بطرف کنید. موبدت دشمنان خدا انسان را به گرایش‌های فکری، عملی و اخلاقی بِه سوی آنان و ادار می‌کند؛ بنابراین باید ریشه آن را خشکاند: «لَا تَجِدُ... يُؤَدُّونَ مَنْ حَادَ اللَّهَ»؛

۳. در اسلام، روابط و علاقه‌ها باید در راستای رضای خداوند باشد: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ»؛

۴. روابط خانوادگی و خویشاوندی نیز خط قرمز و مرز دارند. «وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ...»؛

۵. خداوند به دلیل قطع رابطه با چهار گروه از خویشان اگر معاند باشند (پدر، پسر، برادر و فامیل)، چهار نمونه از لطف خود را بیان کرده است: ایمان، امداد، بهشت و رضوان: «الإِيمَانُ، إِيَّدُهُمْ، جَنَّاتٌ، رَضِيَ اللَّهُ». آیه دوم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوّي وَعَدُوّكُمْ أُولَئِكَ تُلْقَوْنَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّهِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِنَ الْحَقِّ...»<sup>۲</sup>: ای ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید. شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید؛ در حالی که آنان بهطور یقین به آنچه از حق برای شما آمده، کافرند ... .

#### پیام‌های آیه‌ایه‌های ۴ و ۵:

۱. جامعه ایمانی حق ندارد با دشمنان خدا، رابطه دوستانه و صمیمانه داشته باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوّي وَعَدُوّكُمْ أُولَئِكَ»؛

۲. القای موبدت و ابراز دوستی با دشمنان، جرئت آنان را در برابر مؤمنان بیشتر می‌کند: «تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّهِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِنَ الْحَقِّ».

آیه سوم: «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخْرُضُونَ فِي آيَاتِنَا فَاعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخْوُضُوا فِي حَدِيثٍ

۱. مجادله: ۲۲.

۲. تفسیر نور: ذیل آیه.

۳.

۴. ممتحنه: ۱.

۵. تفسیر نور: ذیل آیه.

غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِينَكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»<sup>۱</sup> و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما به قصد شبهه اندازی به یاوه‌گویی و سخن بی‌منطق می‌پردازند، از آنان روی گردان و مجلسشان را ترک کن ... .

#### پیام‌های آیه:<sup>۲</sup>

۱. غیرت و تعصب دینی خود نسبت به مقدسات را به دشمنان نشان دهید: «إِذَا رَأَيْتَ  
الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَاقْعُرِضْ عَنْهُمْ»؛

۲. اعراض از بدی‌ها و مبارزه منفی با زشت‌کاران، یکی از شیوه‌های نهی از منکر است: «فَاقْعُرِضْ عَنْهُمْ»؛

۳. به جای هضم‌شدن در جامعه یا گروه و مجلس ناپسند، وضع آن را تغییر دهید: «حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ»؛

۴. مجالست با ظالمان نار و است، پس پرهیز کنیم: «فَلَا تَقْعُدْ». آیه چهارم: «فَاقْعُرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ  
الْعِلْمِ...»؛<sup>۳</sup> بنابراین از کسانی که از یاد ما روی گردانده‌اند و جز زندگی دنیا را نخواسته‌اند، روی بگردان. این دنیاخواهی آخرین مرز دانش و معرفت آنان است ... .

#### پیام‌های آیه:<sup>۴</sup>

۱. در برخورد با کسانی که دنیا محور و خداگریزند، تسامح نداشته باشید: «فَاقْعُرِضْ عَنْ  
مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا»؛

۲. از کسانی که به دین خدا پشت می‌کنند و حاضر به شنیدن نام خدا و دستورات او نیستند، اعراض کنید. (در اسلام، بایکوت مخالفان و دشمنان جایز است): «فَاقْعُرِضْ عَنْ مَنْ  
تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا»؛

۳. گاهی مقابله به مثل لازم است. باید از کسی که از یاد خدا اعراض می‌کند، اعراض کرد: «فَاقْعُرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا».

#### ب) از نگاه روایات:

۱. لزوم روی گردانی از اشرار و مفسدان:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

۱. انعام: ۶۸.

۲. تفسیر نور؛ ذیل آیه.

۳. نجم: ۲۹ - ۳۰.

۴. تفسیر نور؛ ذیل آیه ۲۹.

«هنگامی که پس از من اهل بدعوت را که با نوآوری‌های فرهنگی ضد حق و نسبت دادنش به دین قصد دارند در آیین کامل و جامع اسلام اضافه و نقصان ایجاد کنند و نیز تردیداندازان در عقاید و احکام حقه را دیدید، بیزاری از آنان را آشکار نمایید و فراوان به آنان طمعه بزنید و آنان را با گفتار خود از اعتبار بیندازید و متخصصانه با آنان بحث علمی کنید تا جایی که مبهوت‌شان نمایید و آنان به گفتار باطل دم بر نیاورند. برای اینکه امید به فساد در اسلام نبندند و مردم را از آنان بر حذر بدارید و بدعوهایشان را نیاموزید که با این برخورد عاقلانه خدا در پرونده شما حسنات ثبت می‌کند و به این دلیل درجات آخرت‌تان را بالا می‌برد». <sup>۱</sup>

#### ۲. اهمیت دوست در اسلام:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«الَّرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلَيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ»<sup>۲</sup>: انسان بر طریقه دین و آیین دوست خود است، پس باید هر یک از شما با دید عقل بنگرد با چه کسی رفاقت و دوستی می‌کند.

#### ۳. دوستی با کافر:

همچنین رسول خدا ﷺ فرمودند:

«کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، رابطه برادری و دوستی تنگاتنگ با کافر برقرار نکند و با بدکار آمیزش و رفاقت نداشته باشد؛ کسی که با کافر دوستی تنگاتنگ برقرار کند یا با بدکار معاشرت نماید، کافر و بدکار است». <sup>۳</sup>

#### ۴. نهایت رذالت همنشین بد:

و نیز پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

«الْوَحَدَةُ خَيْرٌ مِنْ قَرِينِ السُّوءِ»<sup>۴</sup>: تنها زیستن، بهتر از همنشین بد است.

#### ۵. همنشین بد در کلام علی علیه السلام:

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت است در پاسخ پیرمرد شامی هنگامی که از حضرت پرسید: همنشین شر و آلوده به بدی کیست؟ فرمود: «الْمُزِينُ لَكَ مَعِصِيَةَ اللهِ»<sup>۵</sup>: کسی که

۱. وسائل الشیعه: ج ۱۶، ص ۲۶۷.

۲. مستدرک الوسائل: ج ۸، ص ۳۲۷.

۳. پیشین: ص ۲۶۵.

۴. بخار الانوار: ج ۷۱، ص ۱۹۹.

۵. امالی صدوق: ص ۴۷۸.

معصیت خدا را برای تو جلوه می‌دهد و آن را در نظرت می‌آراید تا ارتکابش بر تو سهل و آسان گردد.

#### ۶. دقت در انتخاب دوست:

امام موسی بن جعفر علیہ السلام از حضرت عیسیٰ علیہ السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «انَّ صَاحِبَ الشَّرِّ يُعْدَى وَقَرِينَ السُّوءِ يُرْدَى فَإِنْظُرْ مَنْ تُقَارِنُ»<sup>۱</sup>: بی‌تردید دارنده خططاها و لغوش‌ها دشمنی می‌ورزد و به حقوق انسان تجاوز می‌کند و رفیق بد و ناجنس آدمی را هلاک می‌کند و از اعتبار و آبرو می‌اندازد؛ پس با دقت بنگر که با چه کسی همنشین می‌شود.

#### ۷. اثر همنشین پست:

امام صادق علیہ السلام به عمار بن موسی فرمود: «يَا عَمَّارُ ! انْ كُنْتَ تُحِبُّ انْ سَتَّبَ لَكَ النِّعَمَهُ وَتَكْمِلَ لَكَ الْمُرْوَهُ وَتَصلُّحَ لَكَ الْمَعِيشَهُ فَلَا تُشَارِكِ الْعَبِيدَ وَالسَّفَلَهَ فِي امْرَكَ فَإِنَّكَ انْ اشْتَمَتَهُمْ خَانُوكَ وَانْ حَدُّثُوكَ كَذِبُوكَ وَانْ نُكِبَتَ خَذَلُوكَ وَانْ وَعَدُوكَ أَخْلَفُوكَ»<sup>۲</sup>: ای عمار! اگر دوست داری که نعمت برایت آماده شود و پابرجا بماند و مررت و مردانگی‌ات کامل گردد و معیشت و زندگی ات اصلاح شود، بردگان و مردم پست را در زندگی خود شریک مکن؛ زیرا اگر آنان را امین خود قرار دهی، به تو خیانت می‌ورزند و اگر با تو سخن گویند، به تو دروغ می‌گویند و اگر دچار مصیبت و بلایی شوی، رهایت می‌کنند و اگر وعده‌ات دهنند، از وعده خود تخلف می‌ورزنند.

#### ۸. دوست باید به درد دینت بخورد:

امام صادق علیہ السلام به داود رقی فرمود: «أَنْظُرْ إِلَى كُلِّ مَنْ لَا يُعْنِيَكَ مَنْفَعَهُ فِي دِينِكَ ، فَلَا تَعْنَدَنَّ بِهِ وَلَا تَرْغَبَنَّ فِي صُحبَتِهِ ، فَإِنَّ كُلَّ مَا سَوَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُضَمِّلٌ وَخَيْمٌ عَاقِبَتُهُ»<sup>۳</sup>: به کسی که در دینت سودی به تو نمی‌رساند، عاقلانه بنگر؛ پس به او اعتماد مکن و در رفاقت و دوستی اش رغبت نشان نده؛ زیرا هر چه غیر خدای تبارک و تعالی است، نابود و عاقبتش بد است.

#### ۹. تشبيه دوست مردم آزار به شمشیر:

امام جواد علیہ السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَمُصَاحِبَهُ الشَّرِيرِ فَانَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُولِ يَحْسُنُ مَنْظَرُهُ

۱. کافی؛ ج ۱، ص ۶۴۰.
۲. وسائل الشیعه؛ ج ۱۲، ص ۳۰.
۳. مستدرک الوسائل؛ ج ۸، ص ۳۵۲.

وَيَقْبَحُ أَثْرُهُ<sup>۱</sup>: از دوستی و رفاقت با مردم آزار و بدکار بپرهیز؛ زیرا او مانند شمشیر از نیام کشیده است، منظرش زیبا و محصولش زشت است.

#### ۱. محبوب‌ترین همنشین:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَحَبُّ أخْوَانِي إِلَى مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي»<sup>۲</sup>: محبوب‌ترین برادرانم نسبت به من کسی است که مرا به سوی عیوبم راهنمایی کند.

#### شناخت، عاملی مهم در دوست‌یابی:

آنچه عقل به ما حکم می‌کند این است که در هر کاری اول باید شناخت و آگاهی نسبت به آن پیدا کرد و بعد اقدام به آن کار کرد؛ در دوست‌یابی هم همین طور است. در ابتدا شخص باید دوست خود را بشناسد و از او آگاهی کامل داشته باشد و بداند آن دوست، چه خصوصیات و روحیاتی دارد. آیا آن روحیات واقعاً مورد پسند است؟ خیلی‌ها به دلیل جذابیت‌های ظاهری و عوامل بیرونی، جذب شخص می‌شوند و پیوند دوستی می‌بنند، بدون شناخت و آگاهی از روحیات یکدیگر، چنین دوستی‌هایی دوام، استمرار و فایده مطلوبی ندارد و به دنبال آن پشیمانی است؛ پس شناخت عامل مهمی در دوست‌یابی است؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بَا كَسِيْ كَه او را نشناخته‌ای، اقدام به دوستی مکن».<sup>۳</sup>

#### الف) ویژگی‌های دوست بد:

##### ۱. نادان:

انسان‌هایی که از نظر فکری دچار ضعف هستند؛ چون معیارهای ثابت و صحیحی در زندگی خود ندارند، همواره دچار اشتباه می‌شوند. چنین افرادی هرگز صلاحیت لازم برای دوستی ندارند؛ چون از روی نادانی به انسان ضربه‌های سختی می‌زنند که هرگز جبران‌شدنی نیست و یا جبران آن بسیار مشکل است. مولای متقیان علی علیه السلام می‌فرماید: «سزاوار است که مسلمان از برادری کردن با سه گروه اجتناب نماید: بی‌حیا، نادان و دروغگو».<sup>۴</sup>

##### ۲. شرور:

۱. بخار الانوار؛ ج ۷۱، ص ۱۹۸.

۲. کافی؛ ج ۲، ص ۶۳۹.

۳. همان، ص ۶۳۹.

۴. ميزان الحكمه؛ ح ۲۲۴.

بعضی افراد را در جامعه می‌بینیم که اصلاً فکر نمی‌کنند برای چه هدفی زندگی می‌کنند و در فکر زیبا زندگی کردن و سالم‌زیستن نیستند و همواره در صدد اذیت و آزار دیگران‌اند. چنین انسان‌هایی هرگز ویژگی دوست خوب را ندارند. در حدیثی از حضرت علی علیه السلام آمده: «مصاحبت و همنشینی با اشرار، موجب پیدایش شر می‌گردد»؛<sup>۱</sup> پس معلوم شد کارکرد دوستی با اشرار، ایجاد شر است و این نکته هم نباید مورد غفلت قرار گیرد که افراد شرور، غالباً با ظاهری آرام و جذاب با انسان برخورد می‌کنند و مدعی مرام و معرفت و... نیز هستند؛ بنابراین باید مراقب دوستی با چنین افرادی بود.

#### ۳. حسود:

از دوستی با افراد حسود باید اجتناب کرد؛ زیرا انسان‌های حسود به دنبال این هستند که افراد و دوستان خود را از پیشرفت باز دارند و چنین افرادی هرگز خیر و خوبی را برای دوستان خود نمی‌خواهند؛ بلکه به دنبال از بین بردن خوبی‌ها و یا جلوگیری از پیشرفت دوستان خود هستند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «حسود، دوستی‌اش را در سخنانش ظاهر می‌کند و کینه‌اش در اعمالش را مخفی می‌سازد؛ پس او به نام، دوست و به صفت، دشمن است».<sup>۲</sup> از این کلام زیبا فهمیده می‌شود دوست واقعی، بین گفتار و کردار و نیتش هیچ تناقضی مشاهده نمی‌شود؛ بلکه کردارش با گفتار وی موافق است و هرگز اهل نفاق نیست و هیچ‌گاه در خیرخواهی برای دیگران، تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

#### ۴. خیانت‌کننده، ستمگر و سخن‌چین است:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از سه گروه مردم بر حذر باش: خیانت‌کننده، ستمگر و سخن‌چین».<sup>۳</sup>

از دیدگاه امام صادق علیه السلام این سه گروه اصلاً ادبیات دوستی و صمیمیت را نمی‌شناسند؛ زیرا آدم خیانت‌کار، اهل وفا نیست و دوستش را در موقعی که نیاز به او دارد، تنها می‌گذارد. ستمگر هم معنای دوستی را درک نکرده و به جای محبت واقعی، همواره به دنبال ظلم و چپاول و بهره‌کشی است. سخن‌چین هم چون صحبت‌ها و گفتگوهای دیگران را اینجا و آنجا بازگو می‌کند، از این کارش می‌فهمیم که سخنان و گفتگوهای ما بین او و دوستش را نیز برای دیگران خواهد گفت و ابداً رازدار و امانت‌دار نیست و زیان دوستی با او، بیش از سود است.

۱. همان؛ ح ۲۵۲

۲. همان؛ ح ۳۹۱۶

۳. همان؛ ح ۱۰۲۶۲

#### ۵. افراد پست و کماعتبار در جامعه:

امام صادق علیه السلام یکی از ویژگی‌های دوست بد را این چنین بیان می‌کند: «از همراهی با فرد پست و فرومایه بر حذر باش؛ چرا که همراهی با او، تو را به راه خیر نمی‌کشاند».<sup>۱</sup> افراد فرومایه و پست پایبند به مسائل اخلاقی و انسانی نیستند و به هر کاری - حتی اگر گوهر انسانی‌شان را خوار سازد - تن می‌دهند. در نتیجه کسانی که با آنها همنشین باشند، هرگز به خوبی‌ها گرایش پیدا نمی‌کنند؛ چون خود شخص فرومایه به دنبال نیکی‌ها نیست و تنها به گذراندن زندگی و خوشی‌های گدرا و منافع آنی فکر می‌کند. چنین افرادی نه تنها اعتباری در جامعه ندارند، بلکه از نظر شخصیت فردی نیز خودکم‌بین و فاقد اعتماد به نفس هستند که از دیدگاه اسلام از همنشینی با آنها باید پرهیز شود.

#### ۶. بازدارنده از خوبی‌ها و سوق‌دهنده به زشتی‌ها:

دوستان بد همواره در مسیری قرار دارند که مانع خوبی‌ها و نیکی‌ها می‌شوند و سعی آنها برای انجام‌دادن کارهای زشت و نابهنجار و یا حداقل بیهوده و بد فرجام است. این قسمتی از صفات دوستان بد است؛ بنابراین می‌توان صفات مقابل آن را از جمله صفات خوب و معیارهای دوست خوب دانست؛ اما نکته‌ای که باید متذکر بشویم این است که در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «تنها یی، بهتر از همنشین بد است».<sup>۲</sup> دوست بد آنقدر بر کالبد، شخصیت و روح انسان تأثیر می‌گذارد که پیامبر فرمودند: «تنها باش؛ ولی دوست بد نداشته باش».

#### ۷. تابع و پیرو هوای نفس:

امام جواد علیه السلام فرمودند: «قد عادک من ستر عنک الرشد اتیاعاً لما تهواه»<sup>۳</sup> هر کس بر اساس پیروی از هوای نفسیت رشد را از تو پنهان می‌سازد، قطعاً با تو دشمنی کرده است. آری دوست مهربان، صدیق و دلسوز هر انسان، آن است که او را امر به معروف و رشد و نهی از منکر و فساد کند و تابع هوای نفس وی نباشد. دوستی که محور رفتار و گفتارش "هوای نفس" است و بر اساس آن ارتباطات خود را تنظیم می‌کند، در واقع دشمن است؛ زیرا او با پنهان‌سازی راه و رسم رشد، سرانجام انسان را از رشد، کمال و سعادت باز می‌دارد و محروم می‌کند. در حدیث دیگر نیز امام جواد علیه السلام یک اثر اطاعت از هوای

۱. همان؛ ح ۱۰۲۷۵

۲. همان؛ ح ۱۰۲۲۵

۳. بحار الانوار؛ ج ۷۸، ص ۳۶۴

نفس را "دشمن شادی" شمرده و فرمودند: «من اطاع هواه اعطی عدوه مناه»!<sup>۱</sup> هر کس از هوای نفسش اطاعت و فرمانبرداری کند، آرزوهای دشمنش را برآورده است و دشمن خود را کامراوا خواهد کرد.

#### ب) عملیات منفی از طرف دوست بد:

##### ۱. از نظر عقاید و تفکرات:

این بخش دوستانی را در برمی‌گیرد که عقلانیت را از خود دور کرده و به اقتضای دوستان ناباب دیگرش نگاهی عقیدتی سطحی و غلطی را در ذهن خود و پیش روی زندگی خودش قرار می‌دهد و شیطان به همین وسیله بر او پیروز شده و در به انحراف‌کشاندن ما از وی مدد می‌جوید. دوستی با چنین افراد تفکرات ما را نیز سطحی و رشد نیافته بار خواهد آورد.

##### ۲. از نظر خلق و خو و منش و آداب اجتماعی :

وجود غرایز در جوان و نشاط و توان زیاد وی از یک طرف و ارضا نشدن به موقع و صحیح آن غرایز از سویی، سبب می‌شود یک عده دوستان ناباب به میدان بیایند تا جوان را از نظر اخلاقی به سمت و سوی مطلوب خود ببرند؛ بنابراین اولین راه برای حفظ خود این است که از دوستی با چنین افرادی پرهیز کنیم و پیوسته به چارچوب‌های قانونی، اخلاقی، علمی و عقلانی در ارضای غرایز، توجه و پایبندی داشته باشیم. تقویت اراده و ایمان، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و عبادات‌های جمعی، کار، ورزش، هنر، و ازدواج، جوان را از افتادن به ورطه چنان دوستی‌هایی برکنار نگه می‌دارد.

##### ۳. تنبی، بی‌هویتی، شخصیت‌زدگی :

یکی از آسیب‌های عمدۀ‌ای که جوانان را تهدید می‌کند، خودباختگی یا احساس بی‌هویتی است. جوانان خودباخته دیگر به فرهنگ و تمدن اصیل خود توجهی ندارند و همه چیز را در فرهنگ‌های وارداتی می‌بینند. سرمایه‌داری جهانی برای رسیدن به این هدف و جذب نخبگان و تصرف بازارهای جهان سوم، دائمًا این فکر را تزریق می‌کند که جوانان برای پیشرفت خود باید به مظاهر غربی رو بیاورند. جوان آزاد اندیش برای حفظ باور و هویت خود، باید به توانایی خود ایمان داشته باشد و بداند که در سایه کوشش خود و با بهره‌گیری از سرمایه‌های علمی - فرهنگی جامعه خویش با الگوگیری از پیشوایان خویش، خیلی بهتر می‌توانند در جهان پرآشوب کنونی، به ساحل آرامش،

۱. همان.

پیشرفت و خوشبختی دست یابد.

### همنشینان پاک و ناپاک:

#### الف) عاقبت دوستان مؤمن و دوستان بد:

قرآن کریم احوال دوستان بد و خوب را در روز قیامت چنین توصیف می‌کند:  
 «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»؛<sup>۱</sup> دوستان در این روز دشمن همدیگراند؛  
 مگر پرهیزگاران.

این آیه نشان می‌دهد که دوستان بد، هر قدر هم در دنیا دوستی‌شان عمیق باشد، در روز قیامت دشمنان یکدیگر می‌شوند و دوستان خوب هر قدر در دوستی‌شان ضعیف باشند، در روز قیامت هم دوستان همدیگر می‌باشند؛ اما دلیل دشمنی‌ها در این است که دوستان بد پس از دیدن صحنه‌های وحشتناک روز قیامت و رؤیت جهنم و بهشت، از اعمال بد خویش به سختی پشیمان می‌شوند و چون راه بازگشته هم در کار نیست، بر طبق عادت همیشگی تمام خطاکاران، تقصیر گمراهی خویشن را بر گردان دوستان خود می‌اندازند و آنان را مقصراً قلمداد می‌کنند و بدین‌گونه دوستی‌ها به دشمنی تبدیل می‌شود.

نکات آیه:<sup>۲</sup>

- وضع کسانی که بر اساس غیر تقوا دوستانی انتخاب کرده‌اند، در قیامت چنین است:
- ۱. پشیمانی و حسرت که چرا با او دوست شدم: «يَوْيَتَى لَيْتَنِى لَمْ أَتَّخُذْ فُلَانًا خَلِيلًا»؛<sup>۳</sup>
- وای بر من! ای کاش فلانی را دوست خود بر نمی‌گریدم.
- ۲. دوستان هیچ نقشی برای کمک به یکدیگر ندارند: «وَلَا يَسْتَلِحُ حَمِيمًا»؛<sup>۴</sup>
- ۳. دوستان، دشمن یکدیگر می‌شوند: «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌ»؛ (آیه مورد بحث).

- ۴. به یکدیگر لعنت خواهند کرد: «كُلَّمَا دَخَلْتُ أَمَّةً لَعَنْتُ أُخْتَهَا»؛<sup>۵</sup>
- ۵. از یکدیگر فرار می‌کنند: «يَفْرُّ الْمَرءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ»؛<sup>۶</sup>
- ۶. گناهان خود را به گردن یکدیگر می‌اندازند: «لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَا مُؤْمِنِينَ»؛<sup>۷</sup>

---

۱. زخرف: .۶۷  
 ۲. تفسیر نور؛ ذیل آیه.  
 ۳. فرقان: .۲۸  
 ۴. معارج: .۱۰  
 ۵. اعراف: .۲۸  
 ۶. عبس: .۳۶ - .۳۴  
 ۷. سباء: .۳۱

۷. از یکدیگر برایت دارند: «يَا لَيْلَتَ يَبْنِي وَيَبْنِكَ بُعْدَ الْمَسْرِقَيْنِ».<sup>۱</sup>

### ب) مؤمنان دوستان بد را سرزنش می‌کنند:

قرآن کریم حکایتی عبرت‌آموز از اهل بهشت بدین ترتیب نقل می‌کند: در حالی که بهشتیان غرق در نعمت‌های بهشتی هستند، یکی از آنان به یاد یکی از دوستان بد خویش می‌افتد و احوال او را از دوستان بهشتی خود می‌پرسد و ناگهان او را در قعر جهنم می‌بیند و شروع به سرزنش او می‌کند:

«فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ \* يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمَنَ الْمُصَدِّقِينَ \* أَإِذَا مَتْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عَظَامًا أَ إِنَّا لَمَدِينُونَ \* قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَلَّعُونَ فَأَطْلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ \* قَالَ تَالَهُ إِنْ كِدْتَ لَتَرْدِينِ \* وَ لَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ»<sup>۲</sup>.

بعضی [از بهشتیان] رو به بعضی دیگر کرده، می‌پرسند. یکی از آنها می‌گوید: من همنشینی داشتم که همیشه می‌گفت: آیا به راستی تو از تصدیق‌کنندگان هستی [و این سخن را باور کرده ای] که وقتی ما مردیم و به خاک و استخوان تبدیل شدیم، [زنده شده و] جزا داده می‌شویم! سپس می‌پرسد: آیا [از او] اطلاعی دارید؟ ناگهان از احوال او آگاه می‌شود و او را در وسط جهنم می‌بیند. می‌گوید: به خدا سوگند! نزدیک بود مرا به هلاکت بکشانی و اگر نعمت پروردگارم نبود، من نیز از احضار شدگان [در دوزخ] بودم.

**دوست‌شدن با شیطان!**

### پیشنهادات دوستانه شیطان:

۱. توصیه می‌کند به غیبت که غذای سگ‌های جهنم است و گوشت تن برادر مرد.
۲. توصیه می‌کند به دروغ که کلید همه بدی‌ها و زشتی‌هast.
۳. توصیه می‌کند به چشم‌چرانی و تماسای فیلم‌ها، سی‌دی‌ها، وب‌ها و سایت‌های غیراخلاقی که باعث آشتفتگی روانی، افسردگی، بی‌حیایی و پاشیدن بنیان خانواده‌ها می‌شود.
۴. توصیه می‌کند به بدحجابی و حتی بی‌حجابی، برای کسانی که دوست دارند لگد به بخت خودشان بزنند و شبیه عروسک باشند؛ بهویژه عروسک خیمه‌شب‌بازی.
۵. توصیه می‌کند به رابطه نامشروع داشتن با نامحرم و عشق‌ورزیدن به او؛ این عمل برای فراموش‌کردن خدا و رفتن مهر او از دل بسیار نافع است.

۱. زخرف: .۳۸  
۲. صفات: .۵۶ - ۵۱

۶. توصیه می‌کند به تنبی، کاهلی و سستی؛ به دلیل اینکه باعث زیان و خسaran در دنیا و آخرت می‌شود.

۷. توصیه می‌کند به روزه‌نگرفتن؛ چون صبری است مستحکم در برابر عذاب الهی.

۸. توصیه می‌کند به دیر خواهیدن‌های شب و پرخوری به ویژه در شب؛ این کار برای شیطان چند فایده دارد؛ از جمله:

\* دیر بیدارشدن؛

\* قضاشدن نماز صبح؛

\* خوب‌نخوابیدن؛

\* غفلت از نماز شب.

۹. توصیه می‌کند به سر وقت نماز نخواندن، هر چند نخواندن افضل است. این کار را منفعت‌های بی‌شمار است که قلم از نوشتن و زبان از گفتن آن عاجز است.

۱۰. توصیه می‌کند به پس اندازکردن اموال و املاک منقول و غیر منقول و نپرداختن خمس، زکات و صدقه به فقرا و نیازمندان که سبب شادبودن در زندگی در لحظه مرگ و پس از آن (روز قیامت) می‌شود.

۱۱. توصیه می‌کند به شرکت‌نکردن در مجالس عزای حسینی؛ چون ضامن بقا و تداوم راه شهداء، اسلام و انقلاب و از همه مهم‌تر استقلال شما است.

۱۲. توصیه می‌کند به نخواندن قرآن؛ چون:

اولاً: راه مبارزه با من را به شما یاد می‌دهد؛

ثانیاً: زنگار غفلت را از دلتان می‌زداید؛ بهویژه غفلت از مرگ، معاد و قیامت را. در پایان اکیداً توصیه می‌کند توصیه‌های من را جدی بگیرید و اگر تاکنون توفیق عمل را پیدا ننموده‌اید، بشتابید؛ زیرا با خبران گفته‌اند: خواهی نشوی رسوا، همنگ جماعت شو.

### ضرب المثل‌ها و کلام دانشمندان درباره «دوست»:

۱. دشمنان در زندان با هم دوست شوند.

۲. دشمن دانا بلندت می‌کند \* بر زمینت می‌زند نادان دوست!

۳. دوستی با مردم دانا نکوست.

۴. دوست آن است که بگریاند. دشمن آن است که بخنداند!

۵. دوست همه کس، دوست هیچ کس نیست!

۶. دوستی دوستی از سرت می‌کنند پوستی؟!

۷. از دشمنان دوست، حذر گر کنی رواست.  
 ۸. اگر خواهی راز تو دشمن نداند، با دوست مگوی.  
 ۹. چون دوست، دشمن است، شکایت کجا برم.  
 ۱۰. دشمن دانا به از نادان دوست.  
 ۱۱. دشمنان سه فرقه‌اند: دشمن و دشمنِ دوست و دوستِ دشمن!  
 ۱۲. دوست آن به که بی وفا نبود.  
 ۱۳. دوستان وفادار بهتر از خویشند.  
 ۱۴. دوست ما را و همه نعمت فردوس، شما را.  
 ۱۵. دوستیِ جاهل، به دوستیِ خرس می‌ماند!  
 ۱۶ «دشمن چون از هر حیلتی باز ماند، سلسله دوستی بجنباند تا به دوستی کارها کند  
 که در دشمنی نتواند» سعدی.  
 ۱۷. «دوست و مگس هر دو در تابستان ظاهر می‌شوند» ضربالمثل آلمانی.  
 ۱۸. «دوست همه کس، دوست هیچ کس نیست» ارسسطو.  
 ۱۹. «صفات هر کس مربوط به محسنات و نقایص اخلاقی دوستان اوست» کارل لایل.  
 ۲۰. «وقتی از اخلاق یک فرد سر در نمی‌آوری، به دوستانش نگاه کن!» ضربالمثل ژاپنی.  
 ۲۱. «تو اول بگو با کیان دوستی \* پس آنگه بگوییم که تو کیستی» ضربالمثل فارسی.  
 ۲۲. «با شجاعان عالم و درندگان بیابان رو برو شدم؛ ولی هیچ کدام مانند همتشین بد بر  
 من غالب نشدند» بوذر جمههر.

#### اشعار:

که اگر بد کنم، نکو گوید  
 همچو آینه رو برو گوید  
 پشت سر رفته موبه مو گوید

۱. ای غزالی گرینم از یاری  
 مخلص آن شوم که عیبم را  
 نه که چون شانه با هزار زبان

در پریشان حائی و در ماندگی (سعدی)  
 همچو آینه رو برو گوید  
 در قفار فته موبه مو گوید (دهلوی).  
 مگساند دور شیرینی (سعدی).  
 بهتر از دوست که نادان بود (نظمی).

۲. دوست آن دانم که گیر دوست دوست  
 ۳. دوست آن است کو معایب دوست  
 نه که چون شانه با هزار زبان  
 ۴. این دغل دوستان که می‌بینی  
 ۵. دشمن دانا که غم جان بود

### داستان‌هایی زیبا در تأثیر همنشین بد:

#### ۱. دشمن دوست نما:

پدر و مادرم مرا به قول دوستانم «پاستوریزه» بار آورده بودند و وابستگی شدیدی نسبت به خانواده‌ام داشتم. برای ادامه تحصیل مجبور شدم به دانشگاهی در یکی از استان‌های هم‌جوار بروم.

پس از گذشت چند ماه با دختری جوان از خانواده‌ای ثروتمند آشنا شدم. او که همکلاسی ام بود با محبت‌های خودش، غم تنهایی را در وجودم از بین برد. علاقه من به این دختر روز به روز بیشتر شد و اوایل ترم دوم تحصیلی از پدر و مادرم خواستم به خواستگاری اش بروند؛ اما خانواده‌ام با انجام تحقیقات اولیه، مخالفت خود را اعلام کردند و گفتند: این دختر به درد تو نمی‌خورد ولی من به ارتباط مخفیانه خود با این دخترخانم ادامه دادم. او که می‌گفت قصد کمک دارد، پیشنهاد داد با عنوان نماینده توزیع و فروش کالاهای شرکت برادرش در مشهد فعالیت کنم. دختر مورد علاقه‌ام با این ترفند هفته‌ای یک بار چند کارت‌ن کوچک را از طریق اتوبوس مسافربری می‌فرستاد. من نیز به پایانه مسافربری می‌رفتم و کارت‌ن‌ها را تحویل می‌گرفتم و به نشانی موردنظر که فروشگاهی در یک مجتمع تجاری بود، تحویل می‌دادم. امروز که آمده بودم بسته‌ها را تحویل بگیرم پلیس دستگیرم کرد و از داخل کارت‌ن‌های مارک‌دار قطعات رایانه‌ای بسته‌های کریستال کشف شد. من به عنوان عضو باند قاچاق دستگیر شده‌ام و نمی‌دانم چه خاکی بر سرم بریزم.<sup>۱</sup>

#### ۲. داستان تأسف بار عقبه‌بن‌ابی معیط:

در عصر پیامبر اسلام ﷺ در میان مشرکان، دو نفر با هم دوست بودند. نام این دو نفر عقبه و آبی بود. عقبه آدمی سخی و بلندنظر بود. هر زمان از مسافرت برمی‌گشت، سفره مفصلی ترتیب می‌داد و دوستان و بستگان را به میهمانی دعوت می‌کرد و در عین آنکه در صف مشرکان بود، دوست می‌داشت که پیامبر اسلام را نیز مهمان خود کند. در مراجعت یکی از مسافرت‌ها، سفره گسترده‌ای را ترتیب داد و جمعی از جمله پیامبر ﷺ را دعوت کرد. دعوت شدگان به خانه او آمدند و کنار سفره غذا نشستند. پیامبر نیز وارد شد و کنار سفره نشست؛ ولی از غذا نخورد و به عقبه فرمود: «من از غذای تو نمی‌خورم، مگر اینکه به یکتایی خداوند رسالت من گواهی دهی».

عقبه به یکتایی خدا و رسالت پیامبر گواهی داد و به این ترتیب قبول اسلام کرد. این

۱. ویلاگ «داستان‌های واقعی و عبرت انگیز» گرفته شده از قسمت حوادث روزنامه صحیح خراسان.

خبر به گوش دوست عقبه؛ یعنی «أُبی» رسید. او نزد عقبه آمد و به وی اعتراض شدید کرد و حتی گفت: تو از جاده حق منحرف شده‌ای. عقبه گفت: من منحرف نشدم؛ ولی مردی بر من وارد شد و حاضر نبود از غذایم بخورد، جز اینکه به یکتایی خدا و رسالت او گواهی بدھم. من از این شرم داشتم که او سر سفره من بنشینند؛ ولی غذانخورده برجیزد. أُبی گفت: من از تو خشنود نمی‌شوم، مگر اینکه در برابر محمد (صلی الله علیه وآلہ وسلم) بایستی و به او توهین کنی... عقبه فریب دوست ناباب خود را خورد و از اسلام خارج شد و مرتضی شد و در جنگ بدر در صفت کافران شرکت کرد و در همان جنگ به هلاکت رسید. دوست ناباب او «أُبی» نیز در سال بعد در جنگ احمد در صفت کافران بود و به دست رزم‌آوران اسلام کشته شد. آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره فرقان در مورد این جریان نازل شد و وضع بد عقبه را در روز قیامت که بر اثر همنشینی با دوست بد، آنچنان منحرف شد، منعکس نمود و به همه مسلمانان هشدار داد تا مراقب باشند و افراد منحرف را به دوستی نگیرند که در آیه ۲۸ سوره فرقان، چنین آمده که در روز قیامت می‌گوید: «یا ویلتی لیتنی لم اتخاذ فلانا خلیلا»<sup>۱</sup>: ای وای بر من! کاشه فلان شخص گمراه را به دوستی خود انتخاب نکرده بودم.

### ۳. طعم تنهایی:

پدر و مادرم عاشق پول هستند و تمام وقت خود را صرف کار بیرون از خانه می‌کنند تا پول بیشتری دریاورند.

من یک سال قبل با دختر خاله یکی از همکلاسی‌هایم آشنا شدم و چون خیلی تنها بودم، دوستی ما زودتر از آن چیزی که فکرش را بکنید، عاطفی و صمیمانه شد. «ژیلا» دختر خوش سر و زبانی بود و با شیرین‌کاری‌هایی که داشت، جای خالی پدر و مادرم را در خانه پر کرد. او هر روز به دیدنم می‌آمد و ما با هم حرف می‌زدیم و درد دل می‌کردیم. ژیلا یک روز پسر مورد علاقه‌اش را نیز به خانه ما آورد و دیدار با این پسر جوان باعث شد تا به وسیله او با کیوان که یکی از دوستان آن پسر بود، آشنا شو姆.

دختر جوان در مرکز مشاوره پلیس خراسان رضوی افروز: متأسفانه من تحت تأثیر حروفهای «ژیلا» و دوست پسرش با کیوان ارتباط برقرار کردم و متأسفانه در اثر این ارتباط شوم، پسری که ادعا می‌کرد خیلی دوستم دارد و رابطه ما باید در حد یک ملاقات و خیلی رسمی باشد، مرا اغفال کرد و مورد سوء استفاده قرار داد. کیوان پس از آنکه به خواسته‌های پلید خود رسید، با تسلی به زور و تهدید وادارم کرد تا با دو پسر دیگر نیز

<sup>۱</sup>. مجمع‌البيانات؛ ج ۷، ص ۱۶۶ و داستان دوستان؛ ج ۱.

ارتبط برقرار کنم و ... او حتی چندین بار تهدیدم کرد که اگر به او پول و طلا ندهم، آبرویم را خواهد برد و به همین راحتی مرا روانی کرده است. من در این مدت نتوانسته‌ام به پدر و مادرم چیزی بگویم و درد دل کنم و تصمیم گرفتم مشکلم را از طریق قانونی پیگیری کنم. ای کاش با والدینم دوست بودم و همدیگر را درک می‌کردیم. من از تمام پدران و مادران خواهش می‌کنم با فرزندان خود دوست و رفیق باشند و در کنار نیازهای مالی آنها، به خواسته‌ها و نیازهای روحی و عاطفی آنها نیز توجه داشته باشند. همچنین از دختران جوانی که این ماجرا را خوانده‌اند، نیز می‌خواهم حواس خود را جمع کنند؛ چون حرف‌هایی که دخترها و پسرها در زمان برقراری ارتباط در روزهای اول به همدیگر می‌زنند خیلی رویایی و قشنگ است؛ اما روز آخر با گریه، اندوه و تأسف همراه خواهد بود و بی رو دربایستی بگویم به قول معروف کسی که خربزه می‌خورد، باید پای لرز آن هم بنشیند.

#### پیام‌ها:

۱. در زندگی روزمره، افراد مختلف با عقاید متفاوتی را مواجه می‌شویم که با اندک تفاهمی آنها را دوست و مشاور انتخاب کرده و بدون کوچکترین تحقیقی برای ما حجت حساب می‌شوند. در صورتی که برخی متنخیین ممکن است شیطانی تمام عیار باشند که اجیر شیطان شده و در مسیر منحرف کردن ما از راه مستقیم هدایت به وی مدد می‌رسانند.
۲. گاهی اوقات در جمع دوستان نباب و گمراه که آنها را دوستان صمیمی و خاطرخواه خود می‌بینیم، در حال انجام گناه و معصیت، شیطان را آنقدر لعن می‌کنیم که گویی شیطان به تنهایی ما را در مسیر گناه قرار داده است. در صورتی که شیطان حاضر که همان دوست به ظاهر خاطرخواه ماست، را از خود دور نمی‌کنیم.
۳. خطر شیاطین انسی در جایی بالا می‌گیرد که انسان ویژگی‌های اصلی همنشین نیک را از نظر اسلام نداند و فصل تمایز همنشینان خوب و بد را آنطور که اسلام به ما آموزش داده است، پیگیری و مطالعه ننماید؛ بنابراین به اشتباہ افتاده و هر راهزنشی را رفیق شفیق و مونسی نیک سیرت می‌یابد.
۴. اینکه انسان کسی را دوست انتخاب می‌کند دلیل بر این نمی‌شود که تمام اعمال، کردار و گفتار(عقاید و نظریات) وی را باید تأیید نماید؛ بنابراین باید توجه داشت گاهی اوقات لازم می‌شود حتی دوست را خطرناکترین دشمن قلمداد نمود و از وی جدا شد؛ همان‌طور که طبق آیات قرآن کریم در روز قیامت همین مطلب اتفاق خواهد افتاد.
۵. سعی کنیم دوستی انتخاب کنیم که پیرو هوای نفس ما نباشد؛ بلکه گاهی اوقات

در مسیر رفاقت ما را امر به معروف و نهی از منکر نیز بنماید تا از مسیر مستقیم هدایت خارج نشویم.

۶. دوستان عزیز مراقب باشیم در ازدواج، همسر ما قبل از هر چیز دوست و همنشین ماست که در عاقبت به خیری یا عاقبت به شری ما تأثیر به سزاگی دارد. بنابراین لازم است دقتهای لازم در انتخاب این دوست بسیار مهم را بنماییم تا خدای نکرده از نیروهای انسی شیطان نبوده باشد تا ما را بفریبد.

#### سؤالات:

۱. در صورت قطع رابطه کردن با چهار گروه از خویشان معاند، خداوند چهار لطف به ما عطا می‌فرماید. آنها را نام ببرید.
۲. با توجه به روایات تنها ی بهتر از همنشین بد است. چرا؟
۳. از نظر امام علی علیهم السلام همنشین بد چه کسی می‌باشد؟
۴. با توجه به آیات قرآنی آیا امکان دارد دوستان، دشمن یکدیگر شوند یا خیر؟
۵. از نظر امام صادق علیه السلام محبوب‌ترین دوست چه کسی می‌باشد؟

#### معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. همنشینی و کجری؛ محمود داوری، محمد ابوترابی و علی سلیمانی؛ ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۲. آئین مهریانی: دایره المعارف دوستیابی(براساس ۱۴۰۰ سند از قرآن و حدیث)؛ سیدعلی روحبحش؛ ناشر: فائز، ۱۳۸۶.
۳. آئین دوستیابی از دیدگاه امام علی علیهم السلام؛ محمدعلی علاقه مند تبریزی؛ ناشر: جلیل، ۱۳۸۲.
۴. دوستی در کلام امیرmomنان علی علیهم السلام؛ جعفر شیخ الاسلامی؛ ناشر: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۵. شناخت دوست، پیرامون دوست یابی؛ عباس خدایی؛ ناشر: قدس، ۱۳۸۲.
۶. معاشرت؛ حسین انصاریان؛ دارالعرفان ، ۱۳۸۴.

## سلوک شیطان

### آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این دروس بداند:

۱. آشنایی با معنای لغوی و اصطلاحی سلوک؛
۲. شناخت فرقه‌ها و گروه‌هایی که سلوک شیطانی را برای زندگی خود برگزیده‌اند؛
۳. آشنایی با فرقه ضاله شیطان‌پرستی، فرقه‌ای فعال در کشور؛
۴. بررسی آثار و پیامدهای گسترش فرقه شیطان‌پرستی در جوامع؛
۵. شناخت فرقه شیطان‌پرستی در جایگاه از بین برنده امنیت ملی و اجتماعی کشور؛
۶. آشنایی مختصر با عرفان‌های کاذب؛ اعم از برخی فرق صوفیه و عرفان‌های نوظهور؛
۷. آشنایی اجمالی با عرفان اسلامی و نمونه‌های آن؛
۸. داستان‌هایی جذاب درباره سلوک شیطانی.

### مقدمه:

تا به حال شاید از خود پرسیده باشیم آیا می‌شود با شیطان در زیر یک سقف به راحتی زندگی کرد و دچار مشکل نشد؟ آیا کسانی در دنیا وجود دارند که شیفته و مفتون این شیاد تمام عیار گردند؟ آری در درس حاضر بر آئیم تا انواع راه‌های شیطانی شدن و تسلط این موجود متمرد و همچنین زمینه‌های گرایش به شیطان را در حد اختصار توضیح دهیم تا آشنایی اجمالی با مریدان و چاکران شیطان در دنیای اطراف خود را کسب نماییم.

## تعريف سلوک

### ۱. تعريف لغوی:

سلوک: راه رفتن، راه سپردن، پای سپر کردن جای را.<sup>۱</sup>

سلوک کردن: سفر کردن، مدارکردن، پیروی نمودن رسم و عادت کسی را. (ناظم الاطباء).

۱. در پیش گرفتن راهی؛ ۲. روش و رفتار؛ ۳. طی مدارج توسط سالک به مقام وصل و فنا.<sup>۲</sup>

### ۲. تعريف اصطلاحی

#### الف) اصطلاح عرفان:

سلوک طی مدارج خاص را گویند که همواره سالک باید طی کرده تا به مقام وصل و فنا برسد که از جمله مدارج توبت، مجاهدت، خلوت، عزلت، ورع، زهد، وصمت، خوف و رجا، حزن، جوع، ترک شهوت، خشوع و تواضع است. نیکروی کردن در امور.

#### ب) اصطلاح تصوف:

طلب تقرب حق تعالی.

### فرقه‌های شیطانی موجود:

در حال حاضر در تمام دنیا فرقه‌های انحرافی متعددی وجود دارد که با شتاب و سرعت زیادی و قارچ‌گونه در حال رشد و تکثیر می‌باشند و مردم ناآگاه زیادی را با انواع فریب‌ها و حیله‌ها به چنگ کشیده و در دام عقاید خرافی و باطل خویش غوطه‌ور می‌نمایند. وقت آن رسیده از خود بپرسیم آیا انسانی که در زمین مقام خلیفه‌الله‌ی را داراست و أشرف مخلوقات خداوند لقب گرفته است، آنقدر حقیر شده که هر بی‌سرپایی با سر هم کردن یک عقیده شخصی شیطانی و جمع‌آوری یارانی شیطان صفت و نوکرانی بی‌هویت، این‌گونه انسانیت انسان را به سخوه بگیرد و تمام خلقت انسان را منحصر در شهوت و غریزه‌های حیوانی اش معرفی نماید؟

برای آگاهی اجمالی نسل جوان در ذیل تعدادی از این فرق انحرافی را به طور نمونه معرفی نموده و عقاید و فعالیت‌های اشتراکی این فرقه‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

### فرقه‌های شیطان‌پرستی:

در سال‌های اخیر فرقه‌های متعدد شیطان‌پرستان در ایران فعال شده‌اند که هر چند ماه یک بار خبری در مورد بازداشت گروهی از آنان منتشر می‌شود؛ ولی این به معنای

۱. لغتنامه دهخدا؛ ذیل لغات سلوک، سلوک کردن.

۲. لغتنامه معین؛ ذیل لغت سلوک.

پایان ماجراهی شیطان‌پرستی در ایران نیست. تحقیقات نشان می‌دهد اکنون بیش از ۷۰ فرقه شیطان‌پرستی در کشور فعال هستند که با سرعت زیادی در حال رشد می‌باشند. برخی از آنها مانند یزیدیه در غرب کشور، طبیعت و کوهستان را مأواه خود می‌دانند؛ ولی بسیاری دیگر از گروههای شیطان‌پرست، از پارتی‌های موسیقی راک برای محفل پوششی خود بهره می‌گیرند. بیشتر محفل‌های شیطان‌پرستی ایران نیز در تعامل و ارتباط با گروههای خارجی هستند و حتی برخی گردھمایی‌های زیرزمینی آنها، به وسیلهٔ سیستم ویدئوکنفرانس و با اتکا به خطوط اینترنت پر سرعت، به محفل‌های شیطانی خارج کشور گزارش می‌شود.

#### تفکرات و عقاید شیطان‌پرستان:

شیطان‌پرستان اعتقادی دارند که شدیداً به آن پاییند هستند. جالب است که آنان خود را تنها گروه متفکر می‌دانند. از میان افکار آنان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ما کسانی هستیم که دانش را به جای جهل پذیرفته‌ایم.
- ما با آگاهی، درخت معرفت را انتخاب کردیم، راهی که شیطان نشان داد!
- ما سبب درخت معرفت را می‌خوریم.
- ما کسانی که حقیقت را پایمال می‌کنند، محاکمه می‌کنیم.
- ما کسانی که چیزی را کورکورانه دنبال می‌کنند، سرزنش می‌کنیم.
- ما مخالف خداگرایی هستیم.
- ما بیرونی کردن گناه را نادرست و دردناک می‌دانیم.
- ما به جای جمع کردن امتیاز همراه با ریاضت، برای رسیدن به دنیایی خوب بعد از مرگ، به شادی خویش و جسم معتقدیم.

این سخن نیچه فیلسوف غربی و از پایه‌گذاران شیطان‌پرستی فلسفی را فراموش نکنیم که در فراسوی نیک و بد چنین گفت: شیطان بیشترین بیشنش را دربارهٔ خدا دارد؛ زیرا او از خدا دور می‌گردد. در حقیقت شیطان قدیمی‌ترین دوست‌دار دانش است.

#### نگاه شیطان‌پرستان به عقاید خودشان:

شیطان‌پرستان اعتقادات خود را بسیار سیاه می‌پندازند؛ اما این سیاهی را دلنشیں می‌دانند. همچنین معتقدند: شیطان‌پرستی در حال ترسیم دنیایی است که هیچ روزنه امیدی برای آن تصویر نمی‌شود؛ به همین دلیل شیطان‌پرستی را جهان تاریک می‌نامند. شیطان‌پرستی حقیقتی را جستجو می‌کند که آن را در این جهان نمی‌توان یافت. در توجیه خودکشی چنین می‌گویند: می‌خواهیم به حقیقت برسیم و حقیقت در این

دنیا به دست نمی‌آید. باز این سیاهنماهی را به گونه‌ای دیگر و به صورت عمومی ارائه می‌دهند. با نگاه به نوع کلام می‌توان تشخیص داد که مؤسس این فرقه و سایر رهبران آن، در چه جامعه و چه موقعیتی زندگی می‌کردند و همچنین می‌توان نتیجه گرفت که در درون آنها چه می‌گذرد.

#### به قسمت دیگری از اعتقادات شیطانپرستی توجه فرمایید:

زندگی در دنیا بر پایه دروغ است و همه باورهای مردم بر پایه همین دروغ شکل گرفته است. همه عادت کرده‌اند دروغ بگویند؛ بنابراین اگر حرف راست هم بزنید، کسی آن را باور نمی‌کند. شیطانپرستی آیینی است که همه چیز را منفی ارائه می‌دهد.

آن‌توان لاوی مکتب خود را این گونه معرفی می‌کند: ما حتی خورشید را مانع از تابش نور می‌پنداریم. ما همه چیز را منفی می‌خواهیم، اگر به باغ سیب برویم، همه سیب‌ها را کال می‌بینیم و اگر به تئاتر برویم، همه بازیگرها را لال می‌پنداریم. شیطانپرستی معجونی است که هر آدم گرفتاری را به وحشی گری و نفرت سوق می‌دهد. کوره راه و مسیری است که به هیچ جا راه نداشته و بنبست است. وی در بیان اعتقادات خود که می‌توان به جرئت گفت آن را از نظریات افرادی مانند نیچه گرفته است، می‌گوید: رسماً اعلام می‌کنم که ما به مقصد نمی‌رسیم. شیطانپرست باید بداند جاده‌ای که در آن قرار دارد پر از خطکشی‌های درهم و برهم است و او باید در یافتن راه خروج تا سر حد جنون و دیوانگی پیش برود و سر انجام مطمئن شود راه بازگشتی وجود ندارد و باید با ما تا آخر مرگ بماند.<sup>۱</sup>

#### انواع شیطانپرستی:

##### ۱. شیطانپرستی فلسفی:

این نوع گرایش عبارت است از اینکه محور و مرکز عالم، انسان است. پایه‌گذاری این فرقه از شیطانپرستی به آنتوان لاوی نسبت داده می‌شود. او کسی بود که کلیساي شیطان را تأسیس کرد (اولین سازمانی که از لغت شیطانپرستی فلسفی استفاده نمود). در نظر شیطانپرستان فلسفی، محور و مرکزیت عالم هستی، خود انسان است و بزرگ‌ترین آرزو و شرط رستگاری این نوع از شیطانپرستان برتری و ترفع ایشان نسبت به دیگران است. شیطانپرستان فلسفی عموماً خدایی برای پرستش قائل نمی‌داند و به زندگی غیر مادی بعد از مرگ نیز عقیده‌ای ندارند. به هر حال زندگی این گروه از شیطانپرستان عاری از

۱. برگفته از سایت شیطانپرستی «www.mysavior.ir»؛ ذیل عقاید و تفکرات شیطانپرستان.

روحیه مذهبی و معنویت نیز نیست.

در نظر شیطان‌پرستان فلسفی، هر شخص خدای خودش است. آنها با تکیه بر عقاید انسانی وابسته به دنیا، مطالب مربوط به فلسفه عقلانی را عبث می‌شمارند و به آنها به دید ترس از مسائل ماوراءالطبیعی می‌نگرند و تنها به وسیله آن، یک زندگی عقیم و تنها بر مبنای "جهان واقعی" را تشکیل می‌دهند. به طور شفاف آموزه‌های شیطان‌پرستان فلسفی قدمتی بیشتر از کلیسا‌ای لاوی دارد. اگر چه این تصوری از شیطان است؛ ولی با موقعیت واقعی او تقابل دارد؛ چرا که این تعالیم از آموزه‌های یهودی- مسیحی نشأت گرفته است و شیطان را به دلیل خصوصیاتش پلید نگاشته است.<sup>۱</sup>

## ۲. شیطان‌پرستی دینی:

این نوع شیطان‌پرستی شبیه شیطان‌پرستی آنتون لاوی است؛ اما با این تفاوت که در این نوع، شیطان نوعی جنبه خدایی و متافیزیکی دارد؛ زیرا آئین‌های خاصی در آن اجرا می‌شود که شبیه اعمال الهی است. ممکن است پیروان این مکتب، به یک خدا یا خدایان متعددی اعتقاد داشته باشند که این خدایان برگرفته شده از خدایان مصر و یونان و بین‌الملل می‌باشند. گاه خدای آنها همان فرشته رانده شده لوسيفر از درگاه خدا می‌باشد که آنها اعتقاد دارند طغیان او در برابر خداوند کاملاً درست بوده است.

برخی از آنها اعتقاد دارند فرشتگان دیگر با بدگویی او نزد خداوند، موجب رانده شدن او شدند. کلاً این گروه به آزادی فکر و عمل و بالا بردن خود به هر وسیله‌ای؛ حتی جادو اعتقاد دارند. این گروه شیطان را عامل آگاهی انسان‌ها می‌دانند و انسان را از پرستش خدایی که مانع آگاهی و پیشرفت انسان‌هاست بر حذر می‌دارند و انسان را برای شناخت مسیر درست، کامل می‌بینند. همچنین خدای مورد پرستش بشر را خدایی ظالم می‌دانند که در طول تاریخ چند بار ظلم‌های بزرگی به انسان‌ها کرده است.<sup>۲</sup>

## ۳. شیطان‌پرستی گوتیک:

این نوع شیطان‌پرستی همان شیطان‌پرستی عصر سلطه کلیسا است. در این نوع شیطان‌پرستی کودک‌خواری، قربانی‌کردن دختران، بُزکشی<sup>۳</sup> و تمام کارها و اعمال ضد کلیسا انجام می‌شود. شیطان‌پرستی نزدیکی زیادی به جادوگری دارد و دنیای آن پر از افسانه‌های گوناگون، شیاطین متعدد و افراد مختلف به ویژه جادوگران است. در دنیای

۱. احسان مقدس؛ «کثر راهه- شیطان؛ تقدی بر انواع و گروه‌های شیطان‌پرستی» (تحقیق دانشجویی)، پاییز ۸۴، دانشگاه علم و صنعت ایران.

۲. برگرفته از سایت شیطان‌پرستی؛ «www.mysavior.ir»؛ ذیل انواع شیطان‌پرستی.

۳. در این مسیحیت و کلیسا «بز» مایه احترام می‌باشد که شیطان‌پرستان برای تمسخر کلیسا این کار را انجام می‌دهند.

امروز هم کشورهای مختلفی دارای کلیساي شیطان هستند؛ مثل آمریکا، انگلیس، آلمان و همچنین چین. برخلاف ادعای شیطانپرستان جدید که بر اساس متون کتاب مقدس شیطانپرستی، بر عدم کودکآزاری و آزار حیوانات پافشاری می‌کنند، وحشتناک‌ترین اعمال توسط آنها تنها برای مقابله با دستورات الهی انجام می‌شود.<sup>۱</sup>

#### ۴. شیطانپرستی آتهایستیک:

آتهایست‌ها منکران خدا هستند. خدایان همان‌قدر قدرت دارند که پیروانشان. هر آتهایستی هیچ خدایی با هر قدرتی را قبول ندارد. خیلی از آتهایست‌ها در افکارشان محافظه‌کاری به خرج می‌دهند و می‌گویند: ما به چیزی که نمی‌بینیم، اعتقاد نداریم و این قاعده شیطان را هم دربرمی‌گیرد. از جمله اعتقادات این گروه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در جهان زمین، چیزی برای هدایت نمی‌خواهیم.
۲. ما ادیان فریب‌کار، متظاهر و ریاکارانه را نمی‌خواهیم.
۳. تنها چیز خوبی که در ادیان یکتاپرست یافت می‌شود، آدم بدھا هستند.
۴. تو تنها کسی هستی که کترل زندگیت را به دست داری. چیزی به اسم خدا زندگیت را بهتر نمی‌کند.<sup>۲</sup>

#### اصول شیطانپرستی:

۱. آته‌ایسم: خدایی در شیطانپرستی وجود ندارد.
۲. دوگانه‌نگری منفی: روح و جسم دیده‌شدنی نیستند و هیچ جنگی بین عالم خیر و شر وجود ندارد.
۳. اتودیسم (خود پرستی): خدایی جز خود انسان وجود ندارد و هر انسانی خود یک خداست.

#### ۴. ماتریالیسم: اعتقاد به اصلاح ماده دارند.

۵. آتشی رلیزن (ضد مذهب): خصومت با مذاهب، به ویژه در مورد مذاهی که اعتقاد به زندگی پس از مرگ دارند.

۶. ویسیروتینیسم (لذت‌گرایی): اعتقاد به استفاده از لذت در حد اعلای آن؛ زیرا تمام بنابراینت، در خوشی دنیایی است و این خوشی‌ها به ویژه بنابراینت جنسی انگیزه لازم را برای کارهای روزانه فراهم می‌کنند و به هر شکلی آنها لازم و ضروری است.

---

۱. پیشین.  
۲. همان.

## پیامدها و آثار شیطان‌پرستی در کشور

### ۱. خانوادگی:

#### تجاوز جنسی:

در جمع شیطان‌پرستان اصولاً تجاوز جنسی یک ارزش و شرط برای ورود و ماندگارشدن در گروه به حساب می‌آید. این تجاوز که عمدتاً با قتل، تجاوز به همجنسان و کودکان نیز همراه است، عنصر اصلی واردکردن خسارت و انتقام‌گیری از فرد متداور جنسی است. تصور شیوع یافتن این ضد فرهنگ ویرانگر نیز می‌تواند مرزهای امنیت اخلاقی را در جامعه درنوردد. تجاوز جنسی از ضد ارزش‌های تبلیغی این گروه‌هاست که دائماً با ساخت نماهنگ، تنظیم آلبوم‌های موسیقی، ترویج فکری و به وسیلهٔ فیلم‌های مبتذل دنبال می‌شود. در واقع شیطان‌گرایان معتقدند تجاوز، تنوع در کسب لذت جنسی است. این امر بقای نظام خانواده را از بین برده و تنها چیزی که از یک زن به جا می‌ماند، ارائه‌شدن کالایی برای شهوت‌رانی است.

#### فشار به خانواده‌ها و گسترش دزدی:

بیشتر جوانانی که به شیطان‌پرستان می‌پیوندند؛ حتی چنانچه از خانواده‌های ثروتمند نیز باشند، از اعضای مطرود خانواده به حساب می‌آیند؛ بنابراین حضور ایشان در جمع گروه اجتماعی می‌تواند زمینهٔ جرایمی همچون سرقت را برای تأمین منابع مالی فراهم آورد که این سرقات‌ها از نوع مسلحانه طبیعتاً تهدیدی برای امنیت اجتماعی به شمار می‌آید.

### ۲. فردی:

#### تزریق شباهات در دین جوانان:

دین و دینداری که مطابق با فطرت انسان‌هاست و از بد و خلقت به شکل‌های مختلف وجود داشته، مورد تهاجم جدی فرقه‌های شیطانی قرار گرفته است که با ایجاد شباهت، ترویج بی‌بند و باری، جایگزین‌کردن مطالب خرافی به جای مطالب ناب دینی، القای خشونت و اخلاق منافي با خلق و خوی دینی و... سعی می‌کنند حقیقت دین و دینداری را از صفحهٔ وجودی جوامع بزدایند. در همین رابطه عده‌ای در غرب با ترویج عقاید مختلف تحت عنوان جنبش‌های دینی، زمینه‌ساز ترویج افکار شیطان‌پرستی شدند. از سال ۱۹۷۰ مؤسسه باشگاه روم، وابسته به مؤسسه روابط انسانی تاویستاک، برنامه‌ای با نام «مرکز پژوهش‌های تراوشتات دینی» زیر نظر توماس بارنی پایه‌گذاری کرد تا

سوپرمارکت معنویت در جهان را هر روز رنگین‌تر و پر کالاتر کنند. در این هرج و مرج، دینی که نفسانی‌تر باشد، بازار بهتری خواهد یافت و شیطان‌پرستی هم به صورت یک دین عرضه می‌شود.

### **منزوی‌شدن جوانان و فرار از خانواده‌ها:**

جوان بعد از عضوشدن در چنین فرقه‌ای به دلیل دست‌درازی کردن به تمام محرمات الهی، کم‌کم چار تغییرات و سرخوردگی‌ها، چندگانگی شخصیت، پوچی و بی‌هویتی می‌شود. به تدریج مجبور می‌شود از خانواده خود به دلیل انجام اعمال خشونت‌آمیز و جنون‌آمیز و حیوانی‌اش نظر برخورد و تماس با بدن نامحرم، رابطه نامشروع جنسی، خون‌خواری، شراب‌خواری، انجام اعمال وحشیانه و... دوری کرده و مدتی را در انزوا بگذراند. این جوان در صورت غرقشدن در شهوات و لذت‌بردن از اعمال شیطانی خودش بر عقیده‌اش اصرار می‌ورزد و به مرور زمان مترود خانواده گشته و فرار از خانواده را ترجیح می‌دهد و به شقاوت خواهد رسید.

### **۳. اجتماعی:**

#### **گسترش جرم‌های باندی و قتل‌های زنجیره‌ای:**

جرائم یا فردی است و یا سازمانی. مصاديق جرائم باندی و یا سازمانی: بمب‌گذاری، اقدام برای ترور، قاچاق مواد مخدر بهویژه مواد مخدر شیمیایی، راهاندازی مراکز فساد و ... می‌باشد که طبق تحقیقات به عمل آمده، شیطان‌پرستان با تمامی جرائم مذکور ارتباط داشته و عمدتاً به وسیله مشارکت در آنها بودجه‌هایی را دریافت می‌نمایند.

#### **فعالیت‌های سازمانیافته:**

قطعاً این گروه‌ها برای رشد فرقه شیطانی خویش و جانداختن هرچه سریع‌تر آن در تفکرات و عقاید مردم، مجبورند به صورت سازمانیافته و سیستمی فعالیت خود را انجام دهند. بنابراین برخی نامنی‌های عمومی برای جوانان و خانواده‌ها در سطح جامعه را توسط این فرقه خطرناک ناظر هستیم.

#### **تشکیل شبکه‌های جاسوسی خطرناک در داخل کشور:**

با توجه به اینکه در چند کشور آنگلو ساکسون، مکان‌های مقدس شیطان‌پرستان با نام‌های کلیسا‌ای شیطان واقع شده است و در همین کشورها نیز بنا بر دلایل سیاسی از گروه‌های ناهنجار اجتماعی و سیاسی مهاجر و مسافر بهره‌برداری جاسوسی می‌شود، لازم

است به صورت ویژه به همکاری‌های جاسوسی عناصر مربوطه توجه داشت.

### رابطه با خارج از کشور:

منظور از این مطلب رابطه این فرقه با ایدئو استکبار از جمله اسرائیل و آمریکا می‌باشد.<sup>۱</sup>

قتل:

قتل یک عامل شیطانی بزرگ به حساب آمده و شیطان‌پرستی که تعداد و کیفیت قتل‌هایش بیشتر باشد، به درگاه شیطان نزدیک‌تر خواهد شد. ناگفته پیداست که این مؤلفه نیز تأثیرات سوء امنیتی را به همراه خواهد داشت. افزایش تعداد قتل در جوامع مختلف یکی از معیارهای بین‌المللی و تعیین‌کننده در خصوص وضعیت امنیتی هر کشور به شمار می‌آید. حال اگر این جرم کلان با یک اندیشه سازماندهی شده و تقدیس‌زا همراه شود و حاشیه‌هایی چون تجاوزات جنسی را نیز با خود همراه سازد، ناگفته پیداست که می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای را در خدشه‌دار نمودن مسئله مهم امنیت به همراه داشته باشد.

۴. دنیوی:

### احساس پوچی‌گرایی:

اینکه هدف از آفرینش را در این دنیا خلاصه کنیم و تمام خلقت انسان را در راستای کام‌جویی و شهوات دنیوی بینیم، ناچاریم در پی آن به پوچی و عبیث‌بودن آفرینش انسان و جهان حکم کنیم. چنین تفکری چون با فطرت انسانی نیز سازگار نیست، انسان را مضطرب و دچار جنون تا سرحد مرگ می‌کند و همیشه انسانی که قرار بوده در زمین اشرف مخلوقات باشد به: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»؛<sup>۲</sup> تبدیل می‌شود و بنابراین دنیا خود را تباخ خواهد کرد.

### به خطرافتادن زندگی دنیوی:

وقتی انسان دست به اعمال شیطانی می‌زند و آن را برای خود یک عقیده می‌داند، باید بداند چنانچه دیگران نیز با وی هم عقیده شوند، در این صورت اولین کسی که ضرر خواهد کرد، خود او می‌باشد؛ زیرا چنانچه دست به قتل و جنایت و فرورفتان در حالات مستی زد، احتمال دارد که خودش در هر زمانی توسط یکی از همین هم عقیده‌هایش کشته شود و زندگی دنیوی‌اش به خطر بیفتد.

### ضررهاي جسمی و امراض:

۱. ر.ک: ره توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۳۹ و ۳۴۳.

۲. اعراف: ۱۷۹.

با اعمال و رسوماتی که این فرقه انجام می‌دهند، بیماری‌های مقاربیتی مانند ایدز و ... را به دنبال دارد.

#### ۵. اخروی:

#### دچار تنگناشدن در زندگی دنیوی و اخروی:

قرآن تأکید می‌کند خداوند در جایگاه آفریدگار انسان، از یک غنای ذاتی برخوردار است و انسان در جایگاه یک آفریده، همواره گرفتار فقر ذاتی است.<sup>۱</sup> از این رو هرگاه به دلیل عواملی این ارتباط خود را در هرجا نشان ندهد، آن بخش با اختلال مواجه خواهد شد. هرچند این اختلال هیچ‌گاه به نیستی و نابودی نخواهد انجامید؛ ولی در زندگی دنیوی و اخروی دچار تنگنا می‌شود.

خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً»<sup>۲</sup> هرکس از یاد خدا و ارتباط با او اعراض کند، در زندگی دچار تنگنا خواهد شد. این تنگنا عبارت از همه مواردی می‌شود که انسان را از حالت تعادل شخصیتی بیرون می‌برد و دچار بحران‌های جسمی و روحی می‌نماید؛ بنابراین تنها با بهره‌گیری از توحید و یاد خداست که بهداشت روانی و تعادل درونی و بیرونی در انسان پذید خواهد آمد.

#### پیروی از شیطان، سبب ورود در جهنم:

از جمله عواملی که سبب ورود به جهنم و دوری از رحمت الهی می‌گردد، تسلیم شیطان‌شدن و زمام امور را به دست او سپردن است:

«قَالَ أَخْرُجْ مِنْهَا مَذُؤُماً مَذْحُوراً لَمْ تَبْعَكِ مِنْهُمْ لَامْلَائَنَ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ».<sup>۳</sup>

هنگامی که شیطان از درگاه خدا رانده شد، خداوند به او خطاب کرد که از آن مقام با ننگ و خواری بیرون رود و سوگند یاد می‌نمود که هرکس از انسان‌ها از تو پیروی کند، جهنم را از تمام آنها پر می‌سازیم. از این آیه استفاده می‌شود که پیروان شیطان، با شیطان در جهنم هستند.

هر گروهی با رهبرشان محشور و دوست خواهند شد:

«يَوْمَ نَدْعُوكُلَّ أَنَاسٍ يَأْمَمُهُمْ... وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا»<sup>۴</sup> به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم؛ کسانی که در دنیا کور بوده‌اند و در آخرت نیز کورند و گمراحتر.

۱. فاطر: ۵

۲. طه: ۱۲۴

۳. اعراف: ۱۸

۴. اسراء: آیه ۷۱ و ۷۲

در اول جلد هشتم بحار الانوار بابی هست با این عنوان: «هر گروهی از مردم در روز قیامت با رهبرشان وارد می‌شوند» و روایات متعددی در این رابطه آورده که هر کس در دنیا با هر چه دوست بوده و هر چیزی را می‌پرسیده، با همان محشور می‌شود؛ مثلاً بت‌پرستان با بت‌شان، شیطان‌پرستان با شیطان‌شان، هواداران و طرفداران افراد گمراه و پست‌فطرت با همان‌ها و طرفداران و دوستان پیامبران و ائمه و صالحان نیز با ایشان و هر گروه پشت سر امام و رهبرش قرار می‌گیرد تا سر انجام خوبیان با رهبرشان وارد بهشت می‌شوند و بدان با رهبرشان وارد جهنم.

هر کس که در دنیا کور بوده و با رفقای کور و کر و لال نشست و برخاست داشته، در آخرت نیز کور است و در جهنم نیز رفایش همان‌ها هستند که در دنیا با آنها بوده است؛ پس در روز قیامت پیروان خدا و شیطان در دو صفت جداگانه قرار خواهند گرفت.

### وضعیت فعلی (تهدیدات و خطرات) شیطان‌پرستی در ایران

#### ۱. تحرک در اینترنت:

وبلاگ نویسی، چت و گفتگو در یاهو، سایت‌های وابسته به آنها، دریافت خبرنامه و ایجاد وب‌سایت‌های مختلف و افزایش هر چه بیشتر پایگاه‌های فضای مجازی ... از جمله تحرکات اینترنتی شیطان‌پرستان ایرانی است که تاکنون نیز ادامه دارد.

#### ۲. ترویج نمادها:

مغازه‌ها و اصناف فروشنده زیور آلات نقره‌ای، فروشگاه‌های پوشاسک جوانان و بانوان به‌ویژه در شهر تهران وظیفه عمدۀ ترویج شیطان‌پرستی در داخل کشور را بر عهده دارد. در برخی موارد حتی می‌توان اظهار کرد فروشنده‌گان و مدیران حتی اطلاع اندکی از محتوای عمل خود ندارند؛ همچنین گفتنی است برخی از چهره‌های مطرح موسیقی پاپ و متألیکا در تهران و شهرستان‌ها به کرات و از طریق مختلف این نمادها را حمل، معرفی و به صورت مستقیم و غیر مستقیم به ترویج آنها می‌پردازند. سایت‌ها و وبلاگ‌های فارسی زبان نیز نقش عمدۀ‌ای در گسترش و معرفی این نمادها ایفا می‌کنند.

#### ۳. ترویج موسیقی (توهمندگرایی):

شیطان‌پرستی در آیین و هنر خود اصول وحشت را در کار می‌آورد و هراس موهومی را ایجاد می‌کند. هراسی که قلب‌های ناآشنا با جلال و جبروت الهی به آن نیاز دارد و جذب می‌شود و پیامد ثانوی این هراس و اضطراب، احساس آرامشی سطحی و ناپایدار

۱. ر.ک: ره توشه راهیان نور؛ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۳۸ و ۳۳۹.

است. موسیقی شیطانی با حجم صدای بالا، سرعت زیاد ریف‌ها، تخریب صدای بعضی از سازها، نعره‌های دلخراش و دهشت‌ناک، گریم‌های وحشت‌ناک، استفاده از لرزش تصاویر، شوک‌های نورپردازی، استفاده از تیغ و آتش و تاریکی، جنایت‌های نمایشی نظیر کندن دست و پای گربه (خواننده گروه دیساید)، گاززدن و کندن سر یک خفاش زنده (خواننده گروه بلک سبث)، شکستن آلات موسیقی و وسایل روی صحنه و خودسوزی (متالیکا)،<sup>۱</sup> همه و همه برای لحظاتی هیجان ترس را به دل راه می‌دهد و برای دقایقی قلب را می‌لرزاند و نفس‌ها را حسی می‌کند.

اما همه اینها بت‌های موهومی است که نیاز راستین انسان را به تجربه حقیقی خوف و خشیت در برابر عظمت و جلال خداوند ناکام می‌گذارد و انسان را پریشان‌تر از پیش به حال خود وامی نهد؛ زیرا فطرت انسان حنیف است و با امور موهوم و غیر واقعی کامیاب نمی‌شود.<sup>۲</sup>

#### ۴. پارتی‌های شبانه:

پارتی‌های شبانه رپرها، جشن‌های فارغ التحصیلی و مهمانی‌ها خاص دوستانه، همواره کانون فعالیت شیطان‌پرستان قابل ذکر هستند. در این گونه مراسم‌ها هر بار گروهی از جوانان با انواع و اقسام مختلف اندیشه‌ها و ظواهر شیطان‌گرایی آشنا و یا جذب آنها می‌شوند.

#### ۵. همکاری با سلطنت طلب‌ها:

اوایل سال گذشته میلادی خبری در وبلاگ‌های وابسته به شیطان‌پرستان ایران منتشر شد که اهربیمن سرکرده ایشان، پیوستن گروهش را به انجمن پادشاهی ایران اعلام می‌کرد. گفتنی است انجمن پادشاهی ایران یک گروه چند نفره از سلطنت‌طلبان و سیلی‌خوردگان انقلاب اسلامی است که عمدۀ نقش آنها را فرود فولادوند مجری هتاك و ضد دین شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌های ضد انقلاب بر عهده دارد. وی بارها و بارها در شبکه‌های ماهواره‌ای ارکان دین مبین اسلام را زیر سؤال برد و لب به فحاشی علیه مقدسات گشوده است. پیوستن شیطان‌مسلک‌ها با سلطنت طلب‌ها چند نکته عمدۀ را برای افکار عمومی ایرانیان ترسیم کرد:

۱. امروزه تنها گروه‌های فحاش و فاسد طرفداران نیروهای سلطنت طلب هستند.
۲. همچون ضد انقلابی‌های خارج از کشور درک صحیحی از فضای داخل کشور

ندارند.

۱. همان؛ ص ۳۴۰-۳۴۳.

۲. «شیطان‌پرستی، موجی در زمان حال یا طرحی برای آینده»؛ حمید رضا مظاہری سیف.

۳. طاغوت در خدمت شیطان و همواره شیطان در خدمت طاغوت بوده است.  
۴. این حرکت یک اقدام سازماندهی شده و تبلیغاتی برای مطرح شدن یک عنصر شدیداً ضد دین بوده است.

**آسیب‌ها:**

۱. رواج فرهنگ ضدیت با ارزش‌های انسانی و بشری؛
۲. رواج فرهنگ ضدیت با دین و ارکان آن؛
۳. جعل تاریخ قیام و حرکت پیامبران و نقش شیطان در انحرافات جامعه بشری؛
۴. ترویج فحشا و بی‌بند و باری و انواع اعتیاد به انواع مواد مخدر شیمیایی و الکل؛
۵. ترویج فرهنگ لابالی‌گری و گریز از فعالیت‌های سازنده فردی و اجتماعی؛
۶. شیوع یافتن فرهنگ کلامی مبتذل و فاقد عنصر اخلاق؛
۷. انتشار آموزه‌های اساطیری ناقص و بدون استناد تاریخی و علمی از سایر فرهنگ‌ها؛
۸. حساسیت‌زدایی از فحاشی و هتك حرمت نسبت به نظام اسلامی؛
۹. سیاهنمایی و ترویج نیهیلیسم (پوچ‌گرایی) به صورت گسترده.

**تهدیدات:**

۱. افزایش جرایم سازمان یافته و باندی؛
۲. انجام امور خراب‌کارانه و جاسوسی توسط شیطان‌پرستان ایران برای سازمان‌های جاسوسی ایالات متحده امریکا و رژیم صهیونیستی؛
۳. رواج یافتن بیماری‌های حاد روحی و روانی در سطوح و اقسام مختلف که به مرور زمان می‌تواند به مثابه تهدید امنیتی جدی تلقی شود؛
۴. محکوم شدن جمهوری اسلامی ایران به اعمال محدودیت‌های حقوق بشری برای خاطیان که می‌توانند خسارات متعددی را علیه منافع ملی به همراه داشته باشد؛
۵. رواج یافتن جذب گروه‌های ضد انقلاب؛ نظیر منافقین و ... در محافل شیطان‌پرستان.

**عاقبت شیطان و شیطان‌پرستان:**

کتاب انجیل، شیطان را قدرت تاریکی می‌داند؛ ولی در عالم برای او قدرتی قائل نیست و او را در مقابل ایمان ضعیف می‌داند و او را مظهر گمراهی می‌داند و در جایی دیگر قدرت را از آن خداوند می‌داند. این نکته این‌گونه آمده است: خداوند! جلال و حرمت و قدرت برازنده توست؛ زیرا تو آفریننده تمام موجودات هستی و همه چیز به اراده تو به وجود آمد.

قرآن کریم به گونه‌ای دیگر شیطان را قدرت تاریکی می‌داند. با این تفاوت که قدرت شیطان را پوشالی دانسته و اگر اراده انجام کاری را دارد، فقط به دلیل اجازه‌ای است که خداوند به او داده است. در این مورد تفاوت دیدگاه انجیل و قرآن در این است که از نظر انجیل قدرت شیطان در خود است؛ ولی قرآن قدرت مطلق را از آن خداوند می‌داند و شیطان فقط قادر اعتباری در نظر گرفته شده است. به عبیر دیگر شیطان یکی از مظاهر قادریت خداوند است و عنصر آزمایش بندگان او می‌باشد. مؤید این مدعای آیات متعددی است که قرآن کریم بدان اشاره می‌فرماید؛ از جمله این آیات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۱. «...قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضْلِلُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ»:<sup>۱</sup> بگو همانا خداوند گمراه می‌کند هر کس را که بخواهد و هدایت می‌کند کسی را که به سوی او تویه کند.
۲. «... وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكَافِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِذَا مَثَلًا كَذِلِكَ يُضْلِلُ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»:<sup>۲</sup> ... کسانی که در دلشان مرض است و کافران، می‌گویند: چرا خداوند چنین مثلی را اراده کرده است؟ این چنین خداوند هر کس را که بخواهد، گمراه کرده و هر که را بخواهد، هدایت می‌کند.

آیات قرآن در این باره بیش از اینهاست. مضل‌بودن خداوند یعنی چه؟ آیا غیر از این است که شیطان مظهر تجلی چنین صفتی می‌باشد؟ و چقدر شیطان‌پرستان سفیه‌انه به دنبال پرسش شیطان هستند! او را که یکی از ابرارهای خداوندی است، پرسیده؛ ولی از قدرت مافق او غافل می‌باشند؛ اما خداوند عاقبت شیطان را مشخص نموده است.

قرآن کریم درباره عاقبت شیطان و شیطان‌پرستان این چنین اشاره می‌فرماید: «كَمَّلَ الشَّيْطَانُ إِذَا قَالَ لِلنَّاسَ أَكْفُرُ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بِرِيءٍ مِّنْكُمْ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»:<sup>۳</sup> مانند شیطان آن زمان که به انسان گفت: کافر شو به خداوند. پس زمانی که انسان کفر ورزید، [به انسان] گفت: من از تو دور هستم. [ازیرا] من از پروردگار عالم می‌ترسم. «فَكَانَ عَاقِتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدُينَ فِيهَا وَدَلَكَ جَزَاءُ الظَّالَمِينَ»:<sup>۴</sup> پس عاقبت و سرانجام آن دو [شیطان و انسان کافر] این است که هر دو در آتش [جهنم] جادوانه خواهند شد و آن کیفر ستمکاران است.

اسحاق بن عمار گوید: روزی محضر شریف امام جعفر صادق علیه السلام شرفیاب شدم و

---

۱. رد: ۲۷.  
۲. مدثر: ۳۱.  
۳. حشر: ۱۶.  
۴. همان: ۱۷.

در باره این آیه شریفه قرآن: «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبَعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»<sup>۱</sup>; سؤال کردم که آخرین روز مهلت حیات شیطان چه زمانی است؟ حضرت فرمود: «آیا فکر می کنی تا قیامت و صحرای محشر باشد؟! خیر چنین نیست؛ بلکه منظور روز ظهور و قیام قائم آل محمد علیهم السلام می باشد؛ چون امام زمان (عج) ظاهر گردد و قیام کند، وارد مسجد کوفه خواهد شد و شیطان در مقابل حضرت دو زانو می نشیند و می گوید: وای از این روز که چه روز سختی است. پس از آن امام زمان علیهم السلام او را به قتل می رسانند؛ بنابراین مهلت شیطان تا آن روزی خواهد بود که به دست پرتوان حضرت صاحب الزمان (عج) به هلاکت ابدی خواهد رسید».<sup>۲</sup>

آری این است عاقبت شیطان در این دنیا و به همین دلیل است که هر چه در توان دارد برای مقابله با حقیقت انجام می دهد و قصد دارد با ترساندن انسانها از قدرت پوشالی خود، ظهور را به تأخیر اندازد؛ زیرا می داند با ظهور امام مهدی علیهم السلام عمر او به پایان خواهد رسید. «أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكُنَّ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۳</sup>: آگاه باشید که وعده خداوند حق است؛ ولی اکثرشان نمی دانند. با این ملاحظات بهتر است چاره‌ای اندیشید تا تفکر تاریک شیطان پرستی بر پیکره اجتماع سایه نیفکند. غفلت از این موضوع می تواند صدمات جبران ناپذیری را بر جامعه تحمیل کرده و آن را به ورطه هلاکت و تباہی بکشاند.

به جاست مسئولان نظام با همراهی نخبگان فرهنگی - مذهبی و علمی کشور تدبیری اندیشه کنند و همگان را از شبیخونی جدید آگاه سازند؛ شبیخونی که نه فقط نسل جوان، که تمام اقسام را هدف قرار داده است؛ شبیخونی که حتی کودکان خردسال را نشانه رفتند و برای نابودی فرهنگ در جوامع برنامه ریزی کرده است. امید که کشوری را که به نام ائمه معصومین علیهم السلام در همه جای دنیا شناخته شده است را حفظ کرده و تسکین و مرهمی بر زخم‌های تاریخ این مرز و بوم نهیم.

**آیا آماری در زمینه شیطان پرستی و جایگاه و تعداد آنان در کشور وجود دارد؟**

آمارهای رسمی و غیررسمی که در این زمینه در دسترس پژوهشگران وجود دارد، نمایان گر این است که در کشور مجالس و مهمانی‌هایی به نام شیطان و شیطان پرستی برگزار می شود. در این مهمانی‌ها بیشتر موسیقی‌های راک، هوی متال و موسیقی‌هایی که خشنوت در آن مجاز می باشد، به همراه رقص‌های آتش، استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر صنعتی و روان‌گردن نمایان است.

۱. سوره: آیه ۳۶-۳۸.

۲. تفسیر عیاشی؛ ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۱۴ و بخارا لا نوار؛ ج ۲۵۴، ص ۶۳، ح ۱۱۶.

۳. یونس: ۵۵.

اگر دستاوردهای عمیق عرفان اسلامی به جوانان معرفی شود و پوچی و تهی وارگی شیطانپرستی را نمایان کنیم، شاهد ریزش پیروان هر چند ناجیز شیطانپرستی خواهیم بود. هدف اصلی شیطانپرستی، پوچ جلوه‌دادن زندگی بشری و نادیده‌انگاشتن معنویت و به محققبردن پروردگار عالم، معلق نگهداشتن جوان ایرانی بین زمین و آسمان و معلق میان دین و خانواده، معلق بین اسلام و ایران، معلق بین حقیقت و مجاز است تا به پوچی برسد. بیشتر افرادی که پیرو شیطانپرستی هستند، در نهایت به پوچی رسیده و خودکشی می‌کنند.

### آشنایی اجمالی با عرفان اسلامی:

امروزه جهان با سرعت زیادی در حال حرکت به سمت معنویت به پیش می‌رود. جهان امروز و به ویژه غربی‌ها تازه به گمشده حقیقی خود پی برده‌اند که اصولاً انسان بدون معنویت و رسیدگی به روح نمی‌تواند آزاد باشد و در آرامش به سر برید؛ اما چون عقایدشان بر شریعت صحیحی استوار نیست، در طریقه تبیین حرکت به سمت این امر مهم کاملاً اشتباه حرکت کرده و روز به روز بر احساس کمبود چیزی به نام معنویت می‌افزایند. این امر در فرقه‌های ساختگی، فیلم‌های تولیدی آخرالزمانی، شبکه‌های ماهواره‌ای و دیگر وسیله‌های تبلیغاتی شان کاملاً واضح می‌باشد؛ بنابراین در حل معضل معنویت دست‌آویز فرقه‌های جدیدی چون عرفان‌های نوظهور گشته‌اند که تمام این عرفان‌ها ساختگی و نه تنها انسان را به سوی معرفت رهنمون نمی‌سازند؛ بلکه از حقیقت اصلی خویش فرسنگ‌ها فاصله گرفته و دنیای خویش را به لجن‌زاری از شهوت و غرائز جنسی و کام‌جوبی‌هایی زودگذر تبدیل نموده‌اند و بی‌خیالی و پوچی‌گرایی را محصول این همه خدمات خویش نموده‌اند. قبل از بررسی عرفان‌های دروغین لازم است جوانان عزیز آشنایی اجمالی با اصول عرفان اسلامی که همان عرفان اهل الٰیٰ است داشته باشند.

### عرفان اسلامی، عرفان حقیقی بشرط:

رسیدن به معرفت قلبی و عرفان پروردگار، مسیرش از میان شریعت می‌گذرد و بزرگان تأکید و تصریح دارند که با تخلص از شریعت و سرپیچی از دستورات شرعی، رسیدن به پروردگار امر ناممکنی است؛ پس اولین قدم در این راه انجام واجبات و ترک محرمات است که خود نوعی ریاضت شرعی و مجاهده با نفس است و زمینه‌ساز شکوفایی فطرت و برطرف شدن حجاب‌های غفلت و گناه که مانع معرفت پروردگار است

می باشد. نماز در اول وقت، طهارت و وضعی دائمی داشتن و داشتن دوستان مساعد و در صورت امکان ارتباط با بزرگان اهل معرفت، از اموری است که در راه قرب و معرفت، نقش عمیقی دارند.

گاهی انسان تصور می کند عرفان و معرفت پروردگار را باید از راهی عجیب و غریب و یا اذکاری مخصوص بیابد؛ در حالی که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام که در صدر همه اهل معرفت بوده‌اند و دیگران هرچه دارند از برکت وجود تعالیم نورانی آنها دارند، برنامه و سیره و روش‌شان عمل به دستورات الهی و پیاده‌کردن دقیق فرمان‌ها و خواسته‌های خداوند بوده و قرب و معرفت را از این راه به دست آورده‌اند. تصور نکنید اموری که در دسترس ماست و هر روز با آن سر و کار داریم؛ مثل نماز اول وقت و قرائت با حضور قرآن و توسل به اهل بیت و نعمت وجود ماه رجب، شعبان و ماه مبارک رمضان و احترام به پدر و مادر این توانایی و کشش را ندارند که انسان را به قرب و معرفت پروردگار برسانند؛ بلکه بر عکس هر کدام از آنها، سکوی پروازی هستند که می‌تواند ما را به اوج بندگی و قرب برسانند به شرط اینکه حق آنها را به جا آوریم و شرایط آنها را رعایت نماییم؛ بنابراین در عرفان اسلامی شریعت در کار طریقت وجود دارد و عرفان اسلامی حقیقی نهایت ذلت عبودیت و بندگی در درگاه الهی را گویند که هر چه مولی گفت، همان است و بس؛ چه اوامر تکوینی و چه اوامر تشريعی الهی باشد و ما در هیچ کجا زندگی عرفای بزرگ؛ مانند آیت‌الله قاضی‌ها، بهجت‌ها، شاه‌آبادی‌ها و خمینی‌ها ندیده‌ایم که کسی را در مسیر رسیدن به عرفان حقیقی امر به پیوستن به شهوت‌ها، غرق در رذالت‌ها، خشونت‌ها و بهره‌مندی‌های جنسی و بی‌بند و باری کنند؛ بلکه انجام اوامر شریعت در کنار طریقت را به رهروان این طریق نسخه می‌کنند و چنانچه در این راه صاحب کرامات و ویژگی‌های ظرفیتی خاصی می‌شوند، خودشان داعیه‌دار این مطلب بودند که با نهایت عبودیت و ذلت در برابر خالق بی‌مت‌های عالم وجود به چنین کراماتی دست یافته‌اند، نه با انجام ریاضت‌های نفسانی و دست‌زننده به اعمال و رفتار شیطانی.

#### آیت‌الله بهجت رهنما ای از عارفان اسلام:

ویژگی مهم معرفتی ایشان، عرفان فقاہتی بود؛ یعنی عرفان ناب شیعی که راه عرفان را در تبعیت مطلق از شرع می‌دانستند.

**تقطیع به شرع، زمینه‌ساز عارف شدن:**

بهجت و نجابت از شاگردان حضرت آیت‌الله سید علی قاضی استاد اعظم عرفان زمانه خود

بودند. آیت‌الله نجابت نقل می‌کردند: روزی همراه آیت‌الله بهجهت در محضر استاد قاضی بودیم. آیت‌الله بهجهت که در آن موقع یک طلبه جوان بودند، به حضرت آیت‌الله قاضی گفتند: عدهای با سعایت از تدریس شما به پدرم، از محضر شما بد گفتند و پدرم که در ایران بود، به من نامه نوشت و مرا از محضر کلاس‌های شما منع کرد. وقتی ایشان به استاد گفتند که چنین مسئله‌ای برایم پیش آمد، آیت‌الله قاضی گفتند: از محضر مرجعی که تقلید می‌کنید، بپرسید.

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی مرجع تقلید آیت‌الله بهجهت او را به اطاعت از پدر و اجابت خواسته او مکلف دانستند. مرحوم بهجهت با وجود آنکه علاقه وافر به حضور در کلاس‌های آیت‌الله قاضی داشت، خواسته پدر را اجابت کرد و از دروس عرفانی این استاد بی‌بهره ماندند. خداوند هم به همین دلیل به ایشان عنایت کردند و ایشان به آن مقام والای عرفانی دست یافتند.

#### عمل به معلومات، مسیر رسیدن به معرفت الهی:

عرفان یک بُعد عملی دارد و یک بُعد نظری و آیت‌الله بهجهت در بعد عملی تبعیت کامل از شریعت داشتند و معتقد بودند در بُعد معرفتی تا به چیزی به یقین نرسیده باشیم، دنبال آن نرویم. بنابراین باید به آن چیزی که علم داریم، عمل کنیم و در این صورت خداوند به آن چیزهایی که علم ندارید، آنها را هم به شما می‌شناساند. باید معلومات خود را عمل کنیم و به دنبال عرفان‌های کاذب از نوع خیال‌پردازی‌ها و چیزهای خارق العاده نرویم؛ در این صورت خدا هم چیزهایی که نمی‌دانیم، برایمان معلوم می‌سازد...<sup>۱</sup>

#### ۲. فرقه‌های عرفان‌های دروغین:

##### الف) برخی از فرق صوفیه:

برخی فرقه‌های صوفیه از محل بحث ما (عرفان‌های دروغین) خارج است و به معنایی دیگر از صوفیه بر می‌گردند. اما بحث ما در مورد برخی فرقه‌های دیگر صوفیه است که در کشور به اشکال مختلف و با عقاید گوناگون امروزه در حال رشد می‌باشند. این فرقه‌ها بحث در مورد تاریخچه و عقاید آنها خود چندین کتاب جداگانه را می‌طلبند که از محدوده و توان مقال مخارج است. عقاید اختلافی زیادی نظیر اعتقاد به خرقه، اعتقاد در بعد ولایت و قطب در بین این فرقه‌ها دیده می‌شود؛ اما آنچه باید به آن اشاره کنیم بعد این است که توسط این فرقه‌های مختلف وارد دین اسلام شده و عقاید جوانان و خانواده‌ها را مورد هدف قرار داده است؛ چرا که امام رضا علیه السلام فرمودند: «من ذکر عنده الصوفیه ولم

۱. برگفته از سایت اختصاصی دکتر قاسم کاکایی «www.kakaie.com»؛ استاد فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه شیراز.

ینکرهم بلسانه و قلبه فلیس منا و من انکرهم فکانما جاحد الکفار بین یدی رسول الله<sup>۱</sup>: هر کس نزد او از صوفیه سخنی به میان آید و با زبان و دل آنها را انکار نکند؛ از ما نیست و اگر کسی آنها را انکار کند؛ مانند کسی است که در حضور رسول خدا با کفار جهاد کرده است.

بنابراین برآئیم تا عقاید مختصری از این فرقه‌ها را مورد بررسی قرار دهیم.

#### عقاید و تفکرات صوفیه:

هر یک از فرق صوفیه احکام خاصی دارند که شاید بعضی از آنها در سایر فرقه‌ها دیده نشود. به دلیل اینکه منشأ و مبدأ این احکام در تصوف، قطب در جایگاه رهبر صوفیان است؛ بنابراین آداب و عقاید متفاوتی دارا می‌باشند.

#### ولایت در نزد صوفیه:

ولایت از مختصات شیعه است و این ولایت مصطلح شیعه در غیر شیعه جایگاهی ندارد. در سقیفه پی بردنده که فقط سیاسی بوده و از معنویت خالی است. پس اینها را در مقابل اهل بیت علیهم السلام قرار دادند و مسائل معنوی را در قالب بزرگان و بعدها اقطاب صوفیه مطرح کردند تا ولایت و علم ائمه علیهم السلام را تحت الشعاع این جریان قرار دهند.

#### ولایت شیعی:

ولایت محبت و مودت که واجب است و محبت ذوی القربی است که هم شیعه و هم اهل سنت آن را قبول دارند.

ولایت امامت و یا ولاء امامت که ولایت تشریعی است. خداوند این ولایت را بر عده‌ای خاص از بنده‌گان عطا کرده و بر دیگران واجب است در امور دینی پیروی کنند. این نوع ولایت را نه اهل تسنن و نه تصوف، هیچ‌کدام قبول ندارند.

ولایت زعامت؛ یعنی رهبری سیاسی جامعه اسلامی که از طرف خداوند برای عده‌ای اعطای شده است. این ولایت و وصایت از آن علی علیه السلام و یازده امام بعد از ایشان است و غیر اینها جایز است.

ولایت تصرف که در خارج تأثیرگذار است که مخصوص دوازده امام است در نزد شیعه و اهل تسنن قبول ندارد؛ ولی شبیه همین در صوفیه ادعا می‌شود که در قطب تحقق می‌یابد.

قطب؛ مثل امام در نزد شیعه همیشه و در هر زمان یک نفر است. فناه فی الله و بقاء

۱. حدیقه الشیعه؛ ص ۵۶۴

بالته دو قیدی است که برای قطب قائلند. بالاترین مراحل سیر و سلوک را برای اینها قائل می‌باشند. مسئله دیگر اینکه ولايت را اكتسابی می‌دانند که هر کس می‌تواند خودش را به قطبیت برساند؛ در حالی که در نزد شیعه فقط از طرف خدا منصوب می‌شود.

با توجه به اینکه سران صوفیه در آغاز سنی مسلک بوده‌اند، طبیعی است که تن به ولايت اهل بیت علی‌الله ندهنند؛ بنابراین برای انصراف از اهل بیت علی‌الله و جذب مردم تعریفی از ولايت ارائه دادند که با اعتقادات تشیع و مبانی روایی و حتی آیات قرآن در تعارض است. هر چند بعدها در فرقه‌های شیعی تصوف سعی شد بین این دو تفکر جمع شود؛ اما سران بسیاری از فرقه‌ها برای حفظ جایگاه خود به اندیشه‌این سران دامن زدند. مهم‌ترین اندیشه‌سران این جریان مطرح کردن خود به جای ائمه علی‌الله و دعوت مردم به سوی خود و نهایتاً فرقه‌سازی و پس از آن جدا کردن مردم از شریعت و پیروی از مراجع تقلید بوده است.

فصل‌نامه «عرفان ایران» ارگان رسمی فرقه گنابادی می‌نویسد: اعتقاد به وجود امام به عنوان قطب عالم امکان با مفهوم قطب در تصوف تقریباً یکسان است<sup>۱</sup> و یا می‌نویسد: قطب و امام هر دو مظہر یک حقیقت و دارای یک معنا و اشاره به یک شخص است.<sup>۲</sup>

### بیگانگی با عقاید و احکام اسلامی و فساد اخلاقی:

۱. آنها در نماز موظف‌اند به جای یاد خدا، صورت قطب را تجسم نمایند.
۲. آنها با وجود تأکید اسلام، از مساجد گریزانند و خانقاوهای خود را در مقابل مساجد علم می‌کنند.

۳. به امامت اعتقاد ندارند و اقطاب خود را جایگزین امام کرده‌اند.

۴. خمس و زکات را کنار گذاشته و با تأسی به یهود، عشیره دریافت می‌نمایند.

۵. اعتقادی به حجاب نداشته و قطب و مشایخ معمولاً با زنان نیز مصافحه می‌نمایند.

فساد اخلاقی حتی در میان اقطاب و مشایخ آنان مشهود است؛ به طور نمونه می‌توان به فساد اخلاقی بعضی از سران آنها و بی‌حجابی همسران و دختران بعضی از آنها در خارج از کشور اشاره کرد. رابطه باز و غیرشرعی آنان به طور مکرر به رسوابی آنان منجر شده که آخرین مورد آن واقعه سوم آذر ماه ۱۳۸۸ می‌باشد. در این واقعه یکی از آنان پس از کشف رابطه نامشروع یکی از مشایخ با همسرش، پس از بستن مواد منفجره به خود، به قصد انجام عملیات انتخاری وارد خانقاوه فرقه در جنوب تهران می‌شود که مأموران ناجا او را کتrol و وادار به تسليم می‌نمایند. این حادثه در رسانه‌های کشور انعکاس گسترده‌ای داشت.<sup>۳</sup>

۱. عرفان ایران؛ ش ۷، ص ۳۳.

۲. همان؛ ص ۳۴.

۳. پایگاه تحلیلی تبیینی برهان «www.borhan.ir»؛ نوشته سید حبیب الله تدینی؛ کارشناس ارشد فرق و ادیان الهی.

البته توجه به این نکته مهم است که در بین بعضی از متصوفه، انسان‌های بزرگی نیز بوده‌اند که آنها همان پیروان عرفان اهل‌بیت علی‌آل‌ابی‌طالب‌عاصمی باشند که در زمان‌های گوناگون معروف به صوفی شده‌اند که حساب اینها از آنچه قبلًا بیان شد، کاملاً جدا می‌باشد.

### ب) عرفان‌های نوظهور:

در دهه‌های اخیر شاهد رشد فرقه‌های عرفانی در سطح جهانی بوده‌ایم که کشور ما نیز تحت تأثیر آنها قرارگرفته است. گفتنی است پاره‌ای از عرفان‌های مطرح در سطح دنیا، طبیعت‌گرا (مانند تائوئیسم و شمنیسم فنون کهن خلسه)، پاره‌ای دیگر انسان‌محور (مثل هندوئیسم و بودیسم که دومی اصولاً الحادی محسوب می‌شود) و پاره‌ای هم خداگرا محسوب می‌شوند (مثل عرفان‌های مسیحی و یهودی). در اینجا ما به صورت اختصار اصول و اهداف این عرفان‌ها و همین‌طور روش‌ها، ابزارها و آثار و پیامدهای تبعیت از آنها در جامعه را اشاره می‌کنیم و تفصیل مطالب را به زمان دیگری موقول می‌نماییم.

### عوامل گرایش به عرفان‌های نوظهور:

۱. رشد ارتباطات و اطلاعات؛
۲. افزایش تحیر بشر و سرخوردگی از عقایقیت مدرن؛
۳. شکست نظام‌های مادی؛
۴. فراغت بیشتر افراد بشری و تنوع طلبی آنها؛
۵. فطری‌بودن دین و پرستش و توجه به معنویت.

### اهداف عرفان‌های نوظهور در جذب جوانان:

۱. نیل به عشق، شادی و آرامش (البته عشق‌های کاذب و آرامش دروغین و موقت)؛
۲. تأکید بر خودمرکزی و مریدپروری؛
۳. درستنمودن پایگاه‌هایی برای شادی‌سازی بند و بند (ترویج بی‌بند و باری اخلاقی به بهانه تخلیه و آماده‌شدن برای قبول کمالات)؛
۴. معرفی عشق با عنوان هدف (آن هم نه عشق الهی و کمال مطلق؛ بلکه معرفی عشق‌های کاذب و زودگذر به جای عشق حقیقی به خداوند)؛
۵. توجه به درون و پالایش آن به بهانه پاکشدن از غیر و رسیدن به حقیقت (که نهایتاً این نوع پالایش آنها را متنه‌ی به نوعی خودگرایی و لذت‌گرایی شیطانی می‌کند)؛
۶. توجه به استفاده از جنس مخالف و تشکیل مجالس مختلط و مبتذل در راستای اشیاع جنسی و فراغت انسان از این مهم برای کسب کمالات که این یکی از مهم‌ترین شگردهای شیطان در راه فریبدادن انسان‌ها به بهانه معنویت و نوگرایی دینی می‌باشد.

### پیامدهای گرایش به عرفان‌های نوظهور:

۱. ترویج تکثیرگرایی در امور دینی و معنوی؛
۲. برخوردارنبودن از خدا؛
۳. تحقیر و نفی تفکر الهی و وحی مداری؛
۴. ایجاد تصورات باطل و خیالی در پیروانشان؛
۵. نفی شریعت و دین؛
۶. گرایش جوانان به رقص، مواد مخدر و ... .

### داستان‌هایی از سلوک شیطانی:

#### ۱. جنایات شیطان‌پرستان:

گوشهای از جنایات و کارهای منافی عفت شیطان‌پرستان را که از زبان دو دختر انگلیسی نقل شده بیان می‌کنیم تا ماهیت آنها برای همگان روشن‌تر شود. دو خواهر نوجوان پرده از کارهای منافی عفت شیطان‌پرستان مقیم انگلیس برداشتند و شکایت‌نامه‌ای را تسلیم مقامات قضایی انگلیس کردند. شکایت آنها از والدین خود و جمعی از شیطان‌پرستان بوده است. به گفته آنها در یک مراسم مذهبی، شیطان‌پرستان به این دو دختر تجاوز کرده‌اند. این دو خواهر در زمان وقوع حادثه – که در سال ۱۳۶۱ اتفاق افتاد – فقط ۵ سال سن داشتند. ایشان در اظهارات خود خطاب به دادگاه عالی جنایی انگلیس اعلام کردند: در این‌گونه مراسم، طرفداران این فرقه بدون لباس به رقص و نوشیدن خون خرگوش می‌پردازند. این دو دختر در اعتراضات تکان‌دهنده‌شان در این دادگاه گفته‌اند: شیطان‌پرستان خرگوش‌ها را به محل مراسم می‌آورند و آنها را زنده، گردن می‌زند و خون تازه آنها را می‌نشیبدند. نیز گفته‌اند: والدین آنها که شیطان‌پرست‌اند، ایشان را مجبور به نوشیدن خون خرگوش می‌کردند. در مواردی هم به جای خون خرگوش از خون بچه‌های نوزاد استفاده می‌شود و سپس اجساد آنها را می‌سوزانند. گاهی از آنها خواسته شده، در کشتن نوزادان مشارکت کنند. در این دادگاه، پنج شیطان‌پرست از جمله پدر و مادر این دو دختر به بیست فقره جرم، شامل تجاوز جنسی، لوط، اغفال و امثال آنها متهم شده‌اند. این ماجرا به طور جدی افکار عمومی انگلیس را تکان داد. این‌گونه رخدادها که در انگلیس اتفاق می‌افتد، برخی از روشن‌فکران انگلیسی آنها را به کشورهای جهان سوم نسبت می‌دهند. در بسیاری موارد از آداب و سنت‌های ملت‌ها از جمله مسلمانان؛ حتی رعایت حجاب را برای بانوان با عنوان آداب قدیمی و کهن و حتی متعلق به عصر بربریت نام می‌برند.

## ۲. به دام افتادن شیطان پرستان شیرازی:

«پذیرفتن قدرت شیطان در مقابل قدرت الهی، ترویج رفتارهای ضد دینی و مدعی‌ها به جای خوبی‌ها، خودزنی و مکیدن خون خودشان»، از جمله توصیف‌هایی بود که فرمانده سپاه ناحیه مقاومت شیراز درباره یک گروه دستگیر شده در این شهر بیان کرد و صفت شیطان‌پرستی نیز برای این گروه قائل شد. خبرنگارانی که روز دو شنبه به محل نگهداری اعضای دستگیر شده این گروه در شیراز رفته‌اند در این محل اشیائی همچون تبر، شمشیر، چاقو، قمه، بطری‌های پلاستیکی و وسایل نواختن موسیقی هم مشاهده کردند. بر بدن‌های برخی از آنان؛ نقش‌هایی همانند خالکوبی جای گرفته بود که عمدتاً<sup>۱</sup> یادآور بال‌های پرندگان و نشان تجاری برخی خودروهای بیابانی بود.

فرمانده سپاه ناحیه مقاومت شیراز در این محل به خبرنگاران گفت: مأموران اطلاعات بسیج، ۱۰۴ نفر از اعضای این گروه شیطان‌پرست را یکشنبه شب در مراسم پارتی در شیراز دستگیر کردند. سرهنگ «...» افزو: برادران اطلاعات بسیج سپاه شیراز از حدود یک‌سال پیش طی یک کار مستمر اطلاعاتی و تحقیقاتی، درباره حرکت بعضی از گروه‌های وابسته به بیگانگان و عوامل اصلی، مکان‌های برگزاری و اقدامات آنها اقدام به شناسایی و رصد کردند. وی اضافه کرد: این برادران شب گذشته موفق شدند ۱۰۴ نفر از اعضای گروه شیطان‌پرستی را در یک جلسه مشترک پارتی و کنسرت موسیقی غیراخلاقی در شیراز دستگیر کنند. او افزود: این جلسه در یکی از بااغهای اطراف شیراز برگزار شده بود که مراسم این شیطان‌پرستان به صورت همزمان (زنده) با دو دستگاه دوربین به وسیله سیستم اینترنت پرسرعت برای سراسر دنیا پخش می‌شد.

وی با بیان اینکه تمام این افراد پسر بودند؛ بیان کرد: یک‌سری تجهیزات از جمله سیستم‌های الکترونیکی، مقادیری مواد مخدّر و تجهیزات اجرای برنامه‌های ضد اخلاقی در این پارتی کشف شده است. وی اظهارداشت: این افراد به انجام کارهایی از جمله خوردن مشروبات الکلی، رفتارهای ناهنجار، رقص‌های نامتعارض و ضد اخلاقی، خودزنی و مکیدن خون خودشان می‌پرداختند و از قالب انسانیت به درون قالب حیوانی رفته بودند. وی بیان کرد: حتی این افراد یک نوع نماز هم دارند که نماز آنان تعظیم به شیطان است و یکی از اقداماتی که این افراد انجام دادند، راهاندازی سایت‌های ضد اخلاقی، تهیه لباس‌های نامتعادل و ضد فرهنگی در جامعه، تهیه آرم‌ها و نمادهای شیطان‌پرستی بوده است.

وی هدف عمدۀ این افراد را اغفال جوانان و نوجوانان با شیوه‌ها و شگردهای خاص روانی همراه با جاذبیت‌های کاذب اعلام کرد.

وی اضافه کرد: خانواده‌ها باید مراقب جوانان و نوجوانان خود باشند که با چه افرادی رفت و آمد دارند؛ چون دشمن قصد دارد با اغفال جوانان و بهره‌گیری از آنان به اهداف شوم خود برسد.

..... بیان کرد: صاحبان باغها و امکانی که این مجالس در آنها برگزار می‌شود؛ باید بدانند با هماهنگی که با قوه قضاییه انجام شده برخورد جدی با آنان صورت می‌گیرد. این مسئول گفت: دشمن تهدیدات زیادی علیه نظام دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، تهدید نرم و مقابله فرهنگی است و مقابله با هرگونه تهدید دشمن از از وظایف نیروی مقاومت بسیج است. ایشان اظهار داشت: بعضی از گروههایی که در این میدان وارد عرصه کار مقابله با ارزش‌های اسلامی شده‌اند، گروههای شیطانپرست و ضد اخلاق هستند.<sup>۱</sup>

### ۳. عاقبت ناگوار چت‌کردن با شیطانپرستان:

جوان شیطانپرستی که پس از ارتباط اینترنتی اقدام به فریب و اغفال دختران نوجوان می‌کرد، پس از فرار یک دختر پانزده‌ساله از خانه به دام افتاد.

..... دادیار شعبه دوم دادسرای جنایی با اشاره به این پرونده گفت: چند روز پیش مرد سالخورده‌ای با حضور در دادسرای جنایی تهران، با ارایه شکایتی عنوان کرد: پس از فوت دختر و دمامدش در یک سانحه رانندگی دختر هشت‌ساله آنها بی‌سرپرست ماند و من نیز با عنوان پدربرگ این دختر مسئولیت نگهداری او را بر عهده گرفتم. وی افروز: اکنون هفت‌سال از وقوع آن حادثه و نگهداری نوهام می‌گذرد. در این مدت مشکلی میان من و او وجود نداشت، تا اینکه او سه‌روز پیش و به دلایل نامعلومی که هنوز برای من مشخص نیست، از خانه فرار کرده است و در این مدت تلاش‌ها برای یافتن او بی‌نتیجه باقی مانده است. به دنبال این شکایت، دستور قضایی در این ارتباط صادر و پرونده برای پیگیری و تحقیقات به پلیس آگاهی ارجاع شد. دادیار جنایی ادامه داد: پس از ارجاع این پرونده به پلیس آگاهی بررسی در این زمینه آغاز و مشخص شد، دختر پانزده‌ساله ساعات زیادی از وقت خود را در پشت رایانه سپری می‌کرده است. با به دست‌آمدن این سرنخ و بررسی علمی و تخصصی معلوم شد دختر فراری از خانه، پس از آشنایی اینترنتی با یک جوان به‌طور مرتب با وی چت می‌کرده است. به دنبال این ماجرا، فرضیه اغفال دختر جوان از سوی جوانی که با او ارتباط پیدا کرده بود، قوت گرفت. پس از اقدامات علمی، ابتدا این فرد مورد شناسایی قرار گرفت و با صدور دستور قضایی حکم بازداشت او صادر شد. وی اضافه کرد: در مرحله بعد با شناسایی مخفیگاه این متهم و عزیمت به محل معلوم شد،

۱. سایت تحلیلی خبری عصر ایران «www.asriran.com»، کد خبر: ۷۳۳۲۱، تاریخ انتشار: ۴/۳/۸۸

وی ساعتی پیش از حضور مأموران محل را ترک کرده و به محل نامعلومی رفته است. با جستجو گام به گام این متهم پاتوق‌های احتمالی وی تحت کنترل قرار گرفت و سرانجام او در حالی که در یکی از بوستان‌های شرق تهران در حال پرسه‌زدن بود، دستگیر شد.

با دستگیری متهم وی ابتدا منکر ارتباط و آشنایی با دختر گمشدۀ شد؛ اما در ادامه و پس از مشاهده دلایل و مدارک لب به اعتراف گشود و گفت: چندی پیش در اینترنت با یک گروه منحرف شیطان‌پرستی آشنا شدم و از قوانین مربوط به این فرقه تعیت می‌کنم. متهم اضافه کرد: تاکنون چندین دختر را که بیشتر نوجوان بودند، در فضای چتر روم فریب دادم و پس از ترغیب آنها به فرار به نوعی آنها را تشویق به عضویت در فرقه منحرف کردم. متهم اعتراف کرد: پس از آشنایی با دختر گمشدۀ او را نیز فریب دادم و این دختر هم اکنون در منزل یکی از دوستانم که او نیز شیطان‌پرست است، نگهداری می‌شود. دادیار شعبه دوم دادسرای جنایی افزود: پس از اعترافات متهم مأموران با رفتن به محلی که دختر گمشدۀ در آنجا نگهداری می‌شد، وی را به همراه دیگر عضو فرقه منحرف دستگیر و در بازرسی از محل مقادیری لباس‌های منقسۀ به تصاویر شیطان‌پرستی، مواد مخدّر، روان‌گردان و قرص‌های اکستازی را کشف و ضبط کردند.

وی تصریح کرد: در تحقیق از دختر پانزده‌ساله معلوم شد، وی پس از اغفال و فریب در دام شیطانی این متهمان گرفتار شده و به دفعات از قرص‌های روان‌گردان استفاده کرده است. در ادامه تحقیقات پنج‌نفر دیگر از دختران نوجوان که پس از اغفال و فریب و سوءاستفاده از سوی اعضای باند در تهران و یک شهر شمالی رها شده بودند، شناسایی و با حضور در دادسرای جنایی از دو متهم شیطان‌پرست شکایت کردند. وی با اشاره به مجازات سخت فرقه‌های منحرف، از خانواده‌ها خواست مراقب فرزندان خود باشند؛ زیرا آزادی و کنترل نشدن در استفاده از فضای مجازی، ممکن است فرزندان آنها را در دام هولناک این افراد که به هیچ یک از قواعد انسانی پایین‌نیستند، گرفتار شوند.<sup>۱</sup>

#### ۴. شیطان‌پرستان چهار نوجوان را پختند و خوردند:

به گزارش «شیعه نیوز» به نقل از ایسنا، پلیس مسکو طی بیانیه‌ای فوری اعلام کرد: قربانیان سه دختر و یک پسر نوجوان بین شانزده تا هفده سال بودند که هر کدام با ۶۶۶ ضربه چاقو از پای درآمده و قسمت‌هایی از بدن‌هایشان بریده شده بود. افزون بر این شیطان‌پرستان قسمت‌های بریده شده را در آتشی سرخ کرده و خورده بودند. این رویداد

۱. پخش حوادث سایت ایرانیان در کلوب جهانی به آدرس [www.iiwclub.com](http://www.iiwclub.com): کد خبر: ۲۲۱۲ فرستنده: خبرنگار کد ۰۰۳ گروه: حوادث.

در ۳۸۴ کیلومتری از شمال شرق مسکو در منطقه یاروسلاول به وقوع پیوسته است. همچنین این جنایت‌کاران حامی شیطان، دست و پاها، قلب، پوست سر، قفسه سینه و اعضای داخلی این نوجوانان نگون‌بخت را بریده و در یک سطل در کنار هر جسد قرار داده بودند. شیطان‌پرستان به عدد ۶۶۶ اعتقاد راسخ داشته و افراد خاصی را که به عقیده خودشان «گوت یا آدم وحشی» می‌نامند، قربانی شیطان می‌کنند تا از خشم شیطان در امان بمانند.<sup>۱</sup>

#### پیام‌ها:

۱. برخی با توجه کامل و با اعتقاد به شیطان به دلیل حکومت قوه شهوه و غضبیه بر قوه عاقله‌شان بدون اینکه به دنبال مسیری منطقی برای گذران دنیای خویش باشند، دل به شیطان سپرده و فرامین وی را بدون کوچک‌ترین تأملی لبیک می‌گویند و از نیروهای پابه رکاب شیطان قلمداد می‌شوند. اینان سلوک شیطانی را به دلیل بی‌ارادگی و تبلیج گرین سلوک عرفانی حقیقی نموده‌اند و باید از آنها دوری نمود.
۲. فرقه ضاله شیطان‌پرستان تمام عقایدشان متنه به پوچی شده و نیهیلیستی بودن و پوچی‌گرایی را تنها حقیقت این عالم دانسته و چیزی برای عرضه بر انسان‌های حقیقت‌جو و آرمان‌گرا و کمال‌جو به جز شهوت‌رانی، خشونت، مسائل جنسی، قتل و... به ارمغان نمی‌آورند؛ پس فطرت انسانی به چنین گرایش‌های وحشیانه‌ای تن نمی‌دهد.
۳. شیطان‌پرستان برای تبلیغ فرقه انحرافی خویش شبانه‌روز در تلاش و تکاپو هستند و کلیه ابزارهای شیطان در انحراف و فریبدادن انسان را به کار می‌گیرند تا دین تنها وسیله سعادت انسانها را از آنها به یغما ببرند؛ بنابراین بر ما واجب است تا در مباحث علمی خویش به این فرقه جانی و خطرناک شیطانی بیشتر پرداخته و دوستان و آشنایان و همنوعان خویش را از مسائل این فرقه آگاهی دهیم.
۴. این گروه‌ها عرفان اسلامی و معنویت با عنوان تنها گمشده بشریت را در هم کوبیده و نظام انسانی و الهی آن را به سوی زوال می‌کشاند که در نتیجه آن انسان را دچار سردرگمی و تحیر نموده و او را با انبوهی از سؤالات بی‌جواب مواجه ساخته؛ بنابراین روی‌آوردن به عرفان اسلامی که همان عرفان اهل بیت علی‌آل‌الله است، تنها راه برونو رفت انسان امروز از این مشکلات و گرفتن پاسخ سؤالات خود می‌باشد.
۵. کسانی که بویی از عرفان اسلامی نبرده‌اند، برای توجیه شهوت‌رانی‌های خود و همسوکردن انسان‌ها با تفکرات‌شان دست به فرقه‌سازی‌های سریع زده‌اند تا شاید

۱. سایت «www.tabnak.ir»: کد خبر: ۲۱۳۹۵ ، تاریخ انتشار: ۰۷/۰۷/۲۳

عرفان‌هایی دروغین و فاسد را جایگزین عرفان ناب اسلامی که مقدمه آن شریعت و امثال امر یگانه خالق هستی بخشن است تحویل جوانان آسیب‌پذیر جوامع بشری دهند و آنان را مسموم کنند. این هشداری برای جامعه دینی مسلمانان است.

۶. برخی فرقه‌های صوفیه به دلیل اهداف استعماری شیطان‌هایی چون انگلیس، اسرائیل و... در صدد هستند تا دین اسلام را طوری جلوه دهنند که شریعت و تفکر تقلید از مرجعیت دینی را از جامعه اسلامی ما بزدایند و به جای آن اقطاب دست نشانده خود را برای منافع شخصی خود علم کنند تا شاید بتوانند به بهانه عرفان حقیقی مردم را به سمت و سوی خویش کشیده و نظام اسلامی ما را مختل نمایند که البته با روشنگری‌های سطح جامعه ان شاء الله ناکام خواهند ماند.

#### سؤالات:

۱. چرا شیطان‌پرستان، شیطان‌پرستی را جهان تاریک می‌نمند؟
۲. توهم‌گرایی در ترویج موسیقی توسط شیطان‌پرستان به چه معناست؟
۳. زمینه‌ساز عارف شدن از نظر عرفان اسلامی چه چیزی می‌باشد؟
۴. در صوفیه منشأ و مرجع احکام به چه شخصی برمی‌گردد؟
۵. اهداف عرفان‌های نوظهور در جذب جوانان را نام ببرید؟

#### معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. جریان شناسی ضد فرهنگ‌ها؛ عبدالحسین خسروپناه؛ ناشر: تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۹.
۲. فرقه صوفیان؛ سید محمد محدث؛ ناشر: راه نیکان، ۱۳۸۷.
۳. روان شناسی ساتانیسم (شیطان‌پرستی)؛ آنتونی موریارتی؛ مترجم: مهدی گنجی؛ ناشر: ساوالان، ۱۳۸۹.
۴. جهان تاریک؛ شناخت و نقد فرقه شیطان‌پرستی؛ حمید کریمی؛ ناشر: مؤسسه بوستان کتاب.
۵. شیطان‌پرستی؛ حمید رضا مظاہری سیف؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی بهداشت معنوی، ۱۳۹۰.
۶. شیطان‌پرستی، فرقه‌ای منادی فساد، فحشا، بی‌بندویاری جنسی و اخلاقی؛ علی زند قزوینی؛ ناشر: خادم الرضا علیه السلام.



## ابزارهای شیطان و معاندین در فریب دادن انسان

### آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این دروس بداند:

۱. آشنایی با ابزارهای شیطان در فریب دادن انسان؛
۲. آشنایی با آیات و روایات درباره ابزارهای شیطان در فریب دادن انسان؛
۳. چگونگی استفاده شیطان از ابزارهای مجهز به تکنولوژی روز نظری ماهواره و... برای فریب دادن انسان؛
۴. بررسی آمار و نتایج پیامدهای اجتماعی انسان فریب خورده از شیطان به واسطه این ابزارها؛
۵. داستان‌هایی جذاب و عبرت‌آموز از فریب خوردن انسان‌ها توسط شیطان به کمک این ابزارها.

### مقدمه:

روشن است هر حکومتی برای اینکه بتواند با کسانی دشمنی خود را اعلام نماید و برای به انجام رساندن این مهم در صحنه عمل وارد شود، باید ارتشم و نیروهای پا به رکاب خود را تجهیز نماید تا با ابزارهای مختلف و سلاح‌های مجهز به جنگ با دشمنان خود درآید. شیطان نیز در جایگاه کسی که قسم خورده با انسان دشمنی کرده و او را به حضیض ذلت بکشاند، یاران انسی و جنی خود و همچنین سالکان طریقش را به ابزارها و

وسیله‌های گستردہ‌ای اعم از سنگین و غیرسنگین مجهز و برای جنگ با انسان بسیج کرده است؛ بنابراین ما انسان‌ها چنانچه با ابزارهای مختلف این موجود مملو از خبات آشنا شویم، بهتر می‌توانیم با وی مبارزه نماییم. پس درس حاضر را به همین مبحث اختصاص می‌دهیم.

### ابزارهای شیطان:

این ابزارها به دو گروه رسانه‌ای و غیر رسانه‌ای تقسیم می‌شوند:

#### ۱. رسانه‌ای<sup>۱</sup>:

الف) ماهواره‌ای؛

ب) اینترنت؛

ج) مطبوعات؛

د) سینما، رادیو و تلویزیون؛

ه) سیدی‌های ابتدال و انحراف.

حال چگونگی استفاده این گونه ابزارها توسط شیطان را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### ۱. رسانه‌ای:

متفکران معتقدند وسائل ارتباط جمعی جدید ابزاری به قدری نیرومندند که می‌توان از آن در راه خیر و شر با تأثیری شگرف سود برد و چنانچه کنترل مطلوب وجود نداشته باشد، امنیت یک جامعه را به خطر می‌اندازد. رسانه‌ها در جایگاه یکی از ارکان اساسی جامعه ارتباطی میان دولت و ملت، می‌توانند با آشنا و آگاه‌ساختن جامعه نسبت به بزهکاری و مسائل قانونی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی مربوط به آن مشارکت هر چه بهتر و مفیدتر مردم در سازماندهی و اجرای سیاست جنایی را موجب شوند و در این حالت مردم خود کارگزار امنیت شده و در فرایند حصول به آن مشارکت می‌کنند. تقریباً در بیشتر کشورها، به ویژه کشورهای در حال رشد، تعداد نسل جوان بیشتر و دلستگی آنان بر رسانه‌های جمعی فزون‌تر است؛ اما متأسفانه این ابزارهای مهم و ضروری برای جامعه امروزی بسیاری از اوقات تبدیل به ابزار و وسیله‌ای در دست شیطان می‌شود که از این ابزارها استفاده کرده و انسان‌ها را فریب می‌دهد. در ذیل برآئیم نمونه‌هایی از این ابزارها را مورد بحث قرار داده و معرفی نماییم.

#### الف) ماهواره:

این وسیله امروزه توانسته است تمام دنیا را تحت تأثیرات فکری مختلف قرار داده

۱. ر.ک: به درس هرزه‌نگاری رسانه‌ای.

و بیشتر توجهات مردم را به سمت خود جلب کند. این وسیله با وجود تمام فوایدی که می‌تواند در جوامع بشری داشته باشد و در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و... الگویی تمام عیار باشد؛ ولی متأسفانه در عین حال توانسته است با پخش مسائل انحرافی، فیلم‌ها و برنامه‌های غیر اخلاقی و القاء شباهات و القاء الگوی غلط به جوامع آینده بشر را به مختاره بیندازد و شیطان این وسیله را به راحتی برای منحرف کردن انسان به کار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

**ب) اینترنت:**<sup>۲</sup>

**ج) مطبوعات:**

امروزه مطبوعات در بین سایر رسانه‌ها، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و انجام‌ندادن رسالت و کارکرد واقعی از سوی آنان ممکن است تأثیرات قابل توجهی بر امنیت ملی کشورها بگذارد. مطبوعات یکی از وسایل تبلیغات بسیار نیرومندی است که به‌آسانی می‌تواند تا عمق افکار نفوذ و رخنه نماید و اذهان و اندیشه‌ها را در حوزه قدرت خود به اسارت درآورد.

اولین مطالعاتی که در اطراف مطبوعات انجام شده، مربوط به اندازه‌گیری قدرت این پدیده در تمدن است. در اثر این مطالعات محققان معرف شده‌اند مطبوعات از آن چنان توانایی و قدرتی برخوردار هستند که تقریباً با هیچ پدیده دیگری قابل قیاس نمی‌باشد؛ زیرا قادر است به سادگی بر ذهن و فکر خواننده تأثیر کند و او را تحت نفوذ خود قرار دهد و به اعمالی وا دارد که هیچ‌گاه قبل از مطالعه آنها قادر به انجام آنها نمی‌بوده است.

مطبوعات همان‌طور که تاکنون اشاره شد، به‌خوبی قادر است باعث سقوط یا استحکام و دوام حکومت‌ها، نفرت یا محبوبیت آنها شود و می‌تواند گمنامان را معروف کند و به اوج شهرت برساند یا برعکس افراد مشهور را بی‌آبرو و بی‌اعتبار نماید و از اوج قدرت و شرف به زیر کشد و سرنگون سازد. مطبوعات توانایی آن را دارد تا یک دزد را انسانی شرافتمند، بی‌گناه، خدمت‌گزار و صدیق بقبولاند و فردی درست‌کار، صحیح‌العمل و پاک‌سرشست را آن‌چنان در قالب یک انسان فاسد و تباہ، یک سارق حرفه‌ای، یک تبهکار بد نهاد معرفی نماید که افکار عمومی آن را به صورت یک واقعیت کامل و یک حقیقت مطلق با ایمان کامل بپذیرد.

قدرت مطبوعات به حدی است که به‌خوبی از عهده معرفی یک کالای بی‌ارزش، یک فرآورده عادی، یک جنس معمولی با عنوان عالی‌ترین، بهترین و پرارزش‌ترین محصول

۱. ر.ک: به درس هرزه‌نگاری رسانه‌ای.

۲. ر.ک: به درس هرزه‌نگاری اینترنتی.

برمی آید و قادر است تا حق را باطل و باطل را حق، خوب را بد و بد را خوب، نیک را پلید و پلید را نیک، زشت را نیکو و نیکو را زشت و ... جلوه دهد و افکار عمومی را وادار به قبول نماید.

این واقعیت انکار نشدنی است که مطبوعات مدها را رواج داد و امروز هم باز قدرت همین پدیده است که افکار را به قبول یا رد مدهای جدید وادار می‌سازد. مطبوعات، بیتلرها را مشهور کرد و هیبی‌ها را به شهرت رساند.

آری این وسیله بسیار قدرتمند گاهی آنچنان ابزاری در دست شیطان می‌شود که به وسیله آن اعتقادات انسان‌ها تحويل و تغییر کرده و همه چیز را برای ادامه زندگی از دست می‌دهند.

#### د) سینما، رادیو و تلویزیون:

امروزه نقش و تأثیر سینما، رادیو و تلویزیون بر تمامی نهادهای زندگی بشر بر همه روش است و برای بسیاری از دست‌اندرکاران و سرمایه‌گذاران آنان، نقش هدایتگر و راهبردی آنها در ایجاد ذهنیت افکار عمومی و ایجاد پشتوانه ذهنی و بستر سازی فرهنگی ثابت شده است.

در خصوص سینما آنچه در درجه اول برای سینمای جهان و به طور اخص سینمای هالیوود اهمیت داشته است، فرهنگ‌سازی و نگاهی است که می‌خواهد بر جامعه حاکم شود و در درجه دوم درآمد و سرمایه مورد توجه قرار دارد. امروزه این وسیله فرهنگی بسیار اثر گذار، تبدیل به وسیله‌ای مجهر برای ترویج تفکرات شیطانی شده است. سینمای بزرگ هالیوود که تمام ادیان دنیا بهویژه اسلام را هدف قرار گرفته و فیلم‌هایی بدون قید و بند اخلاقی و با مضامین بی‌بند و باری، سکس و مسائل جنسی، خشونت، تخلیقی محض و... تحويل جوامع بشری داده و گاهی انسان‌ها را تا مرز جنون برده است. این سینما که امروزه حکایت از به بن‌بست رسیدن غربی‌ها را به دنبال دارد، امروزه در مسائل مهدویت و آخرالزمانی در صدد است که منجی را هر کس که خودش می‌خواهد و در راستای تفکرات اوست، در جوامع خودشان جلوه داده و درباره مهدی موعود(امام زمان مسلمان‌ها) در جوامع دیگر شروع به القاء شباهات در اذهان عموم جامعه کرده است و انسان‌ها را از مسیر حقیقت بازداشت و در مسیر طاغوت و شیطان قرار می‌دهند.

#### ه) سی‌دی‌های ابتذال و انحراف:

یکی از مدیران مدارس آموزش و پرورش نقل می‌کردند: ما تمام کارهای مثبت و برنامه‌ریزی شده‌ای را که در طول چند سال زحمت و تلاش بی‌وقفه و پی‌درپی در راستای هدایت و کنترل اخلاقی و غریزه جنسی دانش آموزان و جوانان انجام می‌دهیم،

به وسیله یک سی‌دی مبتذل و حاوی مطالب انحرافی، بهویژه مسائل جنسی که از ناحیه شیطان در دسترس این جوانان قرار می‌گیرد، بر باد رفته می‌بینیم و تمام اثر تلاش خود را نه تنها خشی، بلکه مغلوب یک سی‌دی انحرافی مشاهده می‌نماییم؛ بنابراین گاهی انسان با مشاهده محتویات یک سی‌دی مبتذل یا انحرافی تمام عقلانیت و عقبه‌های دینی خود را از دست داده و دچار تزلزل در مسیر دینی و قرار گرفتن در جرگه حزب‌الشیطان خود را مشاهده می‌نماید.

#### آثار تخریبی سی‌دی‌های مبتذل:

در بین تعدادی از خانواده‌ها برخی نوارها و موسیقی‌ها به دلیل استفاده در عروسی‌ها و مولودی‌ها کم‌کم قبح آن از بین می‌رود و یا کمرنگ شده و مورد استفاده عمومی قرار می‌گیرد و همین امر باعث رواج ابتذال در خانواده‌ها و سپس در جامعه می‌گردد و این مسئله عاقبی را به دنبال خواهد داشت:

۱. به دلیل تماشای فیلم‌های نامناسب، به تاریخ حیا و شرم در خانواده و سپس در بین اقوام و نهایتاً در جامعه از بین می‌رود و این نقطه آغازی برای انحرافات اخلاقی و جنسی می‌باشد.
۲. جذابیت مسئله باعث اشتیاق و روی‌آوردن جوانان برای تماشای آن و رد و بدل‌نمودن آن در مدارس یا بیرون مدرسه با توجه به کم‌حجم بودن و انتقال ساده آن باعث گسترش آن می‌شود.

۳. قبح گناه از بین می‌رود. نگاه به سی‌دی مبتذل یک امر عادی شده و پدر و مادر هم توانایی مقابله با فرزندان پیدا نمی‌کنند و نمی‌دانند در دل فرزندان‌شان چه می‌گذرد و وقتی متوجه می‌شوند که کار از کار گذشته است.

۴. باعث می‌شود جوانان از منزل خود فراری شوند که خود ناهنجاری زیادی را در جامعه به وجود می‌آورد و روی‌آوردن به قتل، جنایت و دزدی را در پی دارد.

۵. مسائل روحی و روانی و استرس‌هایی در اعضای خانواده پیدا می‌شود و روح حساس و لطیف آنان را شدیداً تحیریک می‌کند. ممکن است در اثر آنها یک حالت اضطراب و وحشت درونی برایشان به وجود آید.

۶. منجر به کشیده شدن افراد به مواد مخدر و در نهایت اعتیاد می‌گردد.

#### اولین خاطره گرفتاری من به خودارضایی (ریشه‌یابی):

من از حدود پنج الی شش سال پیش به استمناء شروع کردم. روز اولی که استمناء کردم، یه روز خونه خاله بودم، خیلی زود همه رو پیچوندم و او مدم خونه. تنها بودم آخره روز قبل یه سی‌دی مبتذل از داداشم دیده بودم که روی جلدش یه زن لخت کشیده بود. به

همین دلیل و کنجکاوی زیاد، زود فرار کردم و او مدم خونه؛ بعد سی دی رو سریع گذاشتم رو دستگاه و نگاه کردم. خیلی برام کنجکاوی آور بود. برای اولین بار و جالب که چی هست. بعد از کمی نگاه کردن بی اختیار لخت شدم و شروع به دستورزی کردم. کمی با خودم دستورزی کردم و چیزی نشد و بعد از کمی وقت داداشی هام او مدنند و منو دیدند. متأسفانه اون موقع چون عزیز دردونه خونه بودم، چیزی بهم نگفتن یا حالا جرئت نکردند یا خواستند خودم به استباهم پی ببرم، چیزی نگفتند و ای کاش همون موقع منو به باد کتک می گرفتند و منو سیاه و کبود می کردند تا این کار رو تا اینجا ادامه نمی دادم. ای خدا چرا اون موقع به بعد من خیلی بیشتر کنجکاو شدم که بیشتر نگاه کنم و بیشتر دستورزی کنم چون هنوز ارضا نشده بودم و باید خودمو ارضا می کردم و متأسفانه تا حالا که برام یه مشکل بزرگ شده این درد و گناه.<sup>۱</sup>

## ۲. غیر رسانه‌ای

(الف) تزییق لقمه حرام به جامعه

ب) شراب

ج) قمار

د) غریزه جنسی

ه) موسیقی

شیطان از تمامی ابزارهای فوق استفاده کرده و انسان را به طرق مختلف از مسیر هدایت منحرف می کند:

### الف) تزییق لقمه حرام به جامعه:

تا به حال با خود فکر کرده‌اید چرا در جامعه امروز ما با وجودی که سطح معلومات افراد بالاتر رفته و عده افراد ثروتمند با امکانات رفاهی آنچنانی بسیار بیشتر از سابق است؛ اما آن شادمانی و شور و شعف زندگی قدیمی‌ها در افراد جامعه کنونی نداشته و به دنبال قرص شادی و ... برای لحظه‌ای شادبودن هستند و یا زندگی فلاکت‌باری را می گذرانند. شاید بگویید چون کار ندارند یا امید به زندگی ندارند یا مشغله‌های کاری زیاد است و امثال اینها. اما جالب است که در بین افراد بینیاز و بیکار هم این مسائل را داریم تا افراد نیازمند و چند شغله.

ولی آنچه شکی در آن نیست، تأثیر لقمه حرام است که اثر خود را می گذارد. خانواده‌هایی را می بینیم که پدر و مادر از هیچ کوششی برای تربیت فرزندانشان دریغ نکرده‌اند؛ ولی خود در تعجبند چرا فرزندانشان گمراه شده و به انحراف کشیده شده‌اند.

۱. بر گرفته از سایتهاي مشاوره برای ترک خوددارضایی.

بدون اغراق اجداد رحمت‌کش ما که غالباً کشاورز و یا دامدار و ... بوده‌اند، به این قبيل مسائل بیشتر اعتقاد داشته و فرزندانی شایسته نیز تحويل جامعه داده‌اند. می‌گویید نه، تحقیق کنید... .

شاید کسی به ذهنش هم خطور نکند که لقمه حرام به خورد بچه‌هایش داده؛ اما نمونه‌های آن در مشاغل مختلف زیاد است. معلم اگر به جای ۹۰ دقیقه با دانش‌آموزان کار کند لقمه حرام به خانه برده است. میوه فروش اگر قیمت میوه‌هایش مثلاً ۲۸۵ تومان شد و بدون رضایت مشتری آن را به رقم ۳۰۰ گرد کرد و از مشتری گرفت، لقمه حرام به خورد فرزندانش داده است. فساد اخلاقی حاکم بر جامعه، ناشی از لقمه حرام است. جوانان لاابالی و بی‌بند و بار که فساد اخلاقی را ایجاد می‌کنند، ذاتاً انسان‌های بدی نیستند. آنان فرزندان همین جامعه هستند و حتی در بن‌بست‌ها هم خداخدا می‌کنند؛ اما لقمه حرام موجب شده است چنین شوند.

#### ۱. لقمه حرام ابزاری در دست شیطان:

همان‌طور که گفته شد به طور حتم غذا، هم روی جسم اثر دارد و هم روح انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اسلام هر دو موضوع را مورد دقت و کنکاش قرار داده و در موارد زیادی انسان‌ها را امر می‌کند تا غذای طیب و حلال میل کنند و به طور نمونه خداوند فرموده است: «ای مردم از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید و پیرو  
برنامه‌های شیطان نشوید که البته به شما دشمن آشکاری است».<sup>۱</sup>

و همچنین از خوردن مال حرام انسان را بر حذر می‌دارد، آنجا که می‌فرماید: «آنکه ریا می‌خورند، بر نجیزند؛ مگر مانند آنکه به وسوسه و فریب شیطان، دیوانه و بی‌عقل شده و اینان به این علت در مال حرام غوطه‌ورند که می‌گویند فرقی میان معامله و ریا نیست و حال آنکه خداوند تجارت و داد و ستد را حلال و ریا را حرام کرده است. هر کس پس از آنکه پند و اندرز کتاب خدا به او برسد، از این عمل حرام دست بردارد، خدا از گذشته او در گذرد و عاقبت کارش با خدا است و کسانی که از این عمل زشت دست نکشند، اهل جهنم‌اند و در آنجا همیشگی جاوید خواهد ماند».<sup>۲</sup>

#### ۲. نماز بی‌ارزش و دعایی که شنیده نمی‌شود.

رسول خدا ﷺ فرمودند: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةَ حَرَامٍ لَمْ تُتَبِّعْ لَهُ صَلَاةُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً: نماز کسی که لقمه‌اش حرام است، تا چهل روز از ارزش چندانی برخوردار نیست؛ وَ لَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دُعْوَةُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا: وَ تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌گردد؛ وَ كُلُّ لَحْمٍ يُنْبِتُهُ الْحَرَامُ

۱. بقره: ۱۶۸.

۲. همان: ۲۷۵.

فالنَّارُ أَوْلَىٰ بِهِ: وَ هرَ مقدار از بدن که پرورش یافته، لقمه حرام باشد، سزاوار آتش و سوختن است.<sup>۱</sup>

در حدیثی قدسی آمده است که خداوند متعال می فرماید: «فَمَنْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَىَ الْإِجَابَةِ فَلَا تَحْجُبْ عَنِي دَعْوَةً إِلَّا دَعْوَةً آكِلُ الْحَرَامِ»؛ بنده من! تو دعا کن؛ من اجابت می کنم. بدان که تمام دعاها به پیشگاه اجابت من می رسد؛ مگر دعای کسی که مال حرام می خورد.

شخصی به محضر رسول خدا<sup>صلی الله علیه و سلیمانة</sup> شرفیاب شد. به آن حضرت عرض کرد: دوست دارم دعایم مستجاب شود؛ چه کنم؟ پیامبر خدا<sup>صلی الله علیه و سلیمانة</sup> به او فرمود: «طَهْرٌ مَا كَلَكَ وَ لَا تُدْخِلْ بَطْنَكَ الْحَرَامِ»؛<sup>۲</sup> لقمهات را پاک کن [تا مبادا به حرامی آلوه باشد] و مراقب باش هیچ نوع حرامی را مصرف نکنی.

### ۳. ساخت بنای عبادت بر روی ماسه‌های روان

رسول خدا<sup>صلی الله علیه و سلیمانة</sup> فرمودند: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبَنَاءِ عَلَىِ الرَّمَلِ»؛<sup>۳</sup> عبادت کسی که حرام خواری می کند، مانند ساختمنی است که بر روی شن‌زاری روان بنا شده باشد. بی‌شک چنین ساختمنی آن چنان سست و لرزان است که با اندک حرکتی فرو ریخته و چیزی از آن باقی نمی‌ماند و اگر هم چیزی از آن بماند، یقیناً فایده‌ای برای صاحبی نخواهد داشت.

با توجه به این روایت شریف و آیه ۱۰۹ سوره توبه که می فرماید: «مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هارِ فَانْهَرَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ: كَسِيَ كَهْ بَنِيَادِ[امورش] را بِرِ لَبِ پرِتَگاهی سست و فرو ریختنی نهاده! آن بنا با بناکننده‌اش در جهنم سقوط می‌کند.»؛ به دست می‌آید که در فرهنگ قرآن کریم چنین کسی که هم عابد است و هم حرام خوار؛ عبادتش سودی به حال او نخواهد کرد و به زودی خودش به همراه ساختمن عبادتش به قعر جهنم سقوط خواهد کرد.

### ۴. لقمه حرام، مانع پندپذیری:

حرام خوار، بر عقاید، اخلاق و اعمال آدمی تأثیری بسیار زیانبار دارد و راه سعادت، خبر و فلاح را بر او می‌بنند و چنان او را سرگرم دنیا و سر سپرده شیطان می‌کند که حتی حاضر نمی‌شود به سخنان حق که از سوی بهترین افراد ایراد می‌گردد، گوش فرا دهد.

آنان که به دستور یزید به جنگ امام حسین<sup>علیهم السلام</sup> برخاستند، به «حرام خواری» آلوه بودند. این حرام خواری، چشم و دل و اندیشه آنان را در هم نوردیده و نقش حقیقت و

۱. بخار الانوار؛ ج ۶۳، ص ۳۱۴.

۲. عدة الداعي و نجاح الساعي؛ ص ۱۳۹.

۳. همان.

۴. همان؛ ص ۱۵۳ و سفینه البخار؛ ج ۱، ص ۲۹۹.

صدقافت را از ذهنشان زدوده بود. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا کوشید تا با نصیحت و موعظه، لشکر عبیدالله بن زیاد را از رشت‌کاری‌شان آگاه کند و از ادامه راهی که در آن لغزیده‌اند، باز دارد؛ اما آنان با غوغای و جنجال، مانع رسیدن صدای امام علیه السلام به گوش خود شدند. امام رو به آنان کرد و فرمود:

«ادعوكم الى سبيل الرشاد فمن اطاعنی كان من المرشدین ومن عصانی كان من المهلکین  
و كلکم عاص لامری غير مستمع قولی فقد ملئت بطونک من الحرام وطبع على قلوبکم  
و يلکم الا تنصتون الا تسمعون»<sup>۱</sup>: شما را به راه رشد فرا می‌خوانم؛ هر که اطاعتمن کند، رستگار است و هر که نافرمانی‌ام کند، در زمرة هلاکشدن گان قرار می‌گیرد. همه شما فرمان مرا سرپیچی می‌کنید، به سخنم گوش فرا نمی‌دهید؛ البته [حق دارید، چرا که] شکم‌هایتان از حرام پر شده است، در نتیجه خداوند بر دل‌های شما مهر زده است و هرگز حقایق را درک نمی‌کنید. شما چرا ساكت نمی‌شوید، چرا گوش نمی‌دهید و نمی‌شنوید؟!<sup>۲</sup>

#### ۵. عامل مهم در وقوع جرم‌ها:

یکی از عوامل مهم در وقوع جرم‌ها و گناهان لقمه حرام است که نورانیت دل را از بین می‌برد و انسان را بر انجام جرائم، جری می‌سازد و اگر در جامعه ناهنجاری‌های اجتماعی، ولنگاری و معصیت خدا را می‌بینیم، شاید ریشه‌اش در لقمه‌هایی است که از راه غیر مشروع، عده‌ای خورده‌اند.

#### ۶. مقدار حرامی که اثرگذار است:

شاید گمان شود برای اینکه آن آثار و پیامدهای شوم لقمه حرام پدید آید، لازم است تا مقدار قابل توجهی حرام مصرف شود تا آن حرام تاثیرگذار شود؛ اما این پندار صحیح نیست؛ زیرا رسول خدا علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْقُمَّةَ الْوَاحِدَةَ تُنْبِتُ اللَّحْمَ»<sup>۳</sup>؛ معنای این سخن گهربار این است که حتی یک لقمه حرام هم تاثیرگذار است و با رویاندن گوشت در بدن اگر درمان و اصلاح نشود، بالآخره تأثیر خود را خواهد گذاشت.

نباید گمان کرد که مانند یک دانه برنجی که از حرام به دست آمده، عدد و رقمی ندارد و در بین مردم دارای قیمتی نیست که حالا اگر کسی از مال مردم به عمد تصرف کرد و خورد، حرام خور محسوب شود. در پاسخ عبارت دقیقی از استاد حسین انصاریان را نقل می‌کنیم، ایشان در مورد چنین اموالی می‌نویسند: «گرچه مالیت ندارد، اما مالکیت دارد».<sup>۴</sup> یعنی درست است که قیمتی ندارد، اما به هر حال از اموال کسی به حساب می‌آید که ما بدون رضایت او حق تصرف در آن را نداریم.

۱. بخار الانوار؛ ج ۴۵، ص ۱ و نفس المهموم؛ ص ۲۴۵.

۲. عدة الداعي؛ ص ۱۴۱.

۳. حرام‌های مالی؛ ص ۴۶۹.

#### ۷. بالقمه حرام که نمی‌شود جنگید:

جریانی که در ادامه می‌آید، رویدادی واقعی است که یکی از رزمندگان و همزمان شهید خرازی نقل کرده است:

سفره وسط سنگر پهن بود و قابلیم و بشقاب‌ها پُر. « مهمان نمی‌خواهد؟ » حاج حسین خرازی بود، با چشمانی براق و لبانی خندان.

« این همه غذا! منتظر کس دیگری هستید؟ » نه حاجی، دوازده نفریم؛ اما گفتیم ۲۱ نفر؛ غذا گرفتیم. پیشانی اش پر خط و صورتش بر افروخته شد. فریاد زد: « بربا! همه بیرون! زمین پر سنگریزه، آفتاب داغ، دوازده نفر سینه خیز، بعد کلاع پر. از پا که افتادند، گفت: « آزاد! خیلی سبک شدید، هان؟! آن همه گوشت و دنبه حرام، عرق شد و ریخت پایین! » بعد گفت: « بالقمه حرام نمی‌شود جنگید ».!

#### ب) شراب:

« إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدُّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ »: شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا باز دارد.

در این آیه به صراحةً بیان شده شیطان در صدد ایجاد دشمنی و کینه‌توزی میان اهل ایمان است و شراب و قمار از جمله ابزارهای او برای رسیدن به این هدف است. وقتی انسان شراب خورد عقل خود را از دست می‌دهد و دیگر کسی را نمی‌شناسد، مانند حیوان درنده به همه افراد حمله می‌کند و آنها را می‌زند، مجروح کرده و می‌کشد. تاریخ به یاد دارد کسان زیادی که در اثر شرب خمر کشته و مجروح شده‌اند.

#### ۱. دلیل حرمت شراب از دیدگاه امام صادق علیه السلام:

« ان مدمن الخمر كعابد وثن و تورثه الارتعاش و تهدم مروته و تحمله على ان يجسر على المحارم من سفك الدماء وركوب الزنا حتى لا يومن اذا سكر ان يثبت على حرمته وهو لا يعقل ذلك والخمر لا تزيد شاربها الاكل شر»: شخص دائم الخمر مانند بتپرست است و بدنش دچار ارتعاش می‌شود. شراب‌خواری، نور [معنویت] او را از بین می‌برد، شخصیت او را ویران می‌سازد و او را بر محارمش می‌شوراند تا خون آنها را ببریزد تا آنجا که چون مست شود، ایمن نباشد که بر محروم خود بجهد و زشتی آن را درک نکند. شراب برای نوشنده خود جز بدی نیفزاًید.

۱. نشریه امتداد؛ خرداد ۱۳۸۸، شماره ۴۱.

۲. مائده: ۹۱.

۳. امالی؛ ص ۶۶۶.

## ۲. روایاتی در عقوبات شراب‌خوار:

امام علی علیه السلام: «هر کس شراب بنوشد در حالی که می‌داند حرام است، خداوند او را از زردابه بدن دوزخیان، بنوشاند».۱

پیامبر خدا علیه السلام: «میگسار در حالی از گور خود خارج می‌شود که بر پیشانیش نوشته شده است: نومید از رحمت خدا».۲

## ۳. نظریه دانشمندان در مورد زیان‌های شراب:

۱. اثر الكل در عمر انسان؛ یکی از دانشمندان مشهور غرب اظهار می‌دارد هرگاه از جوانان ۲۱ ساله تا ۲۳ ساله معتاد به مشروبات الكلی، ۵۱ نفر بمیرند، در مقابل از جوان‌های غیر معتاد، ده نفر هم تلف نمی‌شوند.

دانشمند مشهور دیگری ثابت کرده است که جوان‌های بیست ساله، که انتظار می‌روند پنجاه سال عمر کنند در اثر نوشیدن الكل، بیشتر از ۳۵ سال عمر نمی‌کنند.

۲. اثر الكل در نسل بشر؛ دانشمندان به تجربه ثابت کرده‌اند کسی که در حین انقاد نطفه می‌ست است، ۳۵ درصد از عوارض الكلیسم حاد را به فرزند خود منتقل می‌کند و اگر زن و مرد هر دو می‌ست باشند، صد درصد عوارض حاد در بچه ظاهر می‌شود، بر اساس آماری که در این زمینه وجود دارد، کودکانی که زودتر از وقت طبیعی به دنیا آمده‌اند، از پدران و مادران الكلی ۴۵ درصد و از مادران الكلی ۳۱ درصد و از پدران الكلی ۱۷ درصد بوده‌اند. کودکانی که هنگام تولد توانایی زندگی را ندارند، از پدران الكلی ۶ درصد و از مادران الكلی ۴۵ درصد و نیز کودکانی که فاقد نیروی کافی عقلایی و روحی بوده‌اند، از مادران الكلی ۷۵ درصد و از پدران الكلی نیز ۷۵ درصد بوده است.

۳. اثر الكل در اخلاق؛ در شخص الكلی عاطفه خانوادگی و محبت نسبت به زن و فرزند ضعیف می‌شود؛ به طوری که مکرر دیده شده است پدرانی، فرزندان خود را با دست خود کشته‌اند.

۴. زیان‌های اجتماعی الكل؛ طبق آماری که «انیستتوی» پژوهشگرانی شهر «نیون» در ۱۹۶۱ تهیه نموده است، جرائم اجتماعی الكلیست‌ها از این قرار است:

مرتکبین قتل‌های عمومی ۵۰ درصد؛ ضرب و جرح‌ها در اثر نوشیدن الكل ۷۷/۸ درصد؛ سرقت‌های مربوط به الكلیست‌ها ۸۸/۵ درصد؛ جرائم جنسی مربوط به الكلیست‌ها ۸۸/۸ درصد می‌باشد.

این آمار نشان می‌دهد اکثریت قاطع جنایات و جرائم بزرگ در حال مستی روی می‌دهد. خلاصه ضررهای شراب آنقدر زیاد است که به گفته یکی از دانشمندان اگر

۱. الخصال: ج ۱۰، ص ۶۲۱.  
۲. کنز العمال: ح ۴۳۹۵۸.

دولت‌ها ضمانت کنند درب نیمی از میخانه‌ها را بینند، می‌توان ضمانت کرد از نیمی از بیمارستان‌ها و تیمارستان‌ها بی‌نیاز شویم.<sup>۱</sup> به دلیل همین آثار منفی و خانمان‌سوز شراب‌خواری است که اسلام آن را تحريم کرده و آیاتی بر مذمت می‌گساری نازل شده است.<sup>۲</sup>

#### ج) قمار:

یکی از ابزار شیطان قماربازی است. قمار عامل دشمنی و کینه‌توزی می‌شود و زمینه خشم و انتقام را فراهم می‌سازد و زیان‌های اقتصادی و روانی به قماربازان وارد می‌سازد؛ از این رو قمار همانند شراب در شریعت مقدس اسلام حرام شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنَصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۳</sup>: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید تا رستگار شوید.

قمارباز وقتی باخت، دشمنی برنده را در دل می‌گیرند و در کمین می‌نشینند، هر وقت فرصت پیدا کرد، انتقام خود را از وی می‌گیرد. وی چندین ساعت تمام حواس خود را جمع کرده تا بر حریف خود غالب شود. او به هیچ چیز جز برندهشدن نمی‌اندیشد، اگر ناکام بماند، با تنی رنجور و اعصابی در هم ریخته به مردم پرخاش می‌کند و ناسازگاری می‌نماید و اگر خسته به خانه و بازار رود، دیگر تحمل شنیدن هیچ چیز را ندارد و حاضر است به بهانه‌های پوچ زمینه‌ای فراهم شود که با مردم نبرد کند؛ همان چیزی که شیطان به دنبال آن است.

طبق گفته قرآن و اخبار چند چیز از خواسته‌های شیطان است؛ مانند شراب و قمار، بت‌پرسی و بخت‌آزمایی، بازی با شترنج و حتی بازی بچه‌ها با پول و گردو. کسانی که این بازی‌ها را می‌کنند، سینه خویش را برای شیطان لانه کرده‌اند و نه نام خدا و رحمان را.

#### آثار قمار:

کمتر کسی را می‌توان یافت که از زیان‌های گوناگون قمار بی‌خبر باشد؛ برای توضیح بیشتر به گوشهای از آثار قمار اشاره می‌شود:

(الف) قمار بزرگ‌ترین عامل هیجان است. روان‌شناسان معتقدند که هیجانات روانی

عامل اصلی بسیاری از بیماری‌ها مانند زخم معده و بیماری‌های عصبی است.

(ب) بسیاری از جنایت‌ها به دنبال قمار صورت می‌گیرد. یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات

۱. تفسیر نمونه؛ ج ۲، ص ۷۴.

۲. لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، کد: ۱/۱۰۰۱۱۷۲۷۶.

۳. مائده: ۹۰.

آمارگیری جهانی ثابت کرده است ۳۰ درصد جنایت‌ها با قمار رابطه مستقیم دارد و از عوامل به وجود آمده ۷۰ درصد جنایت دیگر نیز به شمار می‌رود. (ج) قمار ضررهای اقتصادی بسیار دارد و در طول سال میلیون‌ها، بلکه میلیاردها دلار از ثروت مردم جهان در این راه تلف می‌شود. وقت، نشاط و کار مداوم را در ساعات دیگر سلب می‌کند.

(د) بسیاری از قماربازان به دلیل اینکه گاهی برنده می‌شوند و سرمایه بسیاری به دستشان می‌رسد حاضر نمی‌شوند دست به کارهای تولیدی و اقتصادی بدهند و اگر درست دقت کنیم، می‌بینیم تمام قماربازان و عائله آنان سربار اجتماع هستند. بدون اینکه کمترین سودی به این اجتماع برسانند، از دسترنج آنها استفاده می‌کنند و گاهی هم که در بازی قمار باختند، برای جبران آن دست به سرفت می‌زنند.

بزرگ‌ترین مؤسسات آمارگیری آمریکا ثابت کرده است که قمار در ۳۰ درصد جنایت‌ها دخالت مستقیم دارد (۹۰ درصد جیب بری، ۵۰ درصد جرایم جنسی، ۱۰ درصد فساد اخلاقی، ۳۰ درصد طلاق‌ها، ۴۰ درصد ضرب و جرح‌ها و ۵ درصد از خودکشی‌ها). بنابراین قماربازی در اسلام چه با ابزار قمار و چه با وسائل دیگر؛ حتی بازی‌های سرگرم‌کننده با آلات قمار ولو اینکه برد و باختی در آن نباشد، حرام است.

**د) غریزه جنسی:**<sup>۱</sup>

**۵) موسیقی<sup>۲</sup>**

**مخترع موسیقی:**

در برخی روایات اختراع موسیقی به شیطان نسبت داده شده است؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وقتی حضرت آدم علیه السلام رحلت نمود، ابلیس و قابیل با رحلت او خوشحال شدند. آن دو در اجتماعی شرکت جستند و به نشانه شادی برای مرگ آدم علیه السلام از طنبورها<sup>۳</sup> وسایل لهو (موسیقی) استفاده کردند. پس هر کسی در روی زمین از این وسایل لذت می‌برد، از پیروان ابلیس و قابیل می‌باشد.<sup>۴</sup> از این حدیث استفاده می‌شود مخترع اصلی موسیقی و نوازنگی، شیطان و قابیل می‌باشند.

۱. ر.ک: سلسله دروس «آنچه مهم است جوان از انحرافات جنسی بداند».

۲. ر.ک: «احکام موسیقی»، رهنمای راهیان نور؛ معاونت فرهنگی تبلیغی حوزه علمیه قم، شماره ۸۷، درس بیست و ششم، تابستان ۸۹.

۳. یکی از آلات موسیقی شبیه سه تار است که دارای دسته‌ای دراز و کاسه‌ای کوچک می‌باشد) فرهنگ عمید؛ ص ۴۱۷.

۴. کافی؛ ج ۶، ص ۴۳۱.

## مختصر غنا:

در تفسیر عیاشی از جابر بن عبد الله انصاری و از پیامبر گرامی اسلام ﷺ روایت شده است: «شیطان نخستین کسی است که آوازه خوانی کرد و اولین کسی است که نوحه‌گری نمود و اولین کسی است که حدا خواند. هنگامی که آدم علیه السلام از (میوه) درخت خورد، شیطان آواز خواند و هنگامی که از بهشت اخراج شد و هبوط کرد، حدا خواند و زمانی که در زمین مستقر شد، نوحه‌گری را آغاز کرد که به وسیله آن نعمت‌های بهشت را برای آدم علیه السلام یادآوری می‌کرد تا اندوه آدم علیه السلام افرون گشته و شیطان خوشحال گردد».!

امام صادق علیه السلام فرمود:

«به شیطان قفلدر [بد قیافه] گفته می‌شود. زمانی که در خانه کسی چهل روز با وسائل موسیقی [چون تار بنوازد] و مردان و زنان در آن مجلس باطل گرد آیند، شیطان تمام اعضای بدن صاحبخانه را لمس می‌کند [به طوری که چشم، گوش، زبان و سایر اعضایش در مسیر و فرمان شیطان و گناه قرار می‌گیرند]. بعد از آن برای اینکه کاملاً او را در زشتی و ظلمت غرق کند، نفسی شیطانی در او می‌دمد که بعد از آن غیرت را از دست می‌دهد آن‌چنان که نسبت به رابطه نا مشروع دیگران با همسرش بی توجه می‌شود».

## داستان بشر حافی:

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، از یکی از کوچه‌های بغداد می‌گذشتند. از خانه‌ای آوای زنان آوازه خوان به گوش ایشان رسید. حضرت که با تعجب و تأسف از کنار دیوار می‌گذشتند؛ کنیزی را دیدند که برای ریختن خاکروبه به کوچه آمد. فرمودند: ای کنیز این خانه مال کیست؟ عرض کرد: مال مردی از مشاهیر این شهر به نام بُشر است. فرمودند: او آزاد است یا بنده؟ عرض کرد: آزاد است و بندگان زیادی دارد. حضرت فرمود: راست گفتی! او آزاد است که چنین به لهو و لعب آغشته شده و اگر او بنده بود، هرگز در برابر مولای خود چنین گستاخ نبود و مرتکب چنین گناهی نمی‌شد. امام از آن محل گذشتند و کنیز به خانه برگشت و سؤال و جواب را با همان بیان به (بُشر در حالی که بر سر بساط شراب نشسته بود) گفت. این بیان جالب و موعظة سودمند و منطق حکیمانه آن‌چنان در دل او اثر گذاشت و به طوری او را تکان داد که بی اختیار از جای خود برخاسته و با پای برهنه شتابان به طرف کوچه دوید و به دنبال حضرت روان شده تا اینکه به حضرت رسید و خود را به پاهای مبارک ایشان انداخت و سپس با چهره‌ای اشکآلود گفت: آقا تا این دقیقه غافل بودم و در مقابل مولای خود گستاخانه رفتار می‌کردم و مرتکب گناه

۱. تفسیر عیاشی؛ ج ۱، ص ۴۰، ذیل آیه ۳۵ سوره بقره؛ بحار الانوار؛ ج ۶، ص ۳۳ و وسائل الشیعه؛ ج ۱۷، ص ۳۱۰.

۲. کافی؛ ج ۶، ص ۴۲۲.

بی‌شماری شدم؛ ولی با آن حرف شما تکانی خوردم و دانستم که در اشتباهم؛ آیا توبه من قبول است؟ حضرت فرمودند: بلی؛ اما به شرط اینکه از تمامی آلوگی‌ها، پشمیمان باشی و دیگر غمزه‌های گناه دیدگانت را خیره نکند و بهتر است آلات و وسایل لھو و لعب را به دور افکنی. او چنین کرد به مقامات عالیه نایل شد.<sup>۱</sup>

از بسیاری از آیات قرآن کریم<sup>۲</sup> و روایات ائمه اطهار علیهم السلام استفاده می‌شود که اعمال خیر بر وسعت رزق و طول عمر می‌افزاید؛ ولی گناه و لھو و لعب برکت را از بین خواهد برد و از عمر انسان می‌کاهد.

#### الف) آثار وخیم موسیقی در دنیا از دید روایات:

۱. مرگ ناگهانی و قبول‌نشدن دعا؛<sup>۳</sup>
۲. سبب نفاق؛<sup>۴</sup>
۳. عامل زنا؛<sup>۵</sup>
۴. بدختی جامعه؛<sup>۶</sup>
۵. ناسپاسی از حق تعالی؛<sup>۷</sup>
۶. بی‌توجه شدن نسبت به ناموس؛
۷. رفتن برکت؛<sup>۸</sup>
۸. موسیقی علنی در آخر الزمان؛<sup>۹</sup>
۹. زبان حال موسیقی؛<sup>۱۰</sup>

۱. واعظ خاتوناده؛ ص ۲۳-۲۴، به نقل از منتهی‌الآمال؛ ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. انعام؛ ۶؛ اعراف؛ ۹۶؛ هود؛ ۵۲؛ عنکبوت؛ ۴؛ طلاق؛ ۲-۴ و نوح؛ ۱۰ - ۱۲.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «خان ای که در آن غنا باشد، از مرگ و مصیبت در دنیاک اینم نیست و دعا در آن به اجابت نمی‌رسد و فرشتگان وارد آن نمی‌شوند»(اکافی؛ ج ۶، ص ۴۳۳).

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: «نواختن موسیقی [مثل تار و ...] نفاق را در دل می‌رویاند؛ همان‌طوری که آب سبزه را می‌رویاند»(همان؛ ص ۴۳۴).

۵. رسول خدا علیه السلام فرمود: «غنا و [موسیقی] کاری است که انسان را به زنا می‌کشاند»(الدر المتنور؛ ج ۵، ص ۳۰۸).

مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۴۵۷؛ بخار الانوار؛ ج ۷۳، ص ۲۴۷ در حدیث دیگری آمده است: «از غنا و موسیقی دوری کنید؛ زیرا موسیقی حیا را از بین می‌برد و سبب زیادشدن غریزه جنسی می‌شود، مردانگی را نابود می‌سازد و هر کاری که شراب می‌کند، موسیقی هم انجام می‌دهد و اگر مبتلا به موسیقی شدید، از زنان بیرونی شود. برای انکه موسیقی و غنا انسان را به زنا می‌کشاند»(بخار الانوار؛ ج ۵، ص ۳۰۸).

۶. از امام سجاد علیه السلام روایت شده است: «پاک و سعادتمند نمی‌شوند ملتی که در میان آنان بربط [که یکی از آلات موسیقی می‌یاشد] به صدا در آید[غنا] و موسیقی از دیدگاه اسلام؛ ص ۱۴۱).

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی را که خداوند سیحان نعمتی به او عطا کند و او در اثر نعمت به وسایل آوازخوانی و موسیقی رو کند، با این عملش ناسیاسی حق تعالی را مر تک شده و همچنین کسی که مصیبته [برای امتحان و ...] به او برسد و آه و ناله کند، او هم کفران نعمت نموده است»(اکافی؛ ج ۶، ص ۴۲۲).

۸. حضرت محمد علیه السلام فرمود: «فرشتگان به خانه‌ای که شراب و وسایل موسیقی و قمار [مثل دایره، طبیور و نرد] در آن باشد، وارد نمی‌شوند و دعای اهل خانه مستجاب نمی‌گردد، خیر و برکت هم از آنجا می‌رود»(مستدرک الوسائل؛ ج ۱۳، ص ۲۱۸).

۹. جوان و موسیقی؛ ص ۲۰ و ۲۱، به نقل از مهدی منتظر؛ ص ۱۴۵.

۱۰. جوان و موسیقی؛ ص ۲۲، به نقل از المخازن؛ ج ۱، ص ۳۱؛ جامع احادیث شیعه؛ ج ۲۲، ص ۲۴۸.

۱۰. سبب ازدیاد شهوت جنسی؛<sup>۱</sup>

۱۱. غضب خدا؛<sup>۲</sup>

۱۲. مقدمه قساوت قلب.<sup>۳</sup>

از بسیاری از آیات قرآن کریم<sup>۴</sup> و روایات ائمه اطهار علیهم السلام استفاده می‌شود که اعمال خیر بر وسعت رزق و طول عمر می‌افزاید؛ ولی گناه و لهو و لعب برکت را از بین خواهد برد و از عمر انسان می‌کاهد.

### ب) عواقب وخیم غنا و موسیقی پس از مرگ:

۱. محشورشدن با روی سیاه؛<sup>۵</sup>

۲. محروم از نظر رحمت خداوند؛<sup>۶</sup>

۳. محشورشدن به صورت خوک و بوزینه؛<sup>۷</sup>

۴. در گوشش سرب ذوب شده [گداخته] می‌ریزند؛<sup>۸</sup>

۵. در قیامت به صورت نابینا و گنگ و کر خواهد بود.

### ضررها موسیقی از دیدگاه علامه محمد تقی جعفری<sup>۹</sup>:

۱. ایجاد عدم تعادل و توازن بین اعصاب سمباتیک و پاراسماتیک؛

۲. مرض مانی (Maniae) نوعی جنون است که درجات متعددی دارد؛

۱. یعنی موسیقی عامل بزرگ اشاعه فحشا می‌شود.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در خانه‌اش چهل روز طنبور بماند، به غضب خدا گرفتار می‌شود» (الثالی الاخبار؛ ج ۵ ص ۲۱۹).

۳. رسول گرامی اسلام علیه السلام ضمن وصیت خود به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «یا علی! سه چیز است که موجب قساوت قلب می‌شود: گوش دادن به لهو؛ دنال شکار و رفت و رفعت و امد به دربار سلطان جائز» (موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام؛ ص ۱۵۷ و خصال صدوق؛ ج ۱ ص ۱۲۵).

اگر انسان قسی القلب شود، کمتر توفیق توبه پیدا می‌کند. هر قدر انسان بیشتر گناه کند، نامه اعمالش از بار گناهان سنگین می‌شود و شخص قساوت قلب پیدا می‌کند. وقتی هم قساوت قلب پیدا شود، دیگر انسان کمتر می‌تواند توبه کند؛ پس چه بهتر که انسان گناه نکند و به فرمایش مولای متقیان علی بن ابیطالب علیه السلام گوش نماید که فرمودند: گناه‌نکردن بهتر از توبه‌کردن می‌باشد. از کجا معلوم که انسان زنده بماند و بتواند توبه نماید و به قول پزشکان: پیشگیری بهتر از درمان است.

۴. انعام؛<sup>۱۰</sup> اعراف؛<sup>۱۱</sup> هود؛<sup>۱۲</sup> عنکبوت؛<sup>۱۳</sup> طلاق؛<sup>۱۴</sup> و نوح؛<sup>۱۵</sup> و اعراف؛<sup>۱۶</sup>

۵. رسول خدا علیه السلام فرمود: «کسی که اهل طنبور است، روز قیامت محشور می‌شود در حالی که سیاهترین صورت را دارد و به دستش تصوری از آتش جهنم است و بالای سرش هفتاد هزار فرشته عذاب همراه با گرزوی که در دست دارند بر سر و صورتش می‌کویند و کسی که اهل [غنا و موسیقی] است، از قبرش بیرون می‌آید در حالی که نابینا، گنگ و کر خواهد بود. همچنین زناکار و آن که فلوتو و دایره می‌زند، همانند ایشان محشور می‌شود (مستدرک الوسائل؛ ج ۱۳، ص ۲۱۹ و تفسیر قرطبي؛ ج ۱۴، ص ۵۴).

۶. پیامبر اکرم علیه السلام: «خداؤند در قیامت به پنج طایفه نظر رحمت نمی‌کند و یکی از آنان مغنى [آوازه خوان] است (جامع احادیث شیعه؛ ج ۲۲، ص ۲۲۳).

۷. از این هربره روایت شده که پیامبر اکرم علیه السلام فرمود: «گروهی از این امت مسخ شده و به صورت بوزینه و خوک در نماز نیز می‌خوانند، حج نیز به جای می‌اورند. گفتن: یا رسول الله، مگر انها شهادت به لاله‌الله و محمد رسول الله نمی‌دهند؟ فرمود: بلی، روزه هم می‌گیرند، نماز نیز می‌خوانند، حج نیز به جای می‌اورند. گفتن: پس عیب انها چیست؟

فرمود: انها وسایل ساز و موسیقی و دایره را به کار می‌برند و کنیزان آوازه‌خوان می‌گیرند و با شب‌نشینی به می‌گساري و لهویات خویش را به صبح می‌رسانند که مبدل به بوزینه و خوک خواهد شد (نظری به موسیقی؛ ج ۲، ص ۳۲۴ به نقل از درمنثور؛ ج ۲، ص ۳۲۴).

۸. پیامبر اکرم علیه السلام: «کسی که در مجلس زن خواننده بنشیند که به آوازه‌خوانی وی گوش دهد، خداوند به گوش‌های او سرب خواهد ریخت» (کنز العمال؛ ج ۱۵، ص ۲۲۰ و مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۴۵۹).

۳. مرض سیکلتموتی (Cyclothmie)؛
۴. کوتاهی عمر؛
۵. مرض پارانو (Paranoia)؛
۶. ضعف اعصاب؛
۷. اختلالات دماغی (اختشاشات مغزی، هیجانات روحی - جنون)؛
۸. تأثیرات قلبی؛
۹. واسطه انتشار و خودکشی؛
۱۰. بیماری فشار خون؛
۱۱. عامل فحشا؛
۱۲. تضعیف و تضییع حس شنوایی (سامعه)؛
۱۳. تضعیف و تضییع حس بینایی (باصره)؛
۱۴. هیجان کاذب؛
۱۵. سلب اراده و شکست شخصیت؛
۱۶. سلب غیرت؛
۱۷. عامل جنایت؛
۱۸. جلب توجه غیر طبیعی؛
۱۹. از دست دادن نیروی فکری؛
۲۰. تضییع نیروی قضاوت؛
۲۱. افسردگی و خمودگی؛
۲۲. تهییج عشق؛
۲۳. شکست عمر و جوانمرگی؛
۲۴. زنجیر بردگی؛
۲۵. روش لغو؛
۲۶. اتلاف وقت.

**پیام‌ها:**

۱. امروزه در برخی خانه‌ها اعضای خانواده به طور دسته‌جمعی و گاهی به صورت مخفیانه و به صورت کاملاً عادی خود را آماج حملات شدید نیروهای شیطان قرار داده و اسیر ابزارهای شیطان شده و به طرزی کاملاً طبیعی شیطان با ابزارهایی نظیر ماهواره، اینترنت، فیلم‌ها و سی‌دی‌های مبتذل و انحرافی آنها را اسیر در شهوات و غرق در دام‌هایش قرار می‌دهد که باید این مسائل را جدی گرفت.
۲. امروزه خانواده‌ها مسائل کسب و احکام خرید و فروش را جدی نگرفته و هرگز به صورت‌های مختلف به اخاذی و کلام‌برداری یا تعریف و تمجید بی‌خودی از جنس خود می‌پردازد؛ بدون اینکه متوجه باشد که لقمه حرام از ابزار بسیار جدی شیطان در

فریب دادن انسان محسوب می شود.

۳. گسترش بی بند و باری در جوامع و تهییج و تحریک غریزه جنسی و سخت گرفتن خانواده ها در ازدواج فرزندان و جوانان خود، امروزه موج عظیمی از آتشفشاں شهوت جامعه را فرا گرفته و خانواده ها بدون لحظه ای توجه به ابزارهای شیطان و بدون کسب آگاهی در مورد مضرات بازی هایی چون قمار و شنیدن موسیقی های محرك شهوت جوانان را به حال خود رها کرده و به دست شیطان می سپارند.

۴. تأمل و دقت در آثار و پیامدهای غوطه ور شدن در ابزارهای شیطان ما را به این مهم رهنمون می سازد که بیشتر خرابکاری ها، بزهکاری ها، طلاق ها، سرقتهای و گسترش و روی آوردن جوانان به غریزه جنسی و به دنبال آن قتل ها و ترویج فساد در جوامع ناشی از غفلت و عادی شدن پیوستن انسان ها به ابزارهای شیطانی است.

۵. ملاحظه می کنیم در جامعه امروزی، شیطان بسیار جدی تر آتش گناه انسان ها و معصیت ها را شعله ور کرده و از هر ابزاری چه سینمای داخلی و چه خارجی و چه رادیوها و تلویزیون های داخلی و چه خارجی در حال یارگیری و عضوگیری در گروه خویش می باشد؛ پس مواظب باشیم جزء پیروان حکومت شیطان نباشیم و در هرجایی لطف خدا را فراموش نکنیم.

#### سؤالات :

۱. ابزارهای رسانه ای شیطان را نام ببرید؟
۲. پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به شخصی که دوست داشت دعايش مستجاب شود، چه فرمودند؟
۳. امام حسین علیه السلام خطاب به لشکر عبیدالله بن زیاد در روز عاشورا که با پایکوبی مانع شنیدن نصیحت امام علیه السلام شدند، چه فرمودند؟
۴. دلیل حرمت شراب از دیدگاه امام صادق علیه السلام چیست؟
۵. مخترع موسیقی کیست؟ آثار و خیم موسیقی در دنیا را نام ببرید؟

#### معرفی منابع بیشتر برای مطالعه:

۱. از میکده تا ماتم کله اعتیاد(بررسی ابعاد فقهی- اجتماعی اعتیاد)؛ محمد برفی؛ ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. آب شیطان(درباره شراب)؛ راحل برهانی؛ ناشر: خیر.
۳. قمار یک بازی تخدیری؛ گروه مؤلفین؛ ناشر: مؤسسه در راه حق.
۴. مقامه ای بر شناخت موسیقی حلال و حرام؛ علیرضا علوی؛ ناشر: جهاد دانشگاهی اهواز.
۵. نفوذ صهیونیسم بر رسانه های خبری و سازمان های بین المللی؛ فؤاد بن سید عبدالرحمن الرفاعی؛ ترجمه: حسین سرو قامت؛ ناشر: کیهان، ۱۳۷۷.